

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ  
وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ  
عَلَيْكُمْ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ



دفتر سوم

فضائل و قیام امام حسین علیہ السلام

# اندیشه‌های باب

♦ آیت الله العظمی مظاهری

۵	سخن آغازین
۸	ولادت و کودکی امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۴	فضائل و مناقب امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۸	رابطه امام حسن <small>علیه السلام</small> و امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۲	حرکت و قیام حسینی <small>علیه السلام</small>
۳۱	اصحاب و یاران امام حسین <small>علیه السلام</small>
۳۸	وقایع عاشورا
۴۸	وقایع پس از عاشورا
۶۲	بازشناسی واقعه عاشورا
۷۶	زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در کربلا
۸۳	تربت کربلا
۸۶	زیارت عاشورا
۹۴	ارتباط امام حسین <small>علیه السلام</small> و امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۹۸	گریه بر امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	عزاداری و سیاه‌پوشی
۱۲۸	آسیب‌شناسی عزاداری
۱۳۹	سؤالات فقهی
۱۴۵	منابع و مصادر تحقیق



اندیشه‌های ناب، پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛

دفتر سوّم: (فضائل و قیام امام حسین علیه السلام)

مؤلف: مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مظاهری (مدظله العالی)

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (سلام الله علیها)

## سخن آغازین

«پرسش»، کلید حل مشکلات، دریچه راهیابی به ساحت علوم و دانش‌ها و یکی از بهترین ابزارها برای انتقال معارف است. از این‌رو پرسش‌گری را باید نشانه بارز جنب و جوش افکار و بیداری اندیشه‌ها به‌شمار آورد و آن را امری مبارک و پرثمر تلقی نمود. از منظر تعلیم آموزنده دینی، یکی از حقوق مردم بر عالمان و آگاهان، سؤال و پرسش از آنان و دریافت پاسخ مناسب است و طبعاً پرسش‌گری در زمینه مجهولات و تلاش برای برطرف نمودن نادانی‌ها، یکی از وظایف مردم نیز قلمداد می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

هرچند در این آیه شریفه، مصداق روشن و کامل «اهل ذکر»، به تصریح روایات اهل بیت علیهم‌السلام - که مفسران حقیقی قرآن کریم‌اند - رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشند،<sup>۲</sup> اما عالمان دینی و کارشناسان خبر به معارف عالیّه اسلامی - که تبیین کنندگان آراء و نظرات آن بزرگواران به شمار می‌روند - نیز در مفهوم

---

۱. نحل، ۴۳: «پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر (و آگاهان) پرسید.»

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۰: «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ.»

وسیع این آیه مبارکه قرار داشته و از مصادیق «اهل ذکر» هستند. آنان، که به حکم «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۱</sup>، میراث‌داران تعلیمات و معارف الهی محسوب شده‌اند، با خبریّت دین‌شناسانه خود، سوالات و پرسش‌های دینی و معارفی مردم را از دو معدن بی‌انتهای کتاب و سنت پاسخ می‌گویند و پرسش‌گران و جویندگان حقیقت را از طریق آموزه‌های قرآن و عترت، به وادی مقصود رهنمون می‌گردند.

مجموعه «اندیشه‌های ناب»، کوششی است در همین راستا که به منظور تبیین مسائل و معارف دینی، در قالب پرسش و پاسخ، تدوین می‌گردد.

پیش از این، دفتر اوّل این مجموعه، تحت عنوان «سیره و فضائل حضرت زهرا (علیها السلام)» که به تبیین برخی از جنبه‌های بااهمیت شخصیتی حضرت فاطمه اطهر (علیها السلام) پرداخته بود، منتشر گردیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. پس از آن دفتر دوّم این مجموعه، تحت عنوان «سیمای زن در اسلام» منتشر شد که به شرح و تبیین برخی از ابعاد مهم شخصیت زنان از منظر اسلام اختصاص داشت.

اینک دفتر سوّم از این مجموعه، تحت عنوان «فضائل و قیام امام حسین (علیه السلام)» منتشر می‌شود که به تبیین برخی از جنبه‌های بااهمیت شخصیت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و نیز موضوعات مربوط به عاشورا و عزاداری برای آن حضرت اختصاص دارد.

کتاب حاضر، از شانزده فصل اصلی تشکیل شده است که در آن، به پرسش‌های متفاوتی پیرامون جنبه‌های مختلف شخصیت و فضائل امام حسین (علیه السلام) و نیز قیام سرنوشت‌ساز ایشان، وقایع عاشورا و مسائل پیرامون آن از جمله عزاداری، توسط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مظاهری «مدظله العالی» پاسخ داده شده و شامل

موضوعاتی همچون: «ولادت و کودکی امام حسین (علیه السلام)»، «رابطه امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)»، «فضائل و مناقب امام حسین (علیه السلام)»، «حرکت و قیام حسینی (علیه السلام)»، «اصحاب و یاران امام حسین (علیه السلام)»، «وقایع عاشورا و پس از آن»، «بازشناسی واقعه عاشورا»، «زیارت امام حسین (علیه السلام) در کربلا»، «زیارت عاشورا»، «رابطه امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»، «گریه و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام)» و «سؤالات فقهی» می باشد.

قسمتی از این سؤالات و پاسخ های آن، پیش از این، تحت عنوان «خون موعود» به طور مکرر منتشر گردیده است و اکنون با اضافه کردن سؤالات متعدد دیگر و نیز تنظیم پاورقی های مفصل و مستند، به صورت مدوّن و تکمیل یافته، به زیور طبع آراسته شده و به همه ارادتمندان به ساحت قدسی سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) تقدیم می گردد.

برخورداری از بیانی روان و نیز رعایت اختصار در پاسخ ها، همچنین ارائه مستندات پاسخ ها در پاورقی و تنوع در سؤالات و موضوعات مرتبط، از ویژگی های اثر حاضر است.

در پایان از همه عزیزانی که در تولید و نشر این اثر ارزشمند کوشیده اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می شود.

إله ولی الهدایة و التوفیق

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیه السلام)

۳ شعبان المعظم ۱۴۳۵

## ولادت و کودکی امام حسین علیه السلام

۱. این که در توصیف امام حسین علیه السلام آمده است: «كَانَ فَقِيهًا قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَ»<sup>۱</sup>، به چه معنایی است؟

ح همۀ ائمۀ طاهرين علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام، انوار مقدّسی در عرش خداوند سبحان بوده<sup>۲</sup> و از ابتدا، دارای همۀ کمالات و فضائل بوده‌اند.<sup>۳</sup>

۲. امام حسین علیه السلام در چه روز و سالی به دنیا آمدند؟

---

<sup>۱</sup> الکافی، ج ۱، ص ۳۰۲: «او پیش از آفرینش، فقیه و عالم بوده است.»  
<sup>۲</sup> من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳، (زیارت جامعۀ کبیره): «خَلَقَكُمُ اللَّهُ نُورًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شَيْءٍ مُّحْدِقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ... - خداوند شما را به صورت نورهایی آفریده و گرداگرد عرش خود قرار داد. تا آنگاه خدا به وجودتان بر ما منت نهاده و شما را در خانه‌هایی مقرر داشت که اجازه داده بود رفعت یابند و نامش در آنها برده شود...»  
<sup>۳</sup> ر.ک: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱ تا ۳۶.



ح بنابر مشهور، سالروز ولادت آن حضرت، روز سوّم شعبان سال سوّم هجری است.<sup>۱</sup>

۳. آیا این مطلب که حضرت زهرا علیها السلام صدای تسبیح و تقدیس امام حسین علیه السلام را از درون رحم خود می شنیدند، صحّت دارد؟ آیا این امر امکان پذیر است؟  
ح در برخی از روایات چنین مطالبی نقل شده است،<sup>۲</sup> البته این امر، مسأله‌ای طبیعی نبوده، بلکه کرامت و معجزه بوده است و معجزه، هم امکان ذاتی و هم امکان وقوعی دارد. ضمن آنکه چنین مطلبی به امام حسین علیه السلام هم اختصاص نداشته است، بلکه درباره دیگر معصومین علیهم السلام از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام<sup>۳</sup> و حضرت

۱. در الکافی، ج ۱، ص ۴۶۳ به توگد آن حضرت در سال سوّم هجری اشاره شده و در کتاب‌های مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۲۶؛ مسار الشیعه، ص ۶۱؛ تنها سوّم شعبان بیان شده است. علامه مجلسی رحمته الله نیز ولادت آن حضرت در سوّم شعبان را مشهورتر می دانند. [بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۰۱] البته در برخی از منابع، روزهای دیگری نیز به عنوان ولادت ایشان، بیان شده است که عبارتند از: اواخر ربیع الاول سال سوّم هجری؛ المنفعه، ص ۴۶۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۱؛ پنجم شعبان سال چهارم هجری؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۷۶؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷؛ مقاتل الطالبیین، ص ۸۴؛ نظم درر السمطين، ص ۱۹۴ و...

۲. الحرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۴... قُلْنَا أُنْ خَلَّتْ السَّكَّةُ كُنْتُ لَا أَحْتَاجُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ إِلَى مِصْبَاحٍ وَ جَعَلْتُ أَسْمَعُ إِذَا خَلَوْتُ بِفَيْسَى فِي مُسَاوِي الشَّيْخِ وَ الْقُدَيْسِ فِي بَطْنِي - چون در ماه ششم داخل شدم، در شب‌های تاریک احتیاج به چراغ نداشتم، چون به خلوت می نشستم، در جای نماز خود، صدای تسبیح و تقدیس از درون شکم خود می شنیدم.

۳. أمالی الطوسی، ص ۷۰۷... فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْبَيْتِ وَ مَنْ بَنَاهُ، وَ يَهَذَا الْمَوْلُودِ الَّذِي فِي أَحْشَائِي الَّذِي يُكَلِّمُنِي وَ يُؤَسِّسُنِي بِحَبْرِيهِ وَ أَنَا مُوقِفَةٌ أَنَّهُ إِخْذِي آيَاتِكَ وَ دَلَائِلِكَ لَمَّا يَسْرُتْ عَلَيَّ وَلَدَائِي - [فاطمه بنت اسد گفت:] خدایا از تو می خواهم به حقّ این خانه و آنکه آن را بنا کرده است و به حقّ این فرزندی که در شکم دارم و با من حرف می زند و با کلام خود، به من آرامش می بخشد و من یقین دارم که او یکی از معجزات

زهره عليها السلام<sup>۱</sup> نیز نقل شده است. نظیر این معجزات، در قرآن کریم راجع به حضرت یحیی عليه السلام و حضرت عیسی عليه السلام هم آمده است.<sup>۲</sup>

#### ۴. امام حسین عليه السلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نزد ایشان از چه جایگاهی برخوردار بودند؟

ح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احترام و توجه ویژه‌ای به امام حسن و امام حسین علیهما السلام داشتند و در مواقع مختلف، از آنان تمجید و تعریف می‌کردند؛<sup>۳</sup> به‌خصوص راجع به

و آیات توست، درد زایمان را بر من آسان گردانی.<sup>۴</sup>  
 ۱. *أمالی الصدوق*، ص ۵۹۳: «إِنَّ حَدِيثَهُ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكُنَّ لَهَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا يُسَلَّمْنَ عَلَيْهَا ... فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا - چون خدیجه با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان مکه از او دوری گزیدند و به دیدنش نمی‌رفتند و به او سلام نمی‌دادند و... همین که به فاطمه عليها السلام باردار شد، فاطمه عليها السلام با او سخن می‌گفت و در همان حال که هنوز در شکم مادر بود، مادر را به صبر و شکیبایی سفارش می‌کرد.» ر.ک: *روضة الواعظین*، ج ۱، ص ۱۴۳؛ *دلائل الامامة*، ص ۷۷ و...

۲. ر.ک: آل عمران، ۳۵ تا ۵۹؛ نساء، ۱۷۱؛ مریم، ۱ تا ۳۴ و...  
 ۳. *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۲۷: «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ شَفِئَا الْعَرْشِ - همانا حسن و حسین دو گوشواره عرش خدایند؛» *أمالی الطوسی*، ص ۵۰۱: «هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمَا وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا، وَ وَيْلٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ أَبْغَضَهُمْ - حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت‌اند، خوشا به حال کسی که آن دو و پدر و مادرشان را دوست بدارد و وای به حال کسی که ایشان را دشمن بدارد.» ر.ک *مناقب آل أبي طالب*، ج ۴، ص ۲۰ تا ۲۷؛ *عمدة عیون صحاح الأخبار*، ص ۳۹۵ تا ۴۰۷؛ *كشف الغمّة*، ج ۱، ص ۴۸۹؛ *مقتل الحسين عليه السلام* (الخوارزمی)، ج ۱، ص ۱۳۳؛ *ینابيع المودة*، ج ۲، ص ۲۰۰ تا ۲۱۰.

امام حسین علیه السلام، و اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که جهان را پر از عدل و داد می‌کنند، از نسل ایشان هستند.<sup>۱</sup>

۵. موضوع گناه کردن فطرس ملک چیست؟ مگر ملائکه گناه می‌کنند که

بعد از گناه، طرد شده و بعد به واسطه امام حسین علیه السلام بخشیده شوند؟

ح قاضیه فطرس، از متشابهات تاریخ است و جزئیات آن روشن نیست؛ اما همین مقدار بدانید که فطرس مرتکب گناه نشد، بلکه در اجرای امر پروردگار، کندی کرد که موجب شکستن پرش شد و به واسطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السلام به حال اول برگشت.<sup>۲</sup>

۱. «بجار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷: «يَا حُسَيْنُ يُخْرَجُ مِنْ صُلْبِكَ تِسْعَةُ أُمَمٍ مِنْهُمْ مُهْدِيٌ هَذِهِ الْأُمَمِ فَإِذَا اسْتَشْهَدَ أَبُوكَ فَالْحَسَنُ بَعْدَهُ فَإِذَا سَمَّ الْحَسَنَ قَالَتْ فَإِذَا اسْتَشْهَدَتْ فَعَلَى ابْنِكَ فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَمُحَمَّدٌ ابْنُهُ فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَجَعْفَرُ ابْنُهُ فَإِذَا مَضَى جَعْفَرُ فَمُوسَى ابْنُهُ فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَعَلَى ابْنِهِ فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَمُحَمَّدٌ ابْنُهُ فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَعَلَى ابْنِهِ فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَعَلَى ابْنِهِ ثُمَّ الْحُجَّةُ بَعْدَ الْحَسَنِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا - يا حسين! از نسل تو نه امام هستند که مهدی این امت نیز از ایشان است، هنگامی که پدرت شهید شد حسن، و هنگامی که حسن مسموم شد، تو و بعد از شهادت تو فرزندان علی، و هنگامی که علی از دنیا رفت فرزندان محمد، و هنگامی که محمد از دنیا رفت فرزندان جعفر، و هنگامی که جعفر از دنیا رفت فرزندان موسی، و هنگامی که موسی از دنیا رفت فرزندان علی، و هنگامی که علی از دنیا رفت فرزندان محمد، و هنگامی که محمد از دنیا رفت فرزندان علی، و هنگامی که علی از دنیا رفت فرزندان حسن، و سپس حجت زمین را از عدل پر می‌کند، همان گونه که از ظلم پر شده است.» همچنین ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۶ تا ۲۷۱.

۲. کامل الزیارات، ص ۶۶: «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام لَمَّا وُلِدَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَبْرِئِيلَ عليه السلام

أَنْ يَهْبِطَ فِي أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِيهِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَكَانَ مَهْبُطُ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى جَزِيرَةٍ فِي الْبَحْرِ فِيهَا مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ فُطْرُسُ كَانَ مِنَ الْحَمَلَةِ فَبُعِثَ فِي شَيْءٍ فَأَبْطَأَ فِيهِ فَكُسِرَ جَنَاحُهُ وَاتَّقَى فِي تِلْكَ الْجَزِيرَةِ بَعْدُ اللَّهُ فِيهَا سِتْمِائَةَ عَامٍ حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الْمَلَكُ لِجَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْعَمَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا ﷺ وَبَنِعْمَةٍ فَبُعِثْتُ أَهْنُتُهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنِي فَقَالَ يَا جَبْرِئِيلُ أَحْمِلْنِي مَعَكَ لَعَلَّ مُحَمَّدًا ﷺ يَدْعُو اللَّهَ لِي قَالَ فَحَمَلَهُ فَلَمَّا دَخَلَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّبِيَّ ﷺ وَهَئَا مِنْ اللَّهِ وَهَئَا مِنْهُ وَ أَخْبَرَهُ بِحَالِ فُطْرُسَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا جَبْرِئِيلُ أَدْخِلْهُ فَلَمَّا أَدْخَلَهُ أَخْبَرَ فُطْرُسُ النَّبِيَّ ﷺ بِحَالِهِ فَدَعَا لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَقَالَ لَهُ تَمَسَّحْ بِهَذَا الْمَوْلُودِ وَاعْدُ إِلَيَّ مَكَانَكَ قَالَ فَتَمَسَّحَ فُطْرُسُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارْتَفَعَ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَا إِنَّ أَمَّتَكَ سَقَتْنَاهُ وَ لَهْ عَلَى مَكَا فَا أَنْ لَا يَزُورَهُ زَائِرٌ إِلَّا بَلَّغْتُهُ عَنْهُ وَ لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا بَلَّغْتُهُ سَلَامَهُ وَ لَا يُصَلِّي عَلَيْهِ مُصَلٍّ إِلَّا بَلَّغْتُهُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ قَالَ ثُمَّ ارْتَفَعَ - هَنَگَامِي که حسین بن علی علیه السلام متولد شدند، حق تعالی به جبرئیل امر فرمود که در ضمن هزار فرشته دیگر به زمین فرود آید و به رسول خدا ﷺ تهنیت بگوید. محل فرود آمدن جبرئیل جزیره ای بود که در آن، فرشته ای به نام فطرس می زیست که از حمله عرش محسوب می شد و خداوند او را بر انجام کاری مبعوث نمود و چون وی در به جا آوردن آن سستی کرد، بالش شکسته شد و در آن جزیره افتاد. او مدت ۱۰۰

ششصدسال خداوند را عبادت می کرد تا امام حسین علیه السلام متولد شدند. فطرس به جبرئیل گفت: اراده کجا داری؟ جبرئیل فرمود: خداوند متعال بر حضرت محمد ﷺ نعمتی عنایت فرموده و مرا برای گفتن تهنیت از جانب خودش و خودم به نزد آن حضرت فرستاده است. فطرس گفت: مرا نیز با خودت ببر، شاید پیامبر خدا ﷺ برای من دعا فرماید.

جبرئیل فطرس را با خود برد و هنگامی که به مکان رسول خدا ﷺ رسید، فطرس را بیرون گذارد و خودش محضر مبارک آن حضرت مشرف گردید و پس از ابلاغ تهنیت الهی، حال فطرس را گزارش داد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: ای جبرئیل او را داخل کن. جبرئیل او را داخل نمود و وی حال خود را برای آن جناب بازگو نمود.

به طور کلی نحوه عملکرد و نوع کیفر ملائکه و اهل ملکوت، با قوانین دنیا و عالم مادی ما به کلی تفاوت دارد و تفکر در جزئیات و خصوصیات آن، فایده‌ای ندارد. آنچه مهم است اینکه اهل بیت علیهم‌السلام واسطه فیض الهی هستند و توسل به آن بزرگواران، مشکلات مادی و معنوی را برطرف می‌کند.

---

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برایش دعا کرده و فرمودند: بال شکسته خودت را به این مولود بکش و به جای خودت برگرد.

فطرس بال شکسته‌اش را به امام حسین علیه‌السلام کشید و سالم شد. سپس، از واقعه شهادت امام حسین علیه‌السلام به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر داد و گفت: در مقابل حقی که این مولود بر من دارد، ملتزم هستم هر زائری که او را زیارت کند، زیارتش را به آن حضرت برسانم؛ هر سلام کننده‌ای که سلام کند، سلامش را به محضرش ابلاغ نمایم؛ هر کسی که به ایشان تهنیت گوید، آن را به حضورش عرضه کنم؛ این مطلب را گفت و به آسمان پرواز کرد. «همچنین ر.ک: بصائر الدرجات، ص ۶۸؛ رجال الکشی، ص ۵۸۳؛ دلائل الامامه، ص ۱۹۰؛ اثبات الوصیة، ص ۱۶۴؛ الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بشارة المصطفی، ص ۲۱۹؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۳۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۴۳ و...

## فضائل و مناقب امام حسین علیه السلام

۶. چه ویژگی‌های منحصر به فردی باعث شده است که امام حسین علیه السلام بیش از سایر ائمه اطهار علیهم السلام بین مسلمانان و حتی غیر مسلمانان مطرح و شاخص باشند؟

ح موقیعت خاصّ امام حسین علیه السلام که پنجمین از اصحاب کساء و مورد محبت شدید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند و همچنین گستردگی قیام و حرکت انقلابی ایشان که موجب احیای دین گردید، باعث شده است که از جایگاه ممتازی برخوردار باشند.

۷. آیا آیه یا سوره‌ای در قرآن راجع به امام حسین علیه السلام وجود دارد؟

ح آیات بسیاری وجود دارد، برخی از این آیات درباره اصحاب کساء یا همه ائمه اطهار علیهم السلام است که امام حسین علیه السلام نیز از ایشان است: مانند «آیه مباهله»، «آیه تطهیر»، «آیه اولوا الامر»؛ برخی نیز به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد، مانند «آیه ۳۳ اسراء»، «آیه اول سورة مریم»، «آیات آخر سورة فجر»<sup>۱</sup> و...

۱. آیه مباهله (آل عمران، ۶۱): [الاختصاص، ص ۱۱۴؛ الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۳۹۱]؛

۸. منظور از این حدیث شریف که نبی اکرم ﷺ فرمودند: «حُسَيْنٌ مِّنِّي وَ أَنَا مِّنْ حُسَيْنٍ»<sup>۱</sup> چیست؟

ح تفسیر حدیث شریف نبوی آن است که شخص امام حسین علیّه السلام از پیامبر گرامی ﷺ است، زیرا آن بزرگوار سبط نبی مکرم ﷺ بوده‌اند و شخصیت پیامبر گرامی ﷺ هم از حسین بن علی علیّه السلام است، چرا که اگر آن بزرگوار نبود، اسلام نبود و به بیان دیگر اسلام عزیز که شخصیت رسول گرامی ﷺ است، متوقف بر حسین بن علی علیّه السلام است.

۹. رابطه امام حسین علیّه السلام با سورة فجر که به «سورة الحسین» مشهور شده است، چیست؟

ح به‌خاطر آیات آخر این سوره است که امام حسین علیّه السلام مصداق اتمّ «نفس مطمئنّه» هستند و در روایات هم بر این حقیقت تصریح شده است.<sup>۲</sup>

آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) [الکافی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰]؛ آیه اولوالامر (نساء، ۵۹) [الکافی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱]؛ آیه ۳۳ اسراء [کامل الزیارات، ص ۶۳]؛ آیه اوّل سورة مریم [کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۱]؛ آیات آخر سورة فجر [تأویل الآیات، ص ۷۶۹]

۱. این حدیث در میان شیعه و اهل سنت، از طرق مختلف نقل شده است. ر.ک: کامل الزیارات، ص ۵۲؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۱۲۷؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۲۵؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۵۳؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۷۲؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۷؛ شرف المصطفی، ج ۵، ص ۱۳۳؛ مقتل الحسین علیّه السلام (الخوازمی)، ج ۱، ص ۲۱۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۴۹؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۹؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۹۷ و...

۲. امام صادق علیّه السلام به اصحاب خود دستور دادند سورة فجر را در نمازهای واجب و مستحب

۱۰. آیا مقام و رتبه امام حسین علیه السلام بالاتر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؟ شخصی پافشاری می کند که مقام و شأن و منزلت امام حسین علیه السلام بالاتر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد و توجیهش این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در چهل سالگی به عرش رفتند، ولی امام حسین علیه السلام در دوران طفولیت و در قنடைق به عرش رفته اند!

حرف او صحیح نیست و یک حرف انحرافی است.

۱۱. از علامه طباطبائی رحمته الله علیه صاحب تفسیر المیزان نقل شده که فرمودند: حضرت اباعبدالله علیه السلام برای رفع حجاب و موانع سیر الی الله به سالکین راه خدا عنایاتی عظیم دارند، خواهشمند است این جمله را شرح فرمایید؟

حرف گرچه همه ائمه هدی علیهم السلام سفینه نجات و مصباح هدایت هستند،<sup>۱</sup> لکن

خود بخوانند و به آن علاقه داشته باشند، زیرا این سوره حسین بن علی علیه السلام است. راوی از حضرت پرسید: چرا این سوره مخصوص امام حسین علیه السلام است؟ حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَلَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ﴾ إِمَّا يَعْنِي الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ - آیا این گفته خدای متعال را نشنیده ای که فرموده: ای جان نفس مطمئنه، به سوی خدای خویش باز گردد...، مقصود حسین بن علی علیه السلام است که صاحب نفس مطمئنه و خوشود از خداوند بود و خدای سبحان نیز از او راضی و خوشود بود.» [تأویل الآیات، ص ۷۶۹]

۱. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَا وَ مَنْ حَادَّ عَنْهَا هَلَكَ - ما کشتی نجات هستیم، هرکس خود را به آن بیاویزد نجات می یابد و کسی که از آن دوری گزیند، غرق می شود.» [فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۷؛



بنابر آنچه خودِ ائمه طاهرين عليهم السلام فرموده‌اند، کشتی حسین عليه السلام آسرع است<sup>۱</sup> و از جمله ویژگی‌های حضرت سيدالشهداء عليه السلام رفع موانع و کمک در امر سير و سلوک الى الله است و در نزد اولياء خدا و اهل سير و سلوک و کشف و شهود، فرمایش سيدنا الاستاد علامه طباطبائی رحمته الله یک امر مسلم و مجرب قطعی است.

---

همچنین ر.ک: /ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۳۳. رجال الکشي، ص ۲۷؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۰۸؛ بشارة المصطفى، ص ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۳؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۳۶۱؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۴۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸؛ همچنین در زیارت اميرالمؤمنين عليه السلام شهادت می‌دهیم که آن حضرت و امامان از فرزندان ایشان، سفينة النجاة هستند: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِكَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» [المزار الكبير، ص ۲۴۵]؛ در یکی از زیارت‌های امام حسين عليه السلام خطاب به ایشان می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ» [المزار الكبير، ص ۲۴۵]؛ در یکی از سلام‌ها بر امام زمان عليه السلام در روز جمعه نیز می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ» [جمال الاسبوع، ص ۳۷].

<sup>۱</sup>. امام حسين عليه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است: «مُصْبَاحُ هُدًى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ» [عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۶۰]

### رابطه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

۱۲. در برخی از منابع، روایاتی مبنی بر اختلاف یا جرّ و بحث حسنین علیه السلام با یکدیگر آمده است؛<sup>۱</sup> آیا آنان، در کودکی یا بزرگسالی، با یکدیگر اختلاف و مشاجره داشته‌اند؟

ح این نقل قول‌ها صحیح نیست. امام حسن و امام حسین علیه السلام هردو معصومند و معصومین هیچ‌گاه با یکدیگر اختلافی ندارند، زیرا اختلاف در بین اشخاص غیر معصوم واقع می‌شود و آنها در کودکی و بزرگسالی، همیشه یار و همراه یکدیگر بوده‌اند.

---

۱. گرچه برخی از مورّخین کوشیده‌اند تا دو شخصیت متفاوت از این دو امام معصوم بالأخص در قضیه صلح با معاویه، به تصویر بکشند *الطبقات الکبری*، ج ۱۰، ص ۳۳۱؛ *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۱۴۸؛ *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱۳، ص ۲۶۷؛ *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۶، ص ۲۳] اما این حرف ناصوابی است و عملکرد و سیره امام حسین علیه السلام در زمان امام مجتبی علیه السلام و حتی پس از شهادت ایشان خلاف آن را اثبات می‌کند. اگر آن بزرگواران اختلاف یا مخالفتی داشتند، حداقل باید پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام فوراً طبق نظر خود، عمل می‌کردند؛ اما چنین نبود.

۱۳. آیا امام حسن و امام حسین علیهما السلام در جنگ‌های سه گانه زمان حکومت

امیرالمؤمنین علیه السلام شرکت می‌کردند؟

ح آنها همیشه و همه جا، به خصوص در جنگ‌ها، همراه و یاور  
امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.<sup>۱</sup>

۱۴. چرا اطلاعات زیادی درباره سیره و روش امام حسین علیه السلام در دوران

امامت امام مجتبی علیه السلام در دسترس نیست؟

ح زیرا امام حسین علیه السلام در زمان امامت امام مجتبی علیه السلام، تابع صددرصد  
ایشان به عنوان امام زمان بودند. مثلاً پس از صلح امام حسن علیه السلام، بسیاری از  
گروه‌ها و افراد از امام حسین علیه السلام می‌خواستند که ایشان قیام کنند، اما حضرت خود  
را ملتزم به خواست امام مجتبی علیه السلام می‌دانستند و هرگز از آن روی گردان نبودند.<sup>۲</sup>  
در حقیقت شناخت صحیح امام حسین علیه السلام از موقعیت و شخصیت معاویه در اجتماع  
آن روز، باعث شده بود تا زمان مرگ معاویه، آن حضرت روش برادر را ادامه دهند

---

۱. حضور و نقش امام حسن و امام حسین علیهما السلام در جنگ‌های سه گانه:

جنگ جمل؛ ر.ک: الجمل، ص ۳۴۸؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۲۱؛ جواهر  
المطالب، ج ۲، ص ۱۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵۷.

جنگ صفین؛ ر.ک: وقعة صفین، ص ۲۴۹؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۱۶۸؛  
الفتوح، ج ۳، ص ۲۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۹۸.

جنگ نهروان؛ ر.ک: الخرائج والجرائع، ج ۱، ص ۲۲۵؛ احقاق الحق، ج ۳۲، ص ۵۵۴؛  
الإصابة، ج ۲، ص ۶۹.

۲. الاخبار الطوال، ص ۲۲۱؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۵۰.

و به صلح‌نامه پای‌بند باشند.<sup>۱</sup>

۱۵. چرا سیره و روش امام حسین علیه السلام معمولاً مخالف سیره و روش امام حسن علیه السلام بود؟ مثلاً امام مجتبی علیه السلام با معاویه صلح کردند، ولی امام حسین علیه السلام با یزید جنگیدند؟

✍ هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام، به تناسب موقعیت خود، با شناخت صحیح وظیفه، به آن عمل کرده‌اند. اگر امام حسین علیه السلام نیز به جای امام حسن علیه السلام بودند، صلح می‌کردند و اگر امام حسن علیه السلام به جای امام حسین علیه السلام بودند، قیام می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در وصف امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌فرمودند: «الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا».<sup>۲</sup>

۱۶. آیا از اینکه امامت در نسل امام حسین علیه السلام قرار گرفت و در فرزندان امام حسن علیه السلام نبود، می‌توان برداشت کرد که مقام امام حسین علیه السلام از امام مجتبی علیه السلام بالاتر است؟

✍ معصومین علیهم السلام در فضیلت، تفاوتی ندارند؛ زیرا یک تجلی و نور واحد بوده‌اند؛<sup>۳</sup> لکن به اعتبار ظروف، چهارده نور شده‌اند. البته هر کدام به تناسب

---

<sup>۱</sup>. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۲؛ الاخبار الطوال، ص ۲۲۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۰۵.

<sup>۲</sup>. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۱: «حسن و حسین هر دو امام هستند، چه سکوت کنند و چه قیام نمایند.»

<sup>۳</sup>. الغیبه نعمانی، ص ۹۳: «يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ ﴿...﴾ الْأَئِمَّةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ - يَا مُحَمَّد! مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنَ وَ حُسَيْنَ وَ أئِمَّةً رَا از نور

موقعیت، خصوصیتی دارند. در واقع، تفاوت رفتار ائمه اطهار علیهم السلام، ناشی از تفاوت «موقعیت» و شرایط است، نه تفاوت در «شخصیت».

اما درباره اینکه چرا امامت در نسل امام حسین علیه السلام قرار گرفته، باید گفت قضیه امامت یک قضیه و مشیت الهی است<sup>۱</sup> و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در روایات فراوانی اسماء ائمه را ذکر نموده اند<sup>۲</sup> و قضیه قراردادی نیست تا هر کسی بتواند امام باشد.

واحدی آفریدم. «بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۰۰: «یا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ مِنْ سِنِّ نُورٍ مِنْ نُورِي».

۱. ر.ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۶.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳: پس از نزول آیه اولوا الامر (نساء، ۵۹) جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد: اولوا الامر که خداوند اطاعت از آنان را بر ما واجب فرموده، چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: «هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي الثَّوَرَةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرَنهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كُنِّي حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شَيْعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبٌ لَا يَنْتَبِئُ فِيهَا عَلَيَّ الْقَوْلُ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيْمَانِ». همچنین ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۶ تا ۳۷۳؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۴۰.

## حرکت و قیام حسینی علیه السلام

۱۷. چرا امام حسین علیه السلام بر علیه معاویه و در زمان او اقدام به قیام نکردند تا ننگی مانند یزید به وجود نیاید؟

دلیلی از جمله ثبات و استحکام حکومت مرکزی، موقعیت به ظاهر مثبت و عوام‌فریبی و سیاست‌بازی معاویه،<sup>۱</sup> قیام امام حسین علیه السلام را بی‌نتیجه می‌کرد و آن قیام به نفع بنی‌امیه تمام می‌شد؛<sup>۲</sup> بنابراین قیام آن حضرت صلاح نبود و اساساً زمینه نداشت. البته خودداری از قیام، به معنای تأیید معاویه و حکومت او نبود و امام حسین علیه السلام معاویه را بزرگ‌ترین فتنه برای امت اسلامی می‌دانستند؛<sup>۳</sup> چنان‌که امام حسن علیه السلام نیز معاویه را تأیید نمی‌کردند، ولی به علل گوناگونی، مجبور به صلح با او و سکوت در برابر وی شدند و امام حسین علیه السلام تا زمان مرگ معاویه، به صلح‌نامه امام حسن علیه السلام پای‌بند بودند.

۱. ر.ک: مقاتل الطالبیین، ص ۶۷؛ الاخبار الطوال، ص ۲۲۵؛ انساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۰۵.

۳. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۸. چرا امام حسین علیه السلام برای مبارزه با یزید از مدینه خارج شدند؟ آیا نمی‌توانستند در آن شهر با یزید به مبارزه بپردازند؟ اگر امام حسین علیه السلام در

مدینه می‌ماندند به دفاع از اسلام می‌پرداختند، آیا موفق‌تر نبودند؟

✎ مدینه از موقعیت شهرهای عراق مثل کوفه و بصره برخوردار نبود و مردم آن، معمولاً خود را تابع سیاست‌های حکومت مرکزی می‌دانستند و انگیزه قیام و روحیه شهادت‌طلبی نداشتند و قادر به انتشار آثار و اهداف نهضت حسینی نبودند؛<sup>۱</sup> بنابراین، مدینه از نظر موقعیت مکانی و زمانی، محل مناسبی برای قیام نبود.

۱۹. چرا حضرت امام حسین علیه السلام همراه با خانواده و زنان و کودکان خود به کربلا عزیمت نمودند؟

✎ مسئله اسارت، علت مبقیه (سبب بقا) مسئله شهادت بود، چنان‌که عزاداری‌ها و توسل‌ها هم چنین است. اگر اسارت آل الله علیهم السلام نبود، موج خروشان حماسه کربلا خاموش می‌شد و پیام حادثه عاشورا در کربلا دفن می‌گردید، چنان‌که اگر عزاداری‌ها نبود، پیام عاشورا جاودانه نمی‌شد و به همین سبب، عزاداری‌ها از افضل اعمال و قربات الهی است.

۲۰. آیا کسانی که در سفر کربلا، امام حسین علیه السلام را همراهی نکردند، مرتکب

---

۱. شناخت امام حسین علیه السلام از مدینه آن زمان و مردمان آن، بسیار دقیق بود، زیرا تاریخ نشان داد این شهر، محل مناسبی برای قیام نیست و هرگونه حرکت انقلابی، محکوم به شکست است؛ چنان‌که قیام مردم مدینه در زمان یزید، به واقعه حرّه منجر شد (سال ۶۳ ق) و قیام‌های محمد بن عبد الله معروف به نفس زکیه (سال ۱۴۵ ق) و حسین بن علی موسوم به شهید فخر (سال ۱۶۹ ق) همگی با پایداری اندک اهل مدینه، به راحتی شکست خوردند.

## گناه شدند؟

ح بلی، گناه آنان، معصیتی بزرگ و نابخشودنی بوده و خِذْلان این تخلف در دنیا و آخرت به آنان رسید<sup>۱</sup> و بلکه لعن‌های زیارت مقدسه عاشورا<sup>۲</sup> هم متوجه آنان است. در روایت صحیح السند، نامه‌ای از حضرت امام حسین (علیه السلام) به محمد ابن حنفیه وارد شده که آن حضرت در این نامه می‌فرماید: «هر که با من بیاید، شهید خواهد شد و هر که نیاید حتماً رستگار نخواهد شد.»<sup>۳</sup>

## ۲۱. چرا حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) حج خود را ناتمام گذاشتند؟ آیا ایشان در

### اعمال حج وارد شده بودند یا فقط عمره به جا آوردند؟

ح آن وجود مقدس، فقط عمره به جای آورده بودند و روز هشتم ذی‌حجه، از

---

۱. کامل‌الزیارات، ص ۶۱: «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اللَّهُمَّ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَاقْتُلْ مَنْ قَتَلَهُ وَادْبَحْ مَنْ ذَبَحَهُ وَ لَا تُنْتَعُهُ بِمَا طَلَبَ... وَ مَا بَقِيَ أَحَدٌ مِمَّنْ تَابَعَهُ عَلَيَّ قَتْلَهُ أَوْ كَانَ فِي مُحَارَبَتِهِ إِلَّا أَصَابَهُ جُنُونٌ أَوْ جَذَامٌ أَوْ بَرَصٌ وَ صَارَ ذَلِكَ وَرَآئَهُ فِي نَسْلِهِمْ - رسول خدا ﷺ فرمودند: بار خدایا کسانی که او را یاری نکردند یاری مکن و آنان که او را کشتند بکش و آنها که او را سر بردند سرشان را ببر و از آنچه طالب هستند بهره‌مند مساز... (راوی پس از نقل سرگذشت یزید می‌گوید): احدی از آنان که در کشتن سیدالشهداء (علیه السلام) از یزید تبعیت کرده یا در محاربه و جنگ با آن سرور مقابل شدند، باقی نماندند مگر آنکه یا مبتلا به دیوانگی یا جذام یا برص گردیدند و این امراض در نسل ایشان به ارث باقی ماند.»

۲. زیارت عاشورا: «اللَّهُمَّ اَلْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَ شَاعِيَتِ وَ بَايَعَتِ وَ تَابَعَتِ عَلَيَّ قَتْلَهُ اللَّهُمَّ اَلْعَنُهُمْ جَمِيعاً.» [مصباح‌المتهجد، ج ۲، ص ۷۷۶]

۳. بصائر الدرجات، ص ۴۸۲؛ کامل‌الزیارات، ص ۷۵: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَقِّ بِي مِنْكُمْ اسْتَشْهَدَ مَعِيَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَبْلُغِ الْفَتْحَ.»



مکّه معظمّه خارج شدند<sup>۱</sup> و حتّی برخی، روز خروج از مکّه را پیش از هشتم ذی حجّه نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup> در حقیقت، چون سیاست اسلام و حفظ دین که مقدم بر همه امور است، اقتضاء داشت حج را به جای نیاوردند و از مکّه خارج شدند تا روح حقیقی حج را که قصد الی الله و فناء فی الله است، به جای آورند و حج و سایر احکام دین را برای همیشه احیاء و حفظ نمایند.

۲۲. چرا امام حسین (علیه السلام) از مکّه خارج شدند؟ با اینکه مکّه به عنوان حرم امن الهی، می‌توانست جایگاه خوبی برای حفظ امام (علیه السلام) از گزند عاملان یزید باشد. حضور بیشتر امام حسین (علیه السلام) در مکّه، برای آن حضرت خطر جانی داشت<sup>۳</sup> و این‌گونه ممکن بود حرمت حریم امن الهی شکسته شود.<sup>۴</sup>

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۳۵: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «قَدْ اعْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِي الْحِجَّةِ ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ إِلَى الْعِرَاقِ وَالنَّاسُ يَرُوحُونَ إِلَيَّ مَيِّيًا وَلَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ». همچنین ر. ک: اللهوف، ص ۶۳؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۶۰؛ الفتوح، ج ۵، ص ۶۹؛ مقتل الحسين (علیه السلام) (الخوارزمی)، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲. اللهوف، ص ۶۰؛ تذکرة الخواص، ص ۲۱۷. باید دقت داشت که برخی از راویان مانند فرزندق شاعر، نقل می‌کنند که در سال ۶۰ هجری وقتی برای حج به مکّه رفته بودند، هنگام ورود به حرم، امام حسین (علیه السلام) را خارج از شهر، ملاقات کرده‌اند. [الإرشاد، ج ۲، ص ۶۷].

۳. ر. ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۶۷؛ اللهوف، ص ۶۴؛ منیر الاحزان، ص ۳۸.

۴. ر. ک: اللهوف، ص ۶۴؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۶۴؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛

الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۸

۲۳. چرا کوفیانی که با شور و اشتیاق فراوان و نامه‌های مکرر امام حسین (علیه السلام) را دعوت کردند، به راحتی به امام (علیه السلام) پشت کردند و حاضر به جنگ با ایشان شدند؟

ح روایتی از امام حسین (علیه السلام) به خوبی گویای پاسخ این پرسش است. حضرت فرمودند:

«إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّابَّائُونَ»<sup>۱</sup>

۲۴. آیا امام حسین (علیه السلام) دعای عرفه را در روزی که می‌خواستند از مکه به سمت کوفه حرکت کنند، خوانده‌اند یا در سال‌های قبل خوانده شده است؟

ح امام حسین (علیه السلام) دعای عرفه را در سال‌های قبل در عرفات خوانده بودند<sup>۲</sup> و در سال شصت هجری، قبل از روز عرفه، از مکه به سمت کوفه خارج شدند.

---

<sup>۱</sup>. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ مقتل الحسين (علیه السلام) (الخوازمی)، ج ۱، ص ۳۳۷؛ ترجمه الإمام الحسين (علیه السلام)، ص ۱۲۳: «همانا مردم بنده دنیا هستند و دین، لقلقه زبانی آنهاست؛ مردم تا آن موقعی دیندارند که معیشت آنان تأمین شود، اما وقتی به وسیله بلاء و سختی در معرض آزمایش قرار بگیرند، دین‌داران اندک خواهند بود.»

<sup>۲</sup>. روای دعای عرفه پس از نقل دعای عرفه، در انتهای آن می‌گوید: کسانی که اطراف امام حسین (علیه السلام) بودند به دعای آن حضرت گوش می‌دادند و آمین می‌گفتند و همراه آن حضرت، صداهاشان به گریه بلند بود تا اینکه آفتاب غروب کرد و همگی همراه با

حضرت، به سمت مشعر الحرام حرکت کردند. (البلد الامین، ص ۲۵۸)

۲۵. چرا امام حسین علیه السلام پس از آگاهی از شهادت مسلم، باز به حرکت خود

ادامه دادند؟

ح وقتی خبر شهادت مسلم به امام حسین علیه السلام رسید که امام بیشتر راه را طی کرده و نزدیک کوفه بودند.<sup>۱</sup>

۲۶. معروف است که در مسیر کربلا، حضرت فرمودند: هر کس می‌خواهد،

می‌تواند برود؛<sup>۲</sup> آیا کسانی که رفتند، معصیت کردند؟

۱. برخی محلّ رسیدن خبر شهادت مسلم به امام حسین علیه السلام را منزل ثعلبیه گفته‌اند [الإرشاد، ج ۲، ص ۷۴؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۷] که بیش از دوسوم مسیر از مگه تا کوفه طی شده بود. [معجم البلدان، ج ۲، ص ۷۸] و حتّی برخی رسیدن خبر شهادت مسلم را در فاصله یک فرسخی قادسیه (نزدیک کربلا) ذکر کرده‌اند. [الإصابة، ج ۲، ص ۷۱] البته منازل دیگری نیز مانند زرو [الاخبار الطوال، ص ۲۴۷]، شراف [العقد الفريد، ج ۵، ص ۱۲۸] و زباله [اللهوف، ص ۷۳] و... نقل شده است.

۲. در منزل زباله، با رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل و اتمام حجّت حضرت و اینکه انتهای این راه به شهادت ختم می‌شود، دسته دسته، حضرت را رها کردند و شبانه گروه گروه از اطراف امام حسین علیه السلام متفرّق شدند. [ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۷۵ و ۷۶؛ اللهوف، ص ۷۳؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۶۹؛ مقتل الحسين علیه السلام (الخوازمی)، ج ۱، ص ۳۲۸؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۰۷] در شب عاشورا، پس از خطبه‌ای که امام حسین علیه السلام در آن به ستایش از وفاداری اصحاب پرداختند و فرمودند: «اینها تنها مرا می‌خواهند، شما را آزاد می‌گذارم که هر کس می‌خواهد برود»، افراد باقی مانده با پاسخ‌های قاطع خود، دفاع از حریم امامت و ولایت را بر خود، فرض دانستند. [ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۹۱؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۵۵؛ اللهوف، ص ۹۰؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۷.]

ح گناه متخلفین و اعراض کنندگان، بسیار بزرگ بوده و بلکه باید گفت ذنب لا ینغفر (گناه نابخشوده) است و اینکه آن حضرت فرموده‌اند: هر کس می‌خواهد برود، برای آن بوده که صالح از طالح شناخته شود و در این غربال، آنچه ناخالصی و ناپاکی است برود و آنچه خالص است، باقی بماند.

۲۷. هدف امام حسین علیه السلام از ایراد سخنرانی‌های مختلف در مسیر حرکت به سمت کربلا چه بود؟ آیا ایشان تنها برای یاران خود سخنرانی می‌کردند یا خطاب آن حضرت، به همه شنوندگان سخنان ایشان، اعم از دوست و دشمن بود؟

ح امام حسین علیه السلام در مواقع مختلف، به ایراد خطبه می‌پرداختند و در آن، اهداف خود از این حرکت را معرفی می‌کردند تا شاید بتوانند از این طریق، گمراهان را نجات بخشند. مثلاً پیش از حرکت از مکه معظمه، خطبه‌ای خواندند و دورنمای حرکت خود را برای جمعیت بسیاری، شرح دادند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۷۳؛ منیر الاحزان، ص ۴۱: «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَلَدِ آدَمَ ... كَأَنِّي وَ أَوْصَالِي يَنْقَطِعُهَا عُسْلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ التَّوَاوِيسِ وَ كَرِبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشاً جَوْفاً وَ أَجْرَبَةً سُعْباً لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ حُطَّ بِالْقَلَمِ رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِيرُ عَلِيٍّ بَلَاءُهُ وَ يُوقِيَنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ ... مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا - يَقِينَا مرگ، مانند گردن‌بندی است بر گردن جمیع فرزندان آدم... گویا می‌بینم اعضايم به‌زودی در صحرای کربلا پاره پاره خواهد شد. چاره‌ای نیست جز اینکه باید آن روزی را که مقدّر شده، دریافت. ما اهل بیت به‌قضای پروردگار راضی و در مقام آزمایش الهی صابر و شکیباییم؛ تا اینکه بهترین جزای صابرين را به‌ما عطا فرماید... هر که در راه ما از خون خود گذشته و خود را برای ملاقات خداوند آماده ساخته است، پس با ما کوچ کند.»

در بین راه نیز به مناسبت‌های مختلف، به روشنگری پرداختند. مثلاً در ذوحسم، پس از رسیدن لشکر حرّ به لشکر امام حسین (علیه السلام) و اقامه نماز ظهر به امامت آن حضرت، ایشان خطبه‌ای خواندند و پس از نماز عصر نیز بر آنان اتمام حجّت کردند.<sup>۱</sup> آن حضرت در روز تاسوعا و عاشورا نیز خطبه‌های غرائی با هدف روشن‌گری، برای همگان، بیان کردند.<sup>۲</sup>

۱. امام حسین (علیه السلام) در خطبه‌ای که هنگام رویارویی با سپاه حرّ خواندند، فرمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي لَمْ آتِكُمْ حَتَّى أَتْنِي كُتُبُكُمْ وَ قَدِمْتُ عَلَى رُسُلِكُمْ أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْنَا فَإِنَّهُ لَيْسَ لَنَا إِمَامٌ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا بِكَ عَلَيَّ الْهُدَى وَالْحَقُّ فَإِنْ كُنْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ فَقَدْ جُئْتُكُمْ فَأَعْطُونِي مَا أَطْمَنُ إِلَيْهِ مِنْ عَهْدِكُمْ وَمَوَاقِفِكُمْ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ كُنْتُمْ لِمَقْدَمِي كَارِهِينَ انْصَرَفْتُ عَنْكُمْ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي جِئْتُ مِنْهُ إِلَيْكُمْ - ای مردم! نامه‌های شما و پیک‌هایی که نزد من فرستادید و گفتید: به کوفه بیا ما امام و پیشوایی نداریم، امید است خدا ما را به وسیله شما به حق و هدایت رهنمون شود، مرا به این دیار کشاند، اگر بر سخن خود باقی هستید با من عهد و پیمانی ببندید که بدان اطمینان حاصل کنم و اگر این کار را انجام نمی‌دهید و از آمدن من ناراحتید، به همان جایی که آمده‌ام بازخواهم گشت (و آنان سکوت کردند).» (الإرشاد، ج ۲، ص ۷۹؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۴)

۲. امام حسین (علیه السلام) در خطبه روز تاسوعا فرمودند: «أُشَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْرِفُونِي قَالُوا نَعَمْ أَنتَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ سِبْطُهُ قَالَ أُشَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أُشَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أُشَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى (علیه السلام) قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ ... قَالَ فَبِمَ تَسْتَحِلُّونَ دَمِي؟ - شما را به خدا قسم می‌دهم آیا مرا می‌شناسید؟ گفتند: آری، تو پسر پیامبر خدا ﷺ و سبط او هستی. امام فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم آیا می‌دانید جدّ من پیغمبر خدا ﷺ است؟ پاسخ دادند: آری! آیا ☞

✍ می‌دانید پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام است؟ گفتند: آری! آیا می‌دانید مادر من فاطمه زهراء دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؟ جواب دادند: آری! ... پس حضرت فرمودند: پس چرا ریختن خون مرا حلال می‌دانید؟! **«اللّهوف، ص ۸۶ و ۸۷»** در روز عاشورا نیز در ابتدای خطبه خود فرمودند: **«أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا قَوْلِي وَلَا تَعْجَلُوا حَتَّى أُعْظِيَكُمْ بِمَا يَحِقُّ لَكُمْ عَلَيَّ وَحَتَّى أُغْدِرَ إِلَيْكُمْ - ای مردم! گفتار مرا بشنوید و شتاب نکنید تا شما را بدان چه حق شما بر من است پند دهم و دلایل خود را بر شما آشکار کنم.»** سپس خود را معرفی کردند و برخی از فضائل و مناقب خود را بر شمردند. در پایان خطبه نیز پس از چند گفتگو، موضع خود را مشخص کرده و فرمودند: **«وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ - به خدا سوگند، نه دست خواری به شما خواهم داد و نه مانند بندگان فرار خواهم کرد.»** **«الارشاد، ج ۲، ص ۹۷ و ۹۸»**

## اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام

۲۸. تعداد یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام در کربلا چند نفر بوده است؟

ح آنچه مشهور است همان عدد ۷۲ نفر است؛ لکن تعداد همه اصحاب و عیال، ظاهراً معلوم نیست.<sup>۱</sup>

۱. درباره تعداد اصحاب امام حسین علیه السلام در کربلا، نظرات مختلفی وجود دارد و از شصت و یک نفر تا بیش از هزار نفر ذکر شده است. در ادامه برخی از این نظرات ذکر می شود: شصت و یک نفر [اثبات الوصیه، ص ۱۶۶]؛ شصت و دو نفر [تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۳]؛ هفتاد نفر [تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱]؛ رجال الکشی، ص ۷۹]؛ هفتاد و دو نفر که قول مشهور و مورد نظر معظم له نیز هست [الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۱]؛ الهدایة الکبری، ص ۲۰۲]؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۹۵]؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۵۷]؛ دلائل الإمامة، ص ۱۷۸]؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۷]؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۰]؛ المناقب و المثالب، ص ۳۰۹]؛ مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی) ج ۲، ص ۶]؛ ترجمة الإمام الحسین علیه السلام، ص ۱۵۱]؛ هشتاد و دو نفر [مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۹۸]؛ مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی) ج ۲، ص ۶]؛ حدود صد نفر [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۵]؛ صد و چهل و پنج نفر [اللهوف، ص ۱۰۰]؛ مثير الأحزان، ص ۵۴]؛ الإصابة، ج ۲، ص ۷۱]؛ تذكرة الخواص، ص ۲۲۶]

۲۹. آیا این جمله که گفته می‌شود: «اگر حضرت علی اکبر علیه السلام زنده

می‌ماندند بعد از پدر، امام می‌شدند» صحیح است؟

ح این کلام از جمله حرف‌های باطل است و از بزرگان هم هیچ کس چنین حرفی نزده است؛ زیرا قبل از خلقت عالم وجود، چهارده معصوم علیهم السلام خلق شده‌اند و در عرش خداوند تبارک و تعالی بوده‌اند<sup>۱</sup> و نبی اکرم صلی الله علیه و آله بارها اسماء مبارک آنان را یادآور شده‌اند و صدها روایت از فریقین درباره عترت و ائمه هدی علیهم السلام، از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتب روایی وجود دارد.<sup>۲</sup> لکن آنچه مسلم است اینکه مقام حضرت علی اکبر علیه السلام، مقام عظیمی است، تا آنجا که پدر بزرگوارشان در روز

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي وَأَهْلُ بَيْتِي كُنَّا نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ سَنَةٍ - من و اهل بیتم نوری در پیشگاه الهی بودیم چهارده هزار سال پیش از آنکه آدم خلق شود.» [الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۴۶]. خداوند سبحان در شب معراج خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطَّلَعَةً فَاحْتَرْتُكَ مِنْهَا فَلَا أَذْكُرُ حَتَّى تُذَكِّرَ مَعِيَ فَأَنَا الْمُحْمَدُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطَّلَعَةً أُخْرَى فَاحْتَرْتُ مِنْهَا عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّكَ فَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلَى سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ ثُمَّ شَفَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ [الغيبة نعمانی، ص ۹۳] همچنین در زیارت جامعه کبیره در وصف ائمه اطهار علیهم السلام می‌خوانیم: «خَلَقَكُمُ اللَّهُ نُورًا فَجَعَلَكُمْ بَعْشَرَهُ مُحَدِّقِينَ.» [من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۹]

۲. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ کفایة الاثر، ص ۱۵۵؛ الغيبة النعمانی، ص ۵۸؛ کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۵۶؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰ تا ۳۱؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۴؛ مناقب الإمام علي بن أبي طالب علیه السلام، ص ۲۴۲؛ کفایة الطالب، ص ۳۱۵؛ مقتل الحسين علیه السلام (الخوازمی)، ج ۱، ص ۸۴؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۸۲ و...



عاشورا، در توصیف ایشان فرموده‌اند:

اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْنِهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ  
مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَيْ نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْ وَجْهِهِ<sup>۱</sup>

۳۰. این عبارت که در زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ»<sup>۲</sup> به چه معنایی است و چرا نام امام حسن علیه السلام به عنوان نام پدر حضرت علی اکبر علیه السلام آمده است؟

ح چون امام حسن و امام حسین علیهما السلام نور واحد هستند که در این دنیا دو قسمت شدند، پس علی اکبر علیه السلام پسر روحانی امام حسن علیه السلام و پسر جسمانی امام حسین علیه السلام می‌باشند؛<sup>۳</sup> علاوه بر این، در عرف عرب، عمو را پدر نیز می‌گویند<sup>۱</sup> و

---

۱. «بجاء الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲: «خدایا! گواه باش جوانی به نبرد با آنان می‌رود که از حیث اخلاق و شمایل و گفتار، شبیه‌ترین افراد به پیامبر توست. ما هرگاه مشتاق دیدار پیامبرت می‌شدیم، به چهره علی اکبر می‌نگریستیم.» همچنین ر.ک: اللهوف، ص ۱۱۳؛ مقتل الحسين علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲، ص ۳۲؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۱۴؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۶؛ تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۳۱۰ و...

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۷.

۳. «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب» معروف به «علی اکبر» بزرگ‌ترین فرزند امام حسین علیه السلام است که در خلافت عثمان به دنیا آمده‌اند [مقاتل الطالبیین، ص ۸۷] ﴿

﴿ و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت نقل کرده است (السرائر، ج ۱، ص ۶۵۵). البته برخی مانند شیخ مفید رحمته الله، ایشان را برادر کوچک‌تر از امام سجاد علیه السلام دانسته و سنّ ایشان را در کربلا، حدود ۱۹ ساله نقل کرده‌اند. [الإرشاد، ج ۲، ص ۱۰۶] مادر بزرگوار ایشان، لیلی

قرآن کریم هم در چند آیه، لفظ پدر را برای عمو به کار برده است.<sup>۲</sup>

---

دختر ابو مرّة بن عروة است. کنیه آن بزرگوار «أبو الحسن» و لقب وی «اکبر» است. در کربلا، ایشان اولین نفر از بنی هاشم بودند که به میدان رفتند و شهید شدند. [مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۵]

۱. إعراب القرآن، ج ۱، ص ۸۰؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۶.  
۲. از جمله:

بقره، ۱۳۳: «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» - آیا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: پس از من، چه را خواهید پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، معبودی یگانه را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم.»؛ در این آیه، ابراهیم جدّ حضرت یعقوب، اسماعیل عموی حضرت یعقوب و اسحاق پدر حضرت یعقوب، همگی به عنوان پدران (آبَائِكَ) ذکر شده اند.

انعام، ۷۴: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَأَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَاماً آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ - و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود آزر گفت: آیا بتان را خدایان [خود] می گیری؟ من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم.» در این آیه نیز از آزر به عنوان پدر ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) (آبِیْهِ) یاد شده است، در حالی که آزر، عموی حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) بوده است.

### ۳۱. آیا حضرت ابوالفضل (ع) دارای فرزند و نسلی بوده‌اند؟

ح حضرت ابوالفضل (ع) نسل و فرزند دارند.

۱. «عبّاس بن علی بن ابی طالب (ع)» در سال بیست و ششم هجری در مدینه طّیبه متولّد شدند و مادرشان امّ البنین، فاطمه دختر حزام بن خالد بود. حاصل ازدواج امیرالمؤمنین (ع) با امّ البنین، چهار پسر بود: عباس، جعفر، عثمان و عبدالله که همگی در کربلا به شهادت رسیدند. حضرت عباس (ع)، اوّلین آن فرزندان بود که به «قمر بنی هاشم» ملقب گردیدند و کنیه ایشان «أبو الفضل» است. [الإرشاد، ج ۲، ص ۱۲۵؛ إعلام السوری، ج ۱، ص ۳۹۵؛ مقاتل الطالبیین، ص ۸۹؛ عمدة الطالب، ص ۳۲۷] حضرت ابوالفضل (ع) در جنگ‌های سه گانه زمان امیرالمؤمنین (ع) حضور داشتند و در قضیه کربلا، «علمدار» امام حسین (ع) بودند. در کربلا پس از بستن آب بر امام حسین (ع)، چندین مرتبه آب را به خیام حرم رساندند و به «سقّا» مشهور شدند. [مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۹۲؛ مقاتل الطالبیین، ص ۸۹] عصر تاسوعا امان‌نامه شمر را به شدّت و با تندى رد کردند [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۵] و سپس در برابر حمله سپاه دشمن ایستاده و از آنان مهلت گرفتند که جنگ را برای فردا بگذارند. [أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۴] در روز عاشورا نیز دلاوری‌های زیادی از خود بروز دادند. در آخرین مرتبه، وقتی برای آوردن آب، به سوی فرات رفتند، در مسیر بازگشت، به فیض شهادت نائل شدند. در روایات، تعریف و تمجید فراوانی از حضرت عباس (ع)، خصوصاً درباره صبر، بصیرت، شجاعت و فداکاری ایشان شده است. [کامل الزیارات، ص ۲۵۷؛ أمالی الصدوق، ص ۴۶۲؛ عمدة الطالب، ص ۳۲۷]. ایشان دارای پنج پسر به نام‌های عبدالله، فضل، حسن، قاسم، محمد و یک دختر بودند و نسل ایشان، از جانب عبدالله ادامه یافته است. همچنین گفته شده که فرزند ایشان محمد، در کربلا شهید شد. [مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲] اولاد، فرزندان و نوادگان حضرت ابوالفضل (ع)، مردانی جلیل‌القدر و در میان مردم دارای فضائل و کمالات بوده‌اند. قبور بسیاری از نوادگان حضرت ابوالفضل (ع) در کشورها و شهرهای مختلف، معروف و زیارتگاه عموم مردم است. [عمدة الطالب، ص ۳۲۸ تا ۳۳۰]

۳۲. در روز عاشورا و سپاه امام حسین علیه السلام، آیا کسی از صحابه یا کسانی که

رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک کرده باشند، حضور داشته است؟

ح در سپاه امام حسین علیه السلام چندین نفر از صحابه و کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را درک کرده‌اند، حضور داشته‌اند.<sup>۱</sup>

۳۳. با اینکه جناب حرّ بن یزید، جلوی حرکت کاروان امام حسین علیه السلام را

گرفت، آیا ایشان توبه کرد و توبه او مورد قبول خداوند قرار گرفت؟

ح جناب حرّ بن یزید ریاحی، مسلماً از جمله شهدا و اصحاب ابی عبدالله علیه السلام است؛ زیرا پس از توبه، امام حسین علیه السلام او را پذیرفتند و جناب ایشان به واسطه سلامت نفس و قلب پاک خود، توانست گذشته را جبران نماید و راه طولانی را طی نماید.<sup>۲</sup> هنیئاً له و رضوان الله علیه.

---

۱. در نام و تعداد شهدایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را درک کرده یا صحابی بوده‌اند، اختلاف وجود دارد و تا ۱۷ نفر نام برده شده است، برخی از ایشان عبارتند از: أنس بن الحارث [ذخائر العقبی، ص ۱۴۶؛ التاریخ الکبیر، ج ۲، ص ۳۰]؛ حیب بن مظاهر الأسدی [الإصابة، ج ۲، ص ۱۴۲]، عبد الرحمن بن عبد رب الانصاری [اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۰۷]؛ عمار بن أبی سلامة [الإصابة، ج ۵، ص ۱۰۷]؛ یزید بن مغفل [الإصابة، ج ۶، ص ۵۵۴] و...  
۲. ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۰۰؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴۱۹؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۶۰؛ اللهوف، ص ۱۰۳؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۹۲؛ ترجمه الإمام المحسن علیه السلام، ص ۱۵۱. نقل شده است که حرّ به یکی از یاران خود گفت: «إِنِّي وَاللَّهِ أَحْيَرُ نَفْسِي بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَوَ اللَّهِ لَا أَحْتَارُ عَلَيَّ الْجَنَّةِ شَيْئاً وَلَوْ قُطِّعَتْ وَ حُرِّقَتْ - به خدا قسم خود را بین بهشت و جهنم مخیر دیدم، به خداوند سوگند هیچ چیز را بر بهشت ترجیح نمی‌دهم حتی اگر قطعه‌قطعه یا سوزانده شوم.» [الإرشاد، ج ۲، ص ۹۹]

۳۴. آیا مقام معنوی شهدای کربلا و یاران امام حسین علیه السلام همگی یکسان است؟

آیا توسّل به یاران امام حسین علیه السلام صحیح است؟

ح معلوم است که درجات آنان، متفاوت است؛ لکن توسّل به آنان که برترین مصادیق اولیاء الله و احبّاء و انصار دین الله و انصار رسول الله هستند، از اعظم نعم الهی است و حتی برخی از اولیاء الهی معتقدند که نفوس ضعیفه، به عنوان مقدّمه توسّل به معصومین علیهم السلام، به آنها توسّل پیدا کنند، بهتر است.

## وقایع عاشورا

۳۵. آیا کسانی که در مقابل حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا صف آرای می

کردند همه منافق، کافر و فاسق بودند و همه اهل جهنم هستند؟

رح همه آنان، مسلمان نما بودند؛ لکن از هر منافق و فاسق و مشرکی بدتر بودند و به تعبیر قرآن شریف از هر جنبنده پستی، پست تر بودند:

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup>

و از این جهت، چنین افرادی مورد لعن صریح خداوند سبحان هستند:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»<sup>۲</sup>

و نیز از این جهت هم که موجب اذیت و آزار خداوند و رسول او بوده اند، مستوجب لعن و عذاب دنیوی و اخروی هستند:

<sup>۱</sup> انفال، ۲۲: «قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالانی اند که نمی اندیشند.»

<sup>۲</sup> محمد، ۲۳: «اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشم هایشان را نابینا کرده است.»

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»<sup>۱</sup>.

اساساً کسانی که در قرآن کریم مورد لعن خداوند تعالی واقع شده‌اند، به تصریح آیات و روایات شریفه، اهل جهنم و حتی بنابر برخی از آیات کریمه، اهل خلود در عذاب بوده و هیچ نصرت و کمکی برای آنان متصور نیست:

«وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهَ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا»<sup>۲</sup>. فأعاذنا الله منهم.

### ۳۶. تشنگی شدید خاندان و یاران سیدالشهداء علیه السلام مربوط به چه زمانی است؟ روز عاشورا یا قبل آن؟

حنا بنابر نقل، از روز هفتم ماه محرم الحرام، دشمن، مخالفت از آب نمود<sup>۳</sup> و از آن جلوگیری کرده است، لکن اصحاب، کم و بیش آب می‌آورده‌اند؛<sup>۴</sup> اما تشنگی شدید که موجب شهادت بعضی از کودکان و اطفال شده، در روز عاشورا بوده است.

الا لعنة الله على القوم الظالمين.

۱. احزاب، ۵۷: «بی گمان، کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفّ آور آماده ساخته است.»

۲. نساء، ۵۲: «و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یآوری نخواهی یافت.»

۳. ر.ک: امالی الصدوق، ص ۱۵۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۸۶ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۸۲؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۵۲؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۰؛ الفتوح، ج ۵، ص ۹۱؛ الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۵۳ و...

۴. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۸؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۱؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۷؛ مقتل الحسين علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۱، ص ۳۴۷؛ الفتوح، ج ۵، ص ۹۲؛ ترجمة الامام الحسين علیه السلام، ص ۱۵۰.

### ۳۷. چگونه امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت در روز عاشورا، با کمبود آب غسل کردند؟

ح قاضیه کربلا و تاریخ آن، هم روایات ضعیف و هم روایات صحیح دارد و لازم نیست خیلی درباره آن تفحص داشته باشید؛ آنچه مسلم است امام حسین علیه السلام و یاران او در روز عاشورا شهید شدند و عیال او اسیر شدند و ما برای مظلومیت آنها و دفاع از آنها و زنده نگاه داشتن مرام آنها، باید مجالس عزاداری داشته باشیم و باید گریه و شیون کنیم.

### ۳۸. آیا صحیح است که امام حسین علیه السلام برای خود، از دشمن درخواست آب نمودند؟

ح یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حضرت سیدالشهداء علیه السلام در حادثه کربلا، از روز اوّل تا روز عاشورا، بیدارکردن و هدایت مردم، حتّی دشمنان بود<sup>۱</sup> و چون طلب آب برای تحریک عواطف بوده است و از این جهت می‌توانست منجر به عبرت برای افراد مخالف و هدایت آنان شود، لذا در برنامه بوده و نه اینکه این درخواست - العیاذ بالله - از سر ذلّت و خواری یا امر دیگری باشد که آن حضرت، خودشان فرمودند: «هِيَآتَ مِنَّا الذِّلَّةُ»<sup>۲</sup>.

---

۱. حضرت امام حسین علیه السلام در مواقع مختلف، برای روشن کردن مسیر حرکت و اهداف خود، به ایراد خطبه می‌پرداختند. آن حضرت در روز عاشورا خطبه‌ای خواندند که به تعبیر راوی، قبل و بعد از امام حسین علیه السلام نشنیده بودم که سخنوری چنین بلیغ و رسا و بامنتق، سخن بگوید. [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۲]

۲. /الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۰: «ذلّت و خواری از ما خاندان دور است».



۳۹. چه ضرورتی داشت که امام حسین علیه السلام در آن ببحوحه جنگ، نماز جماعت ظهر بخوانند که با توجه به کم بودن افراد لشکر امام، افراد دیگری نیز بدون مبارزه با دشمن، شهید شوند؟

ح امام حسین علیه السلام برای اقامه دین، که نماز عمود آن است، مبارزه می کردند، چنان که در زیارت ایشان می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup> و دین بدون نماز، معنایی ندارد؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در جنگ ها می فرمودند: ما برای نماز با دشمنان می جنگیم.<sup>۲</sup> نماز در حال جنگ، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و دستور مؤکد قرآن کریم است.<sup>۳</sup>

۴۰. آیا در مقابل تیر قرار گرفتن بعضی از اصحاب در نماز ظهر روز عاشورا،<sup>۴</sup>

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۸: «شهادت می دهم که تو نماز را اقامه کردی و برپا داشتی.»

۲. کشف الیقین، ص ۱۲۲: «إِنَّمَا تَقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ.»

۳. نساء، ۱۰۲ و ۱۰۳: «وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْنِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ... فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.»

۴. هنگام اقامه نماز ظهر، دو تن از یاران امام حسین علیه السلام، به نام های زهیر بن قین و سعید بن عبدالله جلو حضرت ایستادند تا آن حضرت با یاران خود، نماز ظهر را به جماعت خوانند. [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱] همچنین نقل شده است که سعید بن عبدالله در مقابل امام علیه السلام ایستاد و هرگاه تیری به سوی حضرت می آمد، خود را در مسیر آن قرار می داد تا اینکه نماز حضرت تمام شد و بر زمین افتاد و شهید شد. به جز ضربات جراحت شمشیرها و نیزه ها، سیزده تیر به سعید بن عبدالله اصابت کرده بود. [اللهوف، ص ۱۱۱؛

## مصدق خود را به مهلکه انداختن نیست؟

حفظ جان مطهر امام علیه السلام و شهادت در این راه، نه تنها مهلکه نیست که فوزی عظیم است و به هر کسی عطا نمی شود و لذا می خوانیم: «يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَتَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»<sup>۱</sup>

۴۱. آیا ابراز عطش و درخواست آب از جانب حضرت علی اکبر علیه السلام با علم ایشان به عدم وجود آب، صحیح است یا اینکه حکمت دیگری دارد؟ همچنین زبان در کام نهادن حضرت سیدالشهداء علیه السلام چه حکمتی داشته است؟

برخی خصوصیات روز عاشورا به صورت دقیق، معلوم نیست؛ اگرچه با احتمال درست، می توان به قاعده «تسامح در ادله سنن»<sup>۲</sup> نقل کرد و به واسطه آن

---

مقتل الحسين علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲، ص ۲۱]

۱. امام رضا علیه السلام به ابن شیب فرمودند: «إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً - اگر دوست داری که برای تو ثوابی مانند کسانی که با امام حسین علیه السلام شهید شدند، باشد، پس هر گاه او را یاد کردی بگو ای کاش با آنها بودم و به رستگاری بزرگ دست می یافتم.» [أمالی الصدوق، ص ۱۳۰]

۲. «قاعده تسامح در ادله سنن» از قواعد مشهور فقهی است که بر اساس آن، برای حکم به استحباب یا کراهت چیزی، دلیل و مستند ضعیف، کفایت می کند. به عبارت دیگر، در احکام فقهی اگر خبر ضعیفی در دست باشد که واجد شرایط حجیت نبوده و دلالت بر ثواب یا استحباب یا کراهت عملی کند، می شود با آن خبر ضعیف، حکم به استحباب یا کراهت آن عمل کرد. معظم له معتقدند درباره وقایع عاشورا نیز با استفاده از این قاعده فقهی، می توان اخباری را که احتمال وقوع آنها می رود و قبح عقلی و عرفی ندارد، پذیرفت و نقل کرد و با آن عزاداری نمود.

عزاداری کرد. در خصوص مورد سؤال، در برخی از منابع تاریخی آمده است که حضرت علی اکبر علیه السلام پس از رفتن به میدان جنگ و کشتن تعدادی از دشمنان، در آخرین بار برای وداع، به سوی خیام و امام حسین علیه السلام بازگشتند و فرمودند: «يَا أَبَتِ الْعَطَشِ قَدْ قَتَلَنِي وَ ثَقُلَ الْحَدِيدُ قَدْ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَيَّ شَرِبَةٌ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ» - پدر جان! عطش مرا کشت و سنگینی آهن مرا دچار رنج و سختی نموده است، آیا برای به دست آوردن یک جرعه آب، راهی هست؟» امام حسین علیه السلام به گریه افتادند، زبان در کام او گذاشتند یا انگشتی خود را به ایشان دادند که در دهان بگذارد و سپس فرمودند: «يَا بُنَيَّ قَاتِلْ قَلِيلًا فَمَا أَسْرَعَ مَا تَلْقَى جَدَّكَ مُحَمَّدًا صلوات الله عليه فَيَسْقِيكَ بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى شَرِبَةً لَا تَظْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا» - پسر من کمی دیگر مبارزه کن. به زودی جدت رسول خدا صلوات الله عليه را ملاقات خواهی کرد و از دست او آبی می نوشی که پس از آن تشنگی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

نظر اینجانب درباره این واقعه، همان طور که در برخی از ذکر مصیبت ها گفته ام، این است که امام حسین علیه السلام گرچه علی اکبر علیه السلام را به میدان فرستادند، اما چشم از او بر نمی داشتند و دل در گرو او داشتند؛ گویا همین محبت پدرانه، مانع شهادت او شده بود. در آخرین مرتبه ای که علی اکبر علیه السلام به خیمه گاه بازگشتند، متوجه مطلب شدند، لذا خطاب به پدر بزرگوار خویش عرض کردند: «الْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي» یعنی اگر در خیمه ها بمانم، تشنگی مرا خواهد کشت و «ثَقُلَ الْحَدِيدُ قَدْ أَجْهَدَنِي» یعنی اگر به میدان هم بروم، نمی توانم همه آن لشکر را بکشم. در حقیقت، درخواست داشتند که پدر دل از ایشان بکنند تا شهید شوند، زیرا با کنایه می فرمود: اگر دل از ایشان

۱. اللهوف، ص ۱۱۳؛ مقتل الحسين علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲، ص ۳۵؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۱۵؛

بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۳.

نشویند، شدّت تشنگی و جراحت شمشیرهای دشمن، ایشان را از پا در می آورد. امام حسین (علیه السلام) نیز با عبارت امیدوارم به دست جدّت سیراب شوی، اعلام کردند که دیگر دل از او شسته اند.

**۴۲. نام فرزند شش ماهه امام حسین (علیه السلام) که در کربلا به شهادت رسید، علی بوده یا نام دیگری داشته است؟**

ح بنابر نقل موثق تاریخی، نام مبارک همه فرزندان ذکور حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)، «علی» بوده است: علی اکبر و علی اوسط و علی اصغر. در روایت آمده است که امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأُحِبُّتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا.»<sup>۱</sup>

**۴۳. حضرت امام حسین (علیه السلام) از چه جهت حضرت علی اصغر (علیه السلام) را روی دست بلند کردند و از لشکر دشمن تقاضای آب کردند؟**

ح کار امام حسین (علیه السلام) از نظر روانی بهترین کار است، لذا در برخی از مقاتل آن را «حجّت کبری» نامیده اند؛ یعنی آن حضرت، با بهترین روش، حجّت را بر آن ظالمان تمام کردند.

**۴۴. آیا این مطالب صحّت دارد که گفته شده امام حسین (علیه السلام) حاضر به بیعت**

---

<sup>۱</sup> الکافی، ج ۶، ص ۱۹: «اگر برای من صد پسر متوکل می شد، دوست داشتم اسم هیچ کدام را جز علی نگذارم.» همچنین امام سجّاد (علیه السلام) در پاسخ به یزید که گفته بود چرا پدرت این همه نام فرزندانش را علی می گذاری، فرمودند: «إِنَّ أَبِي أَحَبَّ أَبَاهُ فَسَمِي بِاسْمِهِ مِرَارًا - چون پدرم، پدر بزرگوارش را خیلی دوست می داشت، لذا نام او را تکرار نموده است. [مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۳]

مشروط با یزید شدند یا وقتی که خواستند در مدینه از ایشان بیعت بگیرند فرمودند: در جلوی مردم بیاوید و از من بیعت بگیرید یا در کربلا فرمودند: من را آزاد بگذارید که با یزید بیعت کنم یا به یمن بروم؟  
ح این حرف‌ها خرافت است و درست نیست.

۴۵. چرا امام حسین علیه السلام در نهایت به سپاه یزید گفتند که حاضرند با یزید بیعت کنند؟ مگر هدف حضرت، اصلاح اوضاع امت رسول الله صلی الله علیه و آله نبود؟  
ح این نقل، حتماً صحیح نیست.

۴۶. اینکه گفته شده در روز عاشورا تیر سه‌شعبه وارد بدن مبارک آقا اباعبدالله علیه السلام شد و حضرت از آن طرف تیر را بیرون کشیدند، صحیح است؟  
ح این قضیه در مقاتل آمده<sup>۱</sup> و قبول و عدم قبول آن ضرری به جایی نمی‌رساند.

۴۷. آیا این مطلب که شمر ملعون موقع جداکردن سر امام حسین علیه السلام صدای آه و ناله حضرت زهرا علیه السلام را شنید، درست است؟  
ح اگر صحت داشته باشد، توجیه آن این‌گونه است که وی از عمل پلید و زشت خود که می‌دانست پلید و زشت است، دچار عذاب وجدان و روح بوده و قوه خیال، برای او موجب تصوّر چنان صحنه‌ای گردیده است.

---

۱. ر.ک: اللهوف، ص ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۳؛ مقتل الحسين علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲،

۴۸. در کربلا داغ کدامیک از یاران و اولاد اباعبدالله الحسین علیه السلام برای ایشان

داغ تر و جان سوزتر بود؟

ح طبق نقل مقاتل، پس از شهادت اصحاب در روز عاشورا، علی اکبر علیه السلام اولین نفر از بنی هاشم بودند که اجازه رفتن به میدان جهاد گرفته و شهید شدند<sup>۱</sup> و از مقاتل استفاده می شود که داغ حضرت علی اکبر علیه السلام، برای امام حسین علیه السلام داغ تر و جان سوزتر بوده است. ایشان شبیه ترین مردم از نظر شمایل، اخلاق و سخن گفتن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند و امام حسین علیه السلام نسبت به این فرزند رشید خود، علاقه وافر و محبت فراوانی داشتند.<sup>۲</sup>

۴۹. آیا اینکه بعضی می گویند: کار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا عاشقانه بود

و نه عاقلانه، یعنی کارهای آن حضرت مخالف عقل بود یا فراتر از عقل؟

ح حادثه حماسی کربلا از ابتدا تا انتها آن چنان اسرارآمیز است که باید گفت از اسرار ناگشودنی ذهن و عقل بشری است. هم شهادت امام حسین علیه السلام و هم اسارت خاندان ایشان، کار عشق بود، اما عشقی که در چهارچوب عقلانیت دینی و

---

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۰۶؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲؛ امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، وقتی علی اکبر علیه السلام را به

میدان می فرستادند، فرمودند: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غَلَامٌ أَشْبَهَ

النَّاسَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مُنْطِقًا بِرَسُولِكَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَيْ نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْ وَجْهِهِ -

خدا یا! گواه باش جوانی به نبرد با آنان می رود که از حیث اخلاق و شمایل و گفتار،

شبیه ترین افراد به پیامبر توست. ما هر گاه تشنه دیدار پیامبرت می شدیم، به چهره علی

اکبر می نگرستیم.»

عقل حقیقی انجام شد؛ زیرا عشقی که در این چهارچوب نباشد، عشق نیست، هوای نفس است یا دست کم، عشق نما است نه عشق حقیقی.

۵۰. با توجّه به اینکه خیمه به عنوان یک منزلگاه، برای اعراب، خصوصاً در صدر اسلام، بسیار با ارزش و قیمتی بوده است، آیا می توان قضیه آتش زدن خيام حرم در عصر عاشورا را پذیرفت؟

ح در نقل قول های تاریخی و اخبار کربلا آمده است<sup>۱</sup> و اگر گفته شود که آنها قصد داشتند عیال را در خیمه ها بسوزانند و نسل پیامبر گرامی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم را نابود کنند، پذیرفتن آن استبعاد ندارد.

---

۱. ر.ک: الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۰؛ اللهوف، ص ۱۳۲؛ تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۸.

## وقایع پس از عاشورا

۵۱. اسرای کربلا، چندی محرم از کربلا خارج شده و به سمت کوفه حرکت کردند؟

بعد از ظهر روز یازدهم حرکت کردند.<sup>۱</sup>

۵۲. چگونه ممکن است سر بریده، قرآن تلاوت کند؟ آیا این قضیه، یک معجزه است؟ دلیل قرائت قرآن چیست؟

معلوم است که این قضیه معجزه است؛ و معجزه، آن است که به حسب عادت، واقع نمی شود و اما چرا قرآن خوانده است، زیرا بهترین کلمات، قرآن است که از بهترین افراد در آن موقع حساس با آن جاذبه خاص واقع شده است و این گونه امور، محل استبعاد نیست:

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»<sup>۲</sup>

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۴؛ اللهوف، ص ۱۴۲؛ انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۶.

۲. کهف، ۹: «آیا گمان کرده ای که (سرگذشت) یاران آن غار بزرگ و صاحبان آن لوح نوشته (که صدها سال خفتند و بیدار شدند) از آیات و نشانه های شگفت انگیز ما بود؟»



آیات الهی بسیار است و هیچ یک محل استبعاد نیست و چنان که نقل شده، سر مطهر، همین آیه شریفه را تلاوت کرده است.<sup>۱</sup>

۵۳. چرا حضرت زینب علیها السلام فرمودند: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»<sup>۲</sup> ایشان چه چیز

زیبایی مشاهده کردند؟

ح شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام از طرفی از الطاف خفیه حضرت حق تبارک و تعالی بود. چنان که اسارت خاندان ایشان نیز که استمرار آن شهادت و ادامه آن حرکت به شمار می رود نیز چنین بود، چرا که به سبب این شهادت و اسارت، اسلام احیاء گردید و حتی توطئه های دشمنان اسلام را که بیش از چهل سال برای نابودی اسلام محمدی و اسلام علوی و حتی برچیدن اسلام ظاهری

---

۱. از زید بن ارقم نقل شده است که گفت: «مُرَّ بِهِ عَلَيَّ وَهُوَ عَلَي رُمَحٍ وَأَنَا فِي غُرْفَةٍ فَلَمَّا حَاذَانِي سَمِعْتُهُ يَقْرَأُ أُمَّ حَسِبْتُ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا فَقَفَّ وَ اللَّهُ شَعْرِي وَ تَادَيْتُ رَأْسُكَ وَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَعْجَبُ وَ أَعْجَبُ - آن سر مقدس را که بر نیزه بود بر من عبور دادند و من در غرفه و بالاخانه خود نشسته بودم چون برابر من رسید شنیدم که این آیه را می خواند: آیا پنداشتی که (داستان) اصحاب کهف و رقیم از آیت های شگفت ما بودند!» (کشف، ۹) پس به خدا از هراس موی تنم راست شد و فریاد زدم: به خدا ای پسر رسول خدا (داستان) سر تو شگفت تر و حیرت انگیز تر است.» [الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۷؛ همچنین ر.ک: الخرائج والجرائح؛ ج ۲، ص ۵۷۷؛ مناقب آل أبي طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۶۱؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۲۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۴۳].

<sup>۲</sup>. اللهوف، ص ۱۶۰.

ادامه داشت،<sup>۱</sup> خنثی نمود و از طرف دیگر در این حادثه، حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و یاران با وفای ایشان به فوز و فلاح ابدی نائل آمدند. بنابراین، از نظر شخصیت بی‌همتایی مانند حضرت زینب (علیه السلام)،<sup>۲</sup> آنچه واقع شد، زیبایی، فوز و سعادت است و

---

۱. معاویه در دوران حکومت خود، تلاش‌های فراوانی برای نابودی اسلام محمدی (صلی الله علیه و آله) و تغییر آن از مسیر اصلی کرد. او به دشمنی با اسلام راستین علوی می‌پرداخت و علاوه بر تفسیر آیات قرآن به نفع خود و علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) [بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۱۴ و ۲۱۵] حتی دستور داده بود که اگر کسی فضیلتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کند یا اظهار محبتی نماید، به شدت با او برخورد کنند. [شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۵] پس از آن نیز، دستور به سبّ امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر بالای منابر و خطبه‌ها را داده بود! [العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۱۴] این دشمنی به اندازه‌ای بود که پس از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گروهی از بنی‌امیه نزد معاویه رفته و به وی گفتند: مگر تو به خواسته دلت نرسیدی، چه می‌شد اگر دست از این مرد بر می‌داشتی؟! معاویه گفت: به خدا سوگند دست بر نمی‌دارم تا کودکان بر آن تربیت شوند و بزرگسالان با آن به پیری رسند و دیگر هیچ کس فضیلتی از او بر زبان نیاورد! [شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۷؛ ج ۵، ص ۱۳۰؛ الغدير، ج ۲، ص ۱۵۹؛ همچنین ر.ک: مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۵۴؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۰۰].

۲. «حضرت زینب (علیه السلام) پیام‌رسان واقعه عاشورا، دختر امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (علیهما السلام) هستند که پس از امام حسین (علیه السلام) و در حدود سال پنجم هجری، به دنیا آمدند. ایشان هفت معصوم را درک کرده‌اند (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا امام باقر (علیه السلام)). حضرت زینب (علیه السلام)، از حضرت فاطمه (علیه السلام) حدیث نقل می‌کنند [اعلام السوری، ج ۱، ص ۳۹۶] و یکی از راویان خطبه فدک هستند که ابن عباس با تعبیر «حادثتی عقيلتنا زينب بنت علي»، این خطبه را از قول ایشان نقل می‌کند. (با اینکه ایشان در زمان خطبه‌خواندن حضرت زهرا (علیه السلام)، حدوداً ۵-۶ ساله بودند.) [مقاتل الطالبیین، ص ۹۵؛ همچنین ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ الامالی (مفید)، ص ۴۰؛



السَّقِیفة و فدک، ص ۹۸]

از هر لطف جلی بالاتر و بهتر است.

۵۴. آیا این مطلب صحیح است که زنان بنی‌هاشم در طول راه اسارت،

بدون حجاب بودند؟

ح این مطلب قطعاً درست نیست؛ زیرا اگر تعرضی به آن خاندان مطهر می‌شد که ضرر به شخصیت آنها می‌زد، یقیناً امام معصوم وقت، یعنی امام سجاد (ع)، حافظ شخصیت آنها و حافظ شخصیت خاندان رسول‌الله (ص) بودند.

۵۵. مکان دفن رأس امام حسین (ع) کجا است؟

از جمله القاب ایشان، «عقیله بنی‌هاشم» و «عقیله الطالبین» است. حضرت زینب (ع) در کوفه، جلسات تفسیر قرآن برای زنان داشتند و امام سجاد (ع) در وصف ایشان می‌فرمایند: «أُتِيَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ» [الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵] ایشان با عبد الله بن جعفر بن ابی طالب ازدواج کردند، صاحب چند فرزند شدند و پسران ایشان، در واقعه کربلا به شهادت رسیدند. [أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۶۷ و ۱۸۹؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۶۹]

حضرت زینب (ع) دارای کمالات و فضائل فراوانی بودند. ایشان اسوه صبر، عفت، عبادت، عقل و درایت، شجاعت، سخنوری، فهم و فضل بودند و حادثه کربلا، به خوبی این صفات را به منصه ظهور رساند. به طوری که مورّخین، معمولاً ایشان را با نام عقل و درایت معرفی می‌کنند و در توصیف ایشان، شیوه برخوردشان در دربار یزید را نشانه عقل کامل و شجاعت بی نظیر می‌شمارند. [اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۶۹؛ الإصابه، ج ۸، ص ۱۶۷] درباره عبادت حضرت زینب (ع) باید گفت که همچون حضرت زهرا (ع) بسیار عبادت کننده بودند و نماز شب ایشان، حتی در شام عاشورا، پس از تحمّل آن همه مصیبت و سختی، ترک نشد.

ح دقیقاً معلوم نیست،<sup>۱</sup> لکن به عقیده اینجانب، حضرت زین‌العابدین امام سجّاد علیه السلام سر مطهر امام حسین علیه السلام را به بدن مبارک آن حضرت ملحق فرموده‌اند.

## ۵۶. موضوع سر به محمل کوبیدن و خون جاری‌شدن از سر مبارک حضرت زینب علیه السلام، صحیح است یا خیر؟

ح صحت این قضیه در تاریخ روشن نیست و اگر این تاریخ صحت داشته

۱. درباره محل دفن سر مبارک امام حسین علیه السلام اقوال مختلفی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) در کربلا و ملحق به بدن مبارک: *المالی الصدوق*، ص ۱۶۸؛ *إعلام السوری*، ج ۱، ص ۴۷۷؛ *مناقب آل أبي طالب علیه السلام، ج ۴، ص ۷۷؛ *اللّهوف*، ص ۱۹۵؛ *مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲، ص ۸۴؛ *تذکرة الخواص*، ص ۲۳۸ (این قول مشهور میان علمای بزرگ شیعه است، چنان‌که سید بن طاوس رحمه الله در کتاب *اللّهوف*، ص ۱۹۵ و علامه مجلسی رحمه الله در *بحار الأنوار*، ج ۴۵، ص ۱۴۵ به این اتفاق نظر و شهرت نزد بزرگان شیعه، اشاره و تأکید فرموده‌اند).**

ب) نجف، کنار امیرالمؤمنین علیه السلام یا بالاسر حضرت: *الکافی*، ج ۴، ص ۵۷۱؛ *مناقب آل أبي طالب علیه السلام، ج ۴، ص ۷۷؛*

ج) کوفه: *مناقب آل أبي طالب علیه السلام، ج ۴، ص ۷۷؛ *الطبقات الکبری*، ج ۱۰، ص ۴۸۴؛*

د) بقیع: *بحار الأنوار*، ج ۴۵، ص ۱۴۵؛ *مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲، ص ۸۳؛*

هـ) دمشق: *بحار الأنوار*، ج ۴۵، ص ۱۴۴؛ *تذکرة الخواص*، ص ۲۳۹؛

و) مصر: *مثير الاحزان*، ص ۱۰۷؛ *تذکرة الخواص*، ص ۲۳۹؛

ز) رقه: *تذکرة الخواص*، ص ۲۳۹؛

ح) بالارتقن به آسمان و ناپدید شدن: *المخرائج و المجرائح*، ج ۲، ص ۵۸۲.

باشد، معنای عبارت «نُطِحَتْ جَبِينُهَا»<sup>۱</sup> آن است که پیشانی حضرت زینب علیها السلام بر چوب محمل خورد و معنای آن، این نیست که پیشانی را بر محمل زدند.

۵۷. آیا امام حسین علیه السلام فرزندی به نام رُقِیَّه (دختر سه چهار ساله) داشته‌اند که در خرابهٔ شام با سر مبارک مواجه شده و جان داده است؟ اخیراً برخی از افراد نسبت به وجود مقدس حضرت رقیه علیها السلام تردید کرده و شبهه‌پراکنی می‌کنند و حرف‌هایی را به جامعه نیز القاء می‌نمایند. خواهشمند است دربارهٔ توسّل به ایشان و مرقدی که فعلاً در سوریه موجود است، ما را راهنمایی فرمایید.

ح از منابع روایی و از مقاتل،<sup>۲</sup> استفاده می‌شود که امام حسین علیه السلام چنین

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۸۷

۲. سیف بن عمیره (یکی از راویان زیارت عاشورا و از اصحاب امام صادق علیه السلام)، در رثای امام حسین علیه السلام قصیدهٔ پر محتوایی دارد که با این بیت شروع می‌شود:  
جلّ المصاب بمن أصبنا فاعذری یا هذه و عن الملام فأقصری  
وی در آن شعر، به مناسبتی از حضرت رقیه علیها السلام یاد کرده است:

و رقیه رقّ الحسود لضعفها و غدا لیعذرها الذی لم یعذر

و لأم کلثوم یجد جدیدها لثم عقیب دموعها لم یکرر

لم انسها و سکینه و رقیه بیکیه بتحرّس و ترفّر [منتخب طریحی، ج ۲، ص ۴۳۶] ۳

۳. ابن فندق بیهقی (متوفی ۵۶۵ ق) در کتاب لباب الانساب، ج ۱، ص ۳۵۵، از حضرت رقیه علیها السلام به عنوان یکی از فرزندان باقیمانده بعد از امام حسین علیه السلام نام می‌برد. بعضی از مورّخین، برای امام حسین علیه السلام چهار دختر ذکر کرده‌اند؛ ولی معمولاً سه دختر را نام برده‌اند [مانند: مطالب السؤل (نوشته محمد بن طلحه شافعی، متوفی ۶۵۲ ق)، ص ۲۵۷؛ کشف الغمّه (نوشته علی بن عیسیٰ اربلی، متوفی ۶۹۲ ق)، ج ۱، ص ۵۸۲] و شاید فرزند

دختری داشته‌اند و توسّل به حضرت رقیّه علیها السلام نیز در مجالس عزاداری، خوب است. دربارهٔ قبر موجود نیز باید گفت: همین‌جا که به‌عنوان مرقد حضرت رقیّه علیها السلام مشهور است، صحیح است و مورد احترام شیعه و بزرگان است و تشکیک کردن در این زمینه، یک ظلم است، آن هم ظلم به فرزند مظلوم امام حسین علیه السلام.

همین شهرت راجع به مرقد مطهر حضرت زینب علیها السلام نیز هست<sup>۱</sup> و تشکیک در آن، ظلم به حضرت زینب علیها السلام است و ظلم به حضرت زینب علیها السلام گناه خیلی بزرگی است و ما در این‌گونه موارد، نظیر سیادت اشخاص و قبور امام‌زادگان و بزرگان،

---

چهارم، همان رقیّه علیها السلام باشد.

سید بن طاووس (متوفی حدود ۶۶۴ ق) در کتاب *مُهوَف* (برخی نسخه‌ها) در وداع امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت به زنان در حرم خطاب کردند: «يَا أُخْتَاهُ يَا أُمَّ كُلْثُومَ وَأَنْتِ يَا زَيْنَبُ وَأَنْتِ يَا رَقِيَّةَ وَأَنْتِ يَا فَاطِمَةَ وَأَنْتِ يَا رَبَّابُ انْظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشْفَقْنَ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَحْمِشْنَ عَلَيَّ وَجْهًا وَلَا تَقْلَنَّ عَلَيَّ هُجْرًا - خواهرم ام کلثوم و تو ای زینب و تو ای رقیّه و تو ای فاطمه و تو ای رباب، بنگرید بعد از شهادتم مبدا گریانی را چاک زده یا چهره‌ای را خراشیده، یا سخنانی ناروا بر زبان رانید.» در این بیان از «رقیه» نام برده شده است. همچنین در وداع امام حسین علیه السلام می‌خوانیم که حضرت رو به خیام حرم فرمودند: «يَا أُمَّ كُلْثُومَ، وَ يَا سَكِينَةَ، وَ يَا رَقِيَّةَ، وَ يَا عَاتِكَةَ، وَ يَا زَيْنَبَ، يَا أَهْلَ بَيْتِي عَلَيْكُمْ مَنَى السَّلَامِ».

*احقاق الحق*، ج ۱۱، ص ۶۳۳؛ *ینایع الموده*، ج ۳، ص ۷۹

داستان حضرت رقیّه علیها السلام و خرابهٔ شام، در کتاب «کامل بهائی» اثر عمادالدین طبری (متوفی حدود ۷۰۰ ق) صفحه ۵۲۳ نقل شده است. همچنین دربارهٔ مقبرهٔ ایشان ر.ک:

*تسلیة المجالس*، ج ۲، ص ۹۳؛ *عیان الشیعه*، ج ۷، ص ۳۴؛ *منتخب التواریخ*، ص ۳۸۸.

۱. ر.ک: *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۲۰؛ *کامل بهایی*، ص ۶۴۵؛ *رحله* (ابن جبیر)، ص ۲۵۳؛

*زیارات الشام* (ابن حورانی)، ص ۱۳۳؛ *رحله* (ابن بطوطه)، ص ۹۹؛ *نزهة الأنام فی*

*محاسن الشام*، ص ۲۲۱.

چیزی جز شهرت نداریم و این شهرت در نظر همه فقها، حجت بوده و هست.

۵۸. چه عواملی باعث می‌شد مردم شام یزید را بر علیه امام حسین علیه السلام یاری کنند و کسی به مخالفت بر نخیزد و حتی به خاطر اسارت اهل و عیال امام حسین علیه السلام شادی و جشن برپا کنند؟ آیا نمی‌دانستند امام حسین علیه السلام از خاندان پیامبر است و یا خانواده او ذوی القربی هستند که قرآن به محبت و مودت آنها دستور داده است؟

✎ مردم شام به علت آنکه مدت زیادی تحت سیطره حکومت معاویه و عمال او بودند، معاویه را مظهر اسلام می‌دانستند و آشنایی خاصی با اهل بیت علیهم السلام نداشتند.

۵۹. با توجه به اینکه یاران سیدالشهداء علیه السلام همگی کشته شدند، حادثه کربلا چگونه نقل شده است؟

✎ اگرچه غالب آن منقولات تاریخی، سند فقهی، به معنای خاص آن که در علم فقه و اصول فقه است، ندارد، لکن قاعده «تسامح در ادله سنن» دلالت دارد که همین مقدار که بنا بر نقل‌های تاریخ و مقاتل، احتمال وقوع داده شود، کافی است و می‌توان آن را نقل کرد و با آن عزاداری نمود؛ کما اینکه سیره همیشگی بر همین منوال بوده و مقاتل بسیار معتبر، همانند مقتل شیخ مفید رحمته الله نیز بر همین اساس ثبت و ضبط گردیده است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. در بیان وقایع و حوادث مربوط به عاشورا، توجه به دو نکته ضروری است: اول اینکه از منابع تاریخی برداشت می‌شود که جز امام سجّاد علیه السلام (که بسیاری از اخبار کربلا به ایشان منتهی می‌شود) برخی دیگر از مردان نیز پس از واقعه عاشورا زنده مانده‌اند و از

## ۶۰. امام سجّاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در روز اربعین به کربلا رفتند یا خیر؟

سید بن طاووس اربعین اوّل را قبول کرده است<sup>۱</sup> و بعید هم نیست و

اخبار کربلا گزارش‌هایی داده‌اند که برخی تعداد آنها از بنی‌هاشم را دوازده مرد و کودک نقل کرده‌اند [جواهر المطالب، ج ۲، ص ۲۷۸] و از آن جمله: حسن مثنی [الارشاد، ج ۲، ص ۲۵] زید بن حسن و عمر بن حسن [مقاتل الطالبین، ص ۱۱۵] و... هستند. از غیر بنی‌هاشم نیز به عقبه بن سمان، مرقع بن ثمامه [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۷] مسلم بن رباح [تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۳] و ضحاک بن عبد الله مشرقی [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۹] می‌توان اشاره کرد که بسیاری از حوادث و وقایع عاشورا را با واسطه یا بدون واسطه نقل کرده‌اند.

دوّمین نکته آنکه در بسیاری از مواقع، دشمنان برای بیان گزارش کارهای خود که مثلاً فلان فرد را کشته‌ام یا فلان برخورد به اصطلاح شجاعانه را کرده‌ام، لاجرم از اخبار کربلا (گرچه گاهی دور از واقعیت یا با تحریف) سخن گفته‌اند. [ر.ک: أنساب

الأشراف، ج ۳، ص ۲۰۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۱ و...]

۱. اللّهُوف، ص ۱۹۶: «وَلَمَّا رَجَعَ نِسَاءُ الْحُسَيْنِ علیهم السلام وَ عِيَالُهُ مِنَ الشَّامِ وَ بَلَغُوا الْعِرَاقَ قَالُوا لِلدَّلِيلِ مَرْبِّئًا عَلَيَّ طَرِيقَ كَرْبَلَاءَ فَوَصَّلُوا إِلَيَّ مَوْضِعَ الْمَصْرَعِ فَوَجَدُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ رِجَالًا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَدْ وَرَدُوا لِمَزْبَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَوَاقَفُوا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ وَ تَلَقَّوْا بِالْبُكَاءِ وَ الْحُزْنِ وَ اللَّطْمِ وَ أَقَامُوا الْمَآئِمَ الْمُفْرِحَةَ لِلْأَكْبَادِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِمْ نِسَاءُ ذَلِكَ السَّوَادِ فَأَقَامُوا عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامًا - هنگامی که اهل بیت از شام باز می‌گشتند و به عراق رسیدند، از راهبر کاروان خواستند که آنها را از راه کربلا عبور دهد. ایشان وقتی به کربلا رسیدند، جابر بن عبد الله انصاری و جمعی از بنی‌هاشم و مردانی از آنها را یافتند که برای



همین مقدار که در میان مردم و در عزاداری‌ها مشهور شده است، کفایت می‌کند.

۶۱. آیا این مطلب صحیح است که برخی می‌گویند یزید واقعاً قصد کشتن امام حسین علیه السلام را نداشته است و قاتل امام علیه السلام نبوده و از این که چنین واقعه‌ای رخ داده، به شدت ناراحت شده است؟<sup>۱</sup>

ح این حرف صحیح نیست و حقیقت و نوع رفتار یزید، چه پیش از شهادت امام حسین علیه السلام و چه پس از آن، خلاف این مطلب را به خوبی اثبات می‌کند.<sup>۲</sup>

---

زیارت قبر حسین علیه السلام آنجا رسیده بودند، پس همگان در یک زمان به عزاداری و نوحه سرایی پرداختند و سوگواری جگرسوزی برپا نمودند و زنان آن آبادی نیز با ایشان به عزاداری پرداختند و چند روز در کربلا اقامت کردند.»  
۱. ر.ک: *تاریخ الطبری*، ج ۴، ص ۳۵۲؛ *احیاء علوم الدین*، ج ۹، ص ۱۹؛ *الامامة و السياسة*، ج ۲، ص ۳؛ *تاریخ الاسلام*، ج ۵، ص ۲۰.

۲. برخی از دلایل روشن تاریخی بر پوچ بودن حرف‌های مدعیان دفاع از او عبارتند از: نامه او به فرماندار مدینه برای بیعت گرفتن از امام حسین علیه السلام و در غیر این صورت، فرستادن سر امام علیه السلام [الفتوح، ج ۵، ص ۱۰؛ مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۱، ص ۲۶۲]؛ نامه به ولید برای بیعت گرفتن از مردم مدینه و فرستادن سر امام حسین علیه السلام به همراه جواب نامه [الفتوح، ج ۵، ص ۱۸]؛ فرستادن افرادی به مکه برای ترور یا دستگیری امام علیه السلام [الارشاد، ج ۲، ص ۶۷؛ تذکرة الخواص، ص ۲۴۸]؛ نامه به ابن زیاد درباره کشتن امام حسین علیه السلام [تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۱]؛ قراردادن سر مبارک امام علیه السلام مقابل خود و خواندن اشعاری کفرآمیز [الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۷]؛ تقدیر از ابن زیاد و عملکرد وی در قتل امام حسین علیه السلام [الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۸۷؛ تذکرة الخواص، ص ۲۶۰]؛ ادامه دادن اعمال زشت دیگر در راستای سرکوب کردن نهضت حسینی و قیام‌های مشابه، مانند قتل عام مردم مدینه (واقعه حرّه) و به منجنیق بستن کعبه

## ۶۲. آیا یزید ملعون بعد از به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام توبه کرد؟ آیا

توبهٔ فردی مانند یزید پذیرفته می‌شود؟

ح یزید «لعنة الله و ملائكتة و انبيائه و رسله و اوليائه عليه» قطعاً توبه نکرده است؛ زیرا توفیق توبه که از جانب خداوند متعال است، به مثل یزید ملعون، عنایت نمی‌شود. بلکه بالاتر از این، از آیات و روایات شریفه به خوبی استفاده می‌شود که گناه این گونه افراد، معصیت نابخشودنی و «ذنب لا يُغْفَر» است و زمینه برای ترحم و جلب رحمت خداوند رحمان و رحیم را از دست می‌دهند. به بیان عبرت‌انگیز قرآن کریم، این گونه افراد نه تنها اهل جهنم، بلکه تبدیل به هیزم جهنم شده‌اند:

قال الله تعالى: «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ»<sup>۱</sup>

و قال الله تعالى: «وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»<sup>۲</sup>

## ۶۳. نوّابین از چه گناهی توبه کردند و آیا قیام آنها صحیح بود و ثواب دارد؟

ح قیام‌های متعددی پس از شهادت بیدارگرانهٔ حضرت سیدالشهداء علیه السلام واقع

---

[تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۵۴؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۹؛ تذکرة الخواص، ص ۲۶۱] ادعای ابن زیاد مبنی بر این که به دستور یزید، دست به قتل امام علیه السلام زده است [الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۴۰]؛ معروفت یزید در زمان خودش به قتل امام حسین علیه السلام و اقرار نزدیکی مانند فرزندش به اینکه او قاتل امام حسین علیه السلام است [تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۸ و ۲۵۴] و...

۱. انبیاء، ۹۸: «در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم دوزخید.»

۲. جن، ۱۵: «ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود.»

شد<sup>۱</sup> تا بالأخره به دست ایرانیان، بنی امیه نابود و ساقط شدند. یکی از آن قیام‌ها،

<sup>۱</sup> برخی از مهم‌ترین این قیام‌ها که به‌طور مستقیم به قضایای عاشورا مربوط می‌شوند یا از آن سرچشمه می‌گیرند، عبارتند از:

۳،۱ قیام عبد الله بن عقیف (سال ۶۱ هجری): حرکت اعتراضی «عبد الله بن عقیف» که از جمله شیعیان امیرالمومنین علیه السلام بود، نخستین قیام در کوفه است که بلافاصله پس از واقعه کربلا صورت گرفت و نشانگر دروغین بودن پیروزی بنی‌امیه بود. او در این حرکت انقلابی خود، در مقابله با حاکم جور، یعنی ابن زیاد و در دفاع از خاندان نبوی و علوی، به شهادت رسید. [ر.ک: *الإرشاد*، ج ۲، ص ۱۱۷؛ *بحار الأنوار*، ج ۴۵، ص ۱۱۹؛ *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۲۱۰]

۳،۲ قیام مردم مدینه (سال ۶۳ هجری): پس از ورود کاروان اسیران اهل بیت علیهم السلام به مدینه و بیان واقعه و مصیبت‌هایی که رخ داده بود، مردم مدینه در غم و اندوه فرو رفتند. آنها پس از پیدا کردن شناخت حقیقی از یزید، بر این باور شدند که قیام بر ضد یزید، واجب شرعی است، پس رسماً، بیعت او را شکستند و بر ضد حکومت اموی قیام کردند. یزید نیز برای مقابله با این حرکت، لشکری را به‌سوی مدینه فرستاد و آنها جسارت‌های فروانی را مرتکب شده و قیام را سرکوب کردند. (واقعه حرّه). [ر.ک: *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۴۸۲؛ *دلائل النبوة*، ج ۶، ص ۴۷۳؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، ص ۱۱۱]

۳،۳ قیام توأیین (سال ۶۵ هجری): مردم کوفه و کسانی که امام علیه السلام را دعوت کرده و سپس تنها گذاشته بودند، از اعمال خود پشیمان شده و به‌سرزنش یکدیگر پرداختند. آنان تصمیم گرفتند با خون‌خواهی از قاتلان آن حضرت، اشتباه بزرگ خود را جبران کنند. این قیام به فرماندهی «سلیمان بن صُرَد خُزاعی» رهبری می‌شد. ایشان با برنامه‌ریزی سیاسی و نظامی چند ساله، خود را آماده قیام کرده و در سال ۶۵ قمری با شعار «یا لثارات الحسین» حرکت خود را آغاز کردند. آنان در منطقه «عین الورد» با

قیام توأیین است که اصل آن به جا بوده، ولی اینکه اجازه از ولایت را همراه داشته یا نه، معلوم نیست و این جانب عقیده دارم که این قیام‌ها با اجازه ولایت بوده است، به خصوص قیام توأیین و قیام مختار و در ضمن تواریخ، این نکته به خوبی استفاده می‌شود.

---

سپاهیان شام درگیر شده و هر دو سپاه، متحمل تلفات فراوانی شدند. [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۵۸؛ الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۱۹؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۵۸۳]

۳،۴ قیام مختار (سال ۶۶ قمری): قیام مختار، یکی از بزرگترین قیام‌های پس از واقعه عاشورا است. او با شعار «یا لثارات الحسین» قیام خود را در کوفه آغاز کرد و با وعده انتقام از قاتلان کربلا، از مردم بیعت گرفت. مردم و قبایل مختلف نیز به او پیوستند و او را یاری کردند. در این قیام، از قاتلان کربلا همچون ابن زیاد، عمر سعد، شمر، خولی، سنان و... به سختی انتقام گرفته شد و آنان به درک واصل شدند. [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۳۲؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۱۱ تا ۲۷۳]

۳،۵ قیام زید بن علی (سال ۱۲۱ قمری): زید فرزند امام سجّاد علیه السلام بود که با هدف امر به معروف و نهی از منکر، قیام کرد و در روایات، از او تجلیل شده است. قیام زید با شکست روبرو شد. در این قیام زید کشته شد و بسیاری از پیروانش، قتل عام گردیدند. [الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۱؛ الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۵۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۲۹ و ۲۴۲ تا ۲۴۶]

پس از این قیام‌ها، روحیه انقلابی شیعه که برگرفته از حماسه عاشورا بود، سست نشد و انقلاب‌های دیگری مانند قیام یحیی بن زید رخ داد. این انقلاب‌ها، همچنان ادامه یافت تا اینکه پرچم‌های سیاه به فرماندهی ابو مسلم خراسانی به اهتزاز درآمد و تاج و تخت اموی را سرنگون ساخت. گرچه بنی عباس نیز در عملکرد خود و ظلم و ستم بر خاندان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، کم‌تر از بنی امیه نبودند.

## ۶۴. نظر حضرت تعالی در رابطه با قیام مختار و شیوه انتقام گیری او از قاتلین

### کربلا چیست؟

ح خصوصیات او معلوم نیست، ولی آنچه مسلم است این که مختار ثقفی با قیام خود و قصاص دشمنان اهل بیت علیهم السلام، دل ائمه اطهار علیهم السلام و نیز دل شیعیان را شاد کرده است و از این جهت، باید به او اظهار ارادت کرد؛ البته بدخواهان تشیع، در طول تاریخ به شایعه سازی درباره او و شخصیت او پرداخته اند و اتهاماتی به او نسبت داده اند. از سوی دیگر، مختار ثقفی معصوم هم نبوده است و ممکن است دچار اشتباهاتی شده باشد؛ اما در مجموع، بدگویی نسبت به او و کذاب نامیدن او جایز نیست، چنان که امام باقر علیه السلام از بدگویی نسبت به مختار نهی فرموده اند و برای او رحمت طلبیده اند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. رجال الکشی، ص ۱۲۵ و ۱۲۶: امام باقر علیه السلام در منع از سب مختار ثقفی، فرمودند: «لَا تَسُبُّوا الْمُخْتَارَ فَإِنَّهُ قَتَلَ قَتَلْنَا وَ طَلَبَ بَنَانًا وَ زَوْجَ أَرَامِلَنَا وَ قَسَمَ فِينَا الْمَالَ عَلَى الْعُسْرَةِ - مختار را دشنام ندهید. او قاتلین کشته های ما را کشته، یتیمان ما را شوهر داده و در وقت سختی، در بین ما اموالی را تقسیم کرده است.» همچنین آن حضرت در دیداری با فرزند مختار، خطاب به او فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ مَا تَرَكَ لَنَا حَقًّا عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا طَلَبَهُ قَتَلَ قَتَلْنَا وَ طَلَبَ بَدِمَانًا - خدا پدرت را رحمت کند! خدا پدرت را بیا مرزد که حق ما را نزد احدی نگذاشت. قاتلین ما را کشت و برای ما خون خواهی کرد.» [ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۳۲ تا ۳۹۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۱۱]

## بازشناسی واقعه عاشورا

۶۵. چرا برخی از وقایع کربلا، با اختلاف ثبت شده است و چرا اخبار و جزئیات عاشورا، مورد اتفاق همه مورخان و بزرگان نیست؟

ح علل مختلفی در این زمینه وجود دارد: اولاً در آن دوران، ضبط و نوشتن وقایع کمتر بود و معمولاً با تکیه بر حافظه افراد مطالب نقل می‌شد. ثانیاً همه راویان وقایع و حوادث، از حافظه خوب، صداقت و امانت‌داری برخوردار نبودند. ثالثاً دستگاه‌ها و حکومت‌های مخالف اهل بیت علیهم‌السلام، برای استحکام قدرت خود و اهداف سیاسی، روایت‌سازی می‌کردند. رابعاً چنان‌که شایسته است، روی منابع و اسناد تاریخی آن، مانند امور فقهی، کار نشده است و جای تلاش علمی بیشتری دارد.

۶۶. آیا امام حسین علیه‌السلام برای تشکیل حکومت به سفر پر مشقت کربلا رفتند یا برای بیعت نکردن با یزید یا دلایل دیگری داشتند؟

ح در این باره دلایل مختلفی از زبان مبارک امام حسین علیه‌السلام بیان شده است؛ از جمله: امر به معروف و نهی از منکر،<sup>۱</sup> اصلاح امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،<sup>۱</sup> احیای سنت

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹. «أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ - در این قیام،

نبوی و سیره علوی،<sup>۲</sup> مبارزه با حاکمیت نامشروع بنی امیه<sup>۳</sup> و خودداری از بیعت با یزید.<sup>۴</sup> به طور کلی هدف آن حضرت از سفر و قیام، احیای دین اسلام بود و در این

می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.»

۱. *بجار الأنوار*، ج ۴۴، ص ۳۲۹: «وَإِنِّي لَمْ أُخْرَجْ أَشِرًّا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ﷺ - من برای راحت طلبی و خوش گذرانی و از روی ستم و به منظور فساد کردن، خروج نکردم؛ بلکه مقصودم، اصلاح امت جدّم و نجات دادن اجتماع از انحراف است.»

۲. *بجار الأنوار*، ج ۴۴، ص ۳۲۹: «أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.» همچنین آن حضرت در نامه‌ای خطاب به بزرگان بصره فرمودند: «فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيتَتْ وَ أَنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ وَ إِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ.» *تاریخ الطبری*، ج ۴، ص ۲۶۶]

۳. *امالی الصدوق*، ص ۱۵۲: «لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَيَّ وَلِدِ أَبِي سُفْيَانَ وَ كَيْفَ أَبَايَ أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا؟ - از جدّم پیامبر خدا ﷺ شنیدم می فرمود: مقام خلافت بر فرزندان ابوسفیان حرام است! من چگونه با اهل بیتی بیعت کنم که پیغمبر اسلام این موضوع را درباره آنان فرموده است؟» پس از آن، یزید دستور قتل امام حسین علیه السلام را داد و حضرت از مدینه خارج شدند.

۴. *اللهوف*، ص ۲۳: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبَوَةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ بَنَّا فَتَحَ اللَّهُ وَ بَنَّا حَتَمَ اللَّهُ وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعْلِنٌ بِالْفُسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ بِمِثْلِهِ - ما اهل بیت نبوت، معدن رسالت، محل رفت و آمد ملائکه و جایگاه رحمت هستیم. خداوند با ما آغاز کرده و به ما خاتمه داده است. یزید مردی فاسق و شراب خوار و قاتل نفوس محترم بوده و کسی است که علناً به فسق می پردازد و شخصی چون من، با فردی مثل او بیعت نخواهم کرد.» همچنین ر.ک: *الفتوح*، ج ۵، ص ۲۴؛

*ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۵۴. علاوه بر این ها، امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مکه در پاسخ به محمد حنفیه که حضرت را از رفتن به سوی کربلا باز می داشت، فرمودند: «أَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَعْدَ مَا فَارَقْتُكَ فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ أَخْرُجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَكَ قَتِيلًا... إِنَّ

راستا، خودشان و هرچه را داشتند، فدای دین خدا کردند و به نتیجه قطعی که احیای تشیع و نابودی بنی امیه بود، رسیدند و همه باید بدانند که اگر قیام امام حسین (علیه السلام) و اسارت عیال نبود، الان تشیع نبود.

۶۷. چنانچه یزید به وصایای معاویه توجّه می کرد و از امام حسین (علیه السلام) بیعت نمی خواست<sup>۱</sup> و مانند معاویه با احترام ظاهری با حضرت برخورد می کرد، آیا باز حضرت قیام می کردند و وقایع کربلا رخ می داد و حضرت به شهادت می رسیدند؟

ح قضاة بیعت خواستن از امام حسین (علیه السلام)، تنها، یکی از عوامل شکل گیری قیام امام حسین (علیه السلام) بود، و الا حاکمیت فردی چون یزید، خود عامل دیگری برای قیام بود، زیرا به تعبیر امام حسین (علیه السلام)، با وجود حاکمی مثل یزید، باید فاتحه اسلام را خواند: «عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَأْعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ».<sup>۲</sup>

۶۸. آیا امام حسین (علیه السلام) می دانستند شهید می شوند؟ در این صورت آیا

اللَّهُ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا - دیشب بعد از آنکه از تو جدا شدم، رسول خدا ﷺ نزد من آمد و فرمود: ای حسین! خارج شو، همانا خداوند خواسته است تو را کشته ببیند... و همانا خداوند چنین خواسته که خانواده ام را نیز اسیر و گرفتار بنگرد. [اللهوف، ص ۶۵]

۱. معاویه در وصیت خود به یزید، برای نوع رفتار با چند نفر سفارش کرد، از جمله: امام حسین (علیه السلام)، عبد الله بن زبیر و عبد الله بن عمر. او درباره امام حسین (علیه السلام) سفارش کرده بود که در ظاهر احترام ایشان را نگهدارد و موجب آزارشان نشود. [ر.ک: امالی]

الصدوق، ص ۱۵۱؛ تذکرة الخواص، ص ۲۱۲]

۲. اللهوف، ص ۲۴: «باید فاتحه اسلام را خواند و با آن وداع گفت، آن گاه که جامعه و مردم، به زمامداری همانند یزید، دچار شوند.»



حرکت به سمت کربلا نوعی به مهلکه انداختن خویش نیست؛ در حالی که در قرآن داریم: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»؟

ح حضرت امام حسین علیه السلام می دانستند که انتهای این حرکت عدالت خواهانه و ظلم ستیزانه، شهادت است،<sup>۲</sup> لکن چون حفظ دین که اعظم فرائض الهی و مقدم

<sup>۱</sup> بقره، ۱۹۵: «و خود را با دست خود به هلاکت نیفکنید.»

<sup>۲</sup> دلایل زیادی مبنی بر آگاهی امام از مسئله شهادت وجود دارد. توجّه به سه دلیل زیر که از جمله مسائل روشن در قیام حسینی علیه السلام است، انسان را به یقین می رساند که امام علیه السلام از شهادت خود با خبر بودند:

**الف) علم امامت:** آن حضرت در آغاز حرکت از مدینه و سپس در مکه، به افراد مختلف، مانند محمد حنفیه، عمر بن علی، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس، ام سلمه و... نتیجه و ختم این حرکت به شهادت را متذکر شدند. مثلاً وقتی ام سلمه، حضرت را از حرکت باز می دارد، حضرت می فرماید: «يَا أُمَّاهُ وَأَنَا وَاللَّهِ أَغْلَمُ ذَلِكَ وَإِنِّي مَقْتُولٌ لَأَ مَحَالَةٍ وَلَا لِي مِنْ هَذَا بُدٌّ وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَعْرِفُ الْيَوْمَ الَّذِي أُقْتَلُ فِيهِ وَأَعْرِفُ مَنْ يَقْتُلُنِي وَأَعْرِفُ الْبُقْعَةَ الَّتِي أُدْفَنُ فِيهَا وَإِنِّي أَعْرِفُ مَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَقَرَابَتِي وَشِيعَتِي - مادر جان! به خدا سوگند من نیز این را می دانم. من به ناچار کشته خواهم شد و گریزی نیست. به خدا سوگند آن روزی را که در آن کشته می شوم و نیز کسی که مرا می کشد و مکانی که در آن دفن می شوم همه را می شناسم و نیز کسانی که از خاندان و نزدیکان و پیروانم کشته می شوند، می شناسم.» [بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۱؛ همچنین ر.ک: ۱۰۰]

۱۰۰ مشارق انوار الیقین، ص ۱۳۷؛ کشف العمه، ج ۲، ص ۲۹؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۶۰ [ب) اخبار غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام: علاوه بر علم امامت، اخبار غیبی که از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده بود و افراد مختلفی از آن اطلاع داشتند، نیز مؤید اطلاع آن حضرت از شهادت است. ر.ک: کامل التّیارات، ص ۶۸ تا ۷۲؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۸؛ امالی الطوسی، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ کفایة الاثر، ص ۱۸۸؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۱؛ مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی) ج ۱، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷؛ تاریخ

بر هر امری است، متوقف بر انجام این حرکت بزرگ بود، آن را با تمام وجود پذیرا شدند؛ چنان که مسئله اسارت آل الله ﷺ را هم که استمرار این حرکت بزرگ بود، می دانستند.<sup>۱</sup> قاعده امر به معروف و نهی از منکر نیز اقتضا می کرد که چنین قیام و

مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۹۳؛ *امناع الإسماع*، ج ۱۲، ص ۲۳۸ و... همچنین در دعای روز سوم شعبان از امام عسکری ﷺ می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوَلَادَتِهِ - خداوندا از تو می خواهیم به حق مولود این روز، کسی که قبل از ولادت او، به شهادتش وعده داده شده...» [مصابیح المتهجد، ج ۲، ص ۸۲۶]

ج) پیش بینی روشن: نه تنها امام حسین ﷺ (با علم امامت، اخبار غیبی، درایت و...) از نتیجه چنین حرکتی آگاه بودند، بلکه با بررسی نصایح کسانی که خود را به اصطلاح مشفق و ناصح برای امام ﷺ می دیدند، به این نتیجه می رسیدیم که ختم این مسیر به شهادت، پیش بینی پذیر بود و مسلماً مطلبی که برای محمد حنفیه، عبد الله بن عباس، عبد الله بن عمر، ابن زبیر و امثال آنها و حتی زنان بنی عبدالمطلب در مدینه و مکه روشن بود، برای امام ﷺ از اوضح واضحات است. [ر.ک: *الإرشاد*، ج ۲، ص ۳۴؛ *اللهوف*، ص ۳۱؛ *مقتل الحسين* (الخوارزمی)، ج ۱، ص ۲۷۱؛ *الفتوح*، ج ۵، ص ۲۲؛ *کامل الزیارات*، ص ۹۶؛ *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۱۶۱؛ *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۵۴ و...] علیرغم همه نصیحت ها، وقتی امام حسین ﷺ ملاحظه فرمودند که آنها فقط تا چند قدم آن طرف تر را می بینند و نگاهی به وسعت نگاه امام تا قیامت ندارند، نکته ای فرمودند که همه نصایح را جواب گو باشد. فرمودند رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که من می فرمودند: «يَا حُسَيْنُ اخْرُجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَكَ قَتِيلًا ... إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا.» [اللهوف، ص ۶۵ و نیز ر.ک: *بحار الأنوار*، ج ۴۴، ص ۳۳۱؛ *تسلیة المجالس*، ج ۲، ص ۱۵۵]

۱. آن حضرت بارها می فرمودند که خانواده ایشان نیز اسیر خواهند شد. مثلاً در گفتگوی خود با ام سلمه، فرمودند: «يَا أُمَّاهُ قَدْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرَانِي مَقْتُولًا مَذْبُوحًا ظُلْمًا وَ عُدُوَانًا وَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَى حَرَمِي وَ رَهْطِي وَ نِسَائِي مُشْرَدِّينَ وَ أَطْفَالِي مَذْبُوحِينَ مَظْلُومِينَ

اسارتی صورت گیرد:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup>

۶۹. در واقعه کربلا، چه کسی پیروز شد؟ چگونه می توان گفت امام حسین علیه السلام پیروز این مبارزه بودند، با اینکه حضرت و تمامی یارانشان به شهادت رسیدند و خانواده ایشان به اسارت رفتند؟

ح در راه رسیدن به هر موفقیتی باید سختی هایی را متحمل شد. فردی پس از شهادت امام حسین علیه السلام از امام سجاد علیه السلام پرسید: در کربلا چه کسی پیروز شد؟ حضرت فرمودند: اگر خواستی بدانی چه کسی پیروز شد، موقع نماز، اذان و اقامه بگو.<sup>۲</sup> کنایه از اینکه امام حسین علیه السلام پیروز شدند، زیرا به هدف خود که احیای اسلام راستین بود، دست یافتند و تاریخ نیز نشان داد که شهادت امام حسین علیه السلام چگونه موجب احیای اسلام حقیقی و نابودی بنی امیه شد.

---

مَأْسُورِينَ مُقَيَّدِينَ وَ هُمْ يَسْتَعِينُونَ فَلَا يَجِدُونَ نَاصِرًا وَلَا مُعِينًا [بِجَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۴۴، ص ۳۳۱؛ همچنین ر.ک: اللهوف، ص ۶۵؛ إنبات الوصية، ص ۱۶۶؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۶۱ و...]

۱. [الكافي، ج ۴، ص ۷۴] شهادت می دهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به معروف امر کرده و از منکر و زشتی نهی کردی.

۲. [امالی الطوسی، ص ۶۷۷: «لَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ بَنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) اسْتَقْبَلَهُ إِبرَاهِيمُ بْنُ طَلْحَةَ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ، وَقَالَ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، مَنْ غَلَبَ وَهُوَ مُعْطًى رَأْسُهُ، وَهُوَ فِي الْمَحْمِلِ. قَالَ: فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ وَدَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَادِّنْ ثُمَّ أَقِمْ»]

## ۷۰. نقش زنان و اهل و عیال امام حسین علیه السلام در قیام و نهضت عاشورا چگونه

بود؟

ح سارت زنان و عیال امام حسین علیه السلام، موجی را که آن حضرت برای بقای تشیع در کربلا ایجاد کردند، ادامه داد و در جهان اسلام، سراسری کرد. خطبه‌ها و افشاگری‌های حضرت زینب علیها السلام و سایر اهل بیت در کوفه، دارالاماره، شام و دربار یزید، بهترین گواه این مدّعاست.<sup>۱</sup>

## ۷۱. چرا امام حسین علیه السلام از نیروهای غیبی مانند ملائکه و اجنه، برای از

بین بردن یزید و یزیدیان استفاده نکردند؟

ح سنّت الهی بر این است که کلیّه امور روی جریان طبیعی باشد و خرق عادت، یک استثناء است که در برخی از موارد، ضرورت دارد و در غیر آن، امور بر اساس جریان طبیعی، سیر خود را انجام می‌دهد؛ تا انسان‌ها بر طبق اختیار، حق را برگزیده و باطل را کنار زنند. چنان که امام حسین علیه السلام طبق برخی نقل‌ها، در پاسخ به گروهی از اجنه که قصد کمک به ایشان را داشتند، فرمودند: اگر من در وطن خود بمانم، این مردم چگونه امتحان شوند؟ و هنگامی که اجنه به آن حضرت عرض کردند: اگر اراده کنید، همه دشمنان شما را نابود می‌کنیم، آیه شریفه **﴿لِيَهْلِكَ مَنْ**

---

۱. حضرت زینب علیها السلام در دربار یزید، خطاب به او فرمودند: **«كَيْدُكَ وَاجْهَدْ جُهْدَكَ فَوَ اللَّهُ الَّذِي شَرَفْنَا بِالْوَحْيِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبُوَّةِ وَ الْإِنْبِیَاةِ لَا تُدْرِكُ أَمَدًا وَ لَا تَبْلُغُ غَايَةً وَ لَا تَمُوتُ دِكْرًا - هر کید و مکر و هر سعی و تلاشی که داری به کار بند، سوگند به خدایی که ما را به وحی و کتاب و نبوت شرافت بخشید، هرگز نمی‌توانی یاد و نام ما را محو کنی.»** [الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۹]

هَلَكَ عَنْ يَّتِيَّةٍ وَيَحْيَى مَن حَيٍّ عَنْ يَّتِيَّةٍ<sup>۱</sup> را تلاوت کردند و فرمودند: ما بر انجام این کار از شما تواناتریم، اما خداوند متعال اراده کرده است تا هر که هلاک می‌شود از روی حجت و برهان هلاک گردد و کسی که باید زنده باشد، با دلیلی واضح زنده بماند.<sup>۲</sup>

**۷۲. اساساً با توجه به سابقه منفی مردم کوفه در خیانت به امیرالمؤمنین و امام حسن علیه السلام، چرا باز کوفه مورد توجه امام حسین علیه السلام بود؟**

ح اولاً کوفه در بیست سال پس از امیرالمؤمنین علیه السلام تغییر کرده بود و ثانیاً دعوت کوفیان<sup>۳</sup> و تأیید مسلم از مساعد بودن اوضاع،<sup>۱</sup> از جمله عوامل حرکت

۱. انفال، ۴۲: «تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد.»

۲. *اللهوف*، ص ۶۷ و ۶۸؛ *الهداية الكبرى*، ص ۲۰۷؛ *بهار الأنوار*، ج ۴۴، ص ۳۳۰؛ همچنین برخی از ملائکه برای کمک و یاری امام حسین علیه السلام در کربلا نازل شدند، اما حضرت کمک ایشان را نپذیرفتند و آنان باز گشتند: «إِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ لَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَرَجَعُوا فِي الْأَسْتِثْدَانِ فَهَبَطُوا وَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبُرٍ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَئِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ الْمَنْصُورُ» [کامل الزیارات، ص ۸۴]

۳. پس از حضور امام حسین علیه السلام در مکه و اطلاع مردم عراق از امتناع آن حضرت در بیعت با یزید، سیل نامه‌های کوفیان به سوی آن حضرت سرازیر شد. [المرشاد، ج ۲، ص ۳۶؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۱] و اولین نامه‌ها که در اواخر شعبان نوشته شده بود، در دهم ماه رمضان به دست حضرت رسید [بهار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۳]. تعداد نامه‌ها بسیار زیاد بود، به گونه‌ای که بزرگان، تعداد آن نامه‌ها را تا روزی ششصد نامه و مجموعاً بیش از دوازده هزار نامه نوشته‌اند! [اللهوف، ص ۳۵؛ منیر الأحرار، ص ۲۶] که برخی از آنها را چندین نفر یا جمعیتی از افراد نوشته بودند. در برخی از نامه‌ها، حتی

به سمت این شهر بود.

۷۳. در حادثه عظیم عاشورا می بینیم که حرّ بن یزید ریاحی ابتدا گناهی بسیار بزرگ مرتکب شد و راه را به امام زمان خویش بست، ولی پس از آن و با فاصله کمی مشاهده می کنیم که توفیق توبه یافته و توانست موجبات رضایت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و نیز خشنودی و رضایت خداوند متعال را فراهم آورده و به فیض عظیم شهادت با آن کیفیت خاص نایل آید. حال این سؤال در ذهن پدیدار می شود که چه سرّی در زندگانی حرّ نهفته است که از میان آن همه لشکر دشمن که بسیاری از آنها مرتکب گناهی در حدّ او نشده بودند، فقط او توانست توفیق توبه بیابد و راه را پیموده و به مقصد برسد؟

ح این توفیق توبه برای حر که یکی از جذبه های خدای متعال است، قطعاً زمینه ای داشته است و من خیال می کنم آن احترام به حضرت زهرا علیها السلام باعث نجات او شد، وقتی که امام حسین علیه السلام در حین شقاوت حر، به وی فرمودند: «تَكِلْكَ أُمُّكَ» و او جواب داد: نمی توانم اسم مادرت را بیاورم.<sup>۲</sup> اصولاً از روش و رویه حرّ فهمیده می شود که محبت اهل بیت علیهم السلام در عمق جان او نهفته بوده

---

تعداد افراد آماده برای همراهی با حضرت، صد هزار نفر و بیشتر ذکر کرده اند. [مشیر

الاحزان، ص ۲۶]

۱. ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۷۱؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۶۷؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۱؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۴.

۲. ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۸۰؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۹؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۷۰؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۴.

است.<sup>۱</sup>

۷۴. آیا واقعه کربلا، یک امتحان و آزمایش الهی برای امام حسین (علیه السلام) و امت بود؟ اگر چنین است، آیا این گونه امتحانات سخت، باز هم برای امت اسلامی خواهد بود؟

ح قضیه کربلا هم برای امام حسین (علیه السلام) و خاندان ایشان و هم برای امت اسلامی، آزمایش الهی بود که امام حسین (علیه السلام) و عیال ایشان از آن سربلند بیرون آمدند، ولی عموم مردم و دشمنان، شکست خوردند.<sup>۲</sup> در هر زمان نیز به گونه‌ای آزمایش‌ها و امتحانات الهی، وجود دارد.

قال الله تعالى: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»<sup>۳</sup>

---

۱. از جمله وقایع عجیبی که نشانگر عمق ارادات و محبت حرّ به اهل بیت (علیهم السلام) است، نوع رفتار حرّ و لشکر تابع او حین برخورد با امام حسین (علیه السلام) در منطقه ذوحسم است. هنگام ظهر، وقتی امام (علیه السلام) آماده نماز ظهر شدند، حر و لشکریان او نیز که برای جنگ با امام حسین (علیه السلام) آمده بودند، به حضرت اقتدا کردند و نماز ظهر و عصر را به جماعت و با امامت امام حسین (علیه السلام) اقامه کردند! [الفتوح، ج ۵، ص ۷۶؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۷۹؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۷۰؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۳]

۲. فاطمه صغری دختر امام حسین (علیه السلام) در خطبه خود در کوفه فرمودند: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ ابْتَلَانَا اللَّهُ بِكُمْ وَابْتَلَاكُمْ بِنَا فَجَعَلَ بَلَاءَنَا حَسَنًا - ما اهل بیتی هستیم که خداوند ما را به شما آزمود و شما را به وسیله ما مورد آزمایش قرار داد؛ پس اهل بیت از این امتحان رو سفید و موفق در آمدند.» [الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۲]

۳. عنکبوت، ۲: «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

## ۷۵. جایگاه صبر در واقعه کربلا چگونه است؟

ح واقعه کربلا، از ابتدا تا آخر، تبلور صبر و استقامت بود. صبر امام حسین علیه السلام<sup>۱</sup>، صبر یاران و اصحاب، صبر حضرت زینب علیها السلام، صبر خانواده و فرزندان در اسارت. یقیناً بدون صبر، این جانفشانی‌ها و این حرکت بزرگ، امکان‌پذیر نبود و سراسری نمی‌شد.

## ۷۶. چگونه می‌توان شعائر حسینی را در این زمان برپا و زنده نگه داشت؟

ح با التزام عملی به دستورات آن حضرت و سایر حضرات معصومین علیهم السلام<sup>۲</sup>، همچنین با عزاداری در ایام مصیبت و برپایی جشن و شادی در موالید معصومین و

---

۱. امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه در عظمت صبر امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «وَقَدْ عَجَبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ - ملائکه آسمان‌ها، از صبر و استقامت تو در شگفت شدند.» [المزار الکبیر، ص ۵۰۴]

۲. امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود فرمودند: «يَا حَيِّمَةُ أُبْلِغُ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَأَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ... رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرًا يَا حَيِّمَةُ أُبْلِغُ مَوَالِينَا أَنَا لَا نُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ وَأَتُهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَأَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ - ای خیمه، هر کدام از دوستان ما را که دیدی سلام برسان و به آنها سفارش کن به تقوی خدای بزرگ ... خدا رحمت کند بنده‌ای را که کار ما را زنده دارد. ای خیمه، به دوستان ما این پیغام را برسان که ما از طرف خدا، هیچ کار و چاره‌ای برای شما نتوانیم جز به عمل و کردار خوب شما؛ به راستی که آنها به دوستی و ولایت ما نرسند جز با ورع و پارسائی. همانا افسوس‌خورتر مردم در روز رستاخیز کسی است که عدالت و داد را برای دیگران شرح دهد و خودش به خلاف آن کار دیگری کند.» [الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵]



اعیاد،<sup>۱</sup> مخصوصاً اهتمام به عید غدیر که از شعائر مهم است و باید همیشه باشد و بزرگداشت آن از افضل اعمال است. البته باید از افراط‌گری‌ها پرهیز شود، زیرا موجب وهن تشیع است و شعار نیست.

---

۱. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا - خداوند تبارک و تعالی بر زمین نظری افکند و ما را برگزید و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری کنند و به شادی ما شاد باشند و به خاطر اندوه ما اندوهگین گردند.» [المخاض، ج ۲، ص ۶۳۵] همچنین امام صادق (علیه السلام) درباره اهمیت برگزاری مجالس ذکر و یاد اهل بیت (علیهم السلام)، به یکی از اصحاب خود به نام فضیل فرمودند: «تَجَلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحَبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا - شما در جلسات می‌نشینید و گفتگو می‌کنید؟ گفت: آری فدایت شوم. حضرت فرمودند: این گونه مجالس را دوست دارم، ای فضیل! امر ما را زنده کنید؛ خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند.» [قرب الاسناد، ص ۳۶]

۷۷. آیا این روایت که گفته شده: «کَلَّ يَوْمَ عاشورا و کَلَّ ارض کربلا» صحیح است؟ در صورت صحّت، آیا با روایت «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ» تضادّی ندارد؟

چنین روایتی را در منابع ندیده‌ام؛ ولی جمله خوبی است و کنایه از پیروی همیشگی از امام حسین (علیه السلام) است. همچنین این عبارت، نشان‌دهنده تداوم تقابل حقّ و باطل است.<sup>۱</sup> البته این جمله، کاهنده عظمت وقایع عاشورا نیست و باعث نمی‌شود که منحصر به فرد بودن مصیبت امام حسین (علیه السلام) در عاشورا، زیر سؤال برود؛ زیرا اساساً مفهوم و معنای آن، ربطی به معنای آن روایت که می‌فرمایند: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>، ندارد.

۷۸. آیا این دو مطلب صحیح است:

الف) عبدالله بن جعفر (شوه‌ر حضرت زینب (علیها السلام)) وقتی حضرت زینب (علیها السلام) را دید، به خاطر مصیبت‌هایی که بر ایشان وارد شده بود و تغییرات چهره این بزرگوار، در ابتدا ایشان را نشناخته است.

ب) در شب عاشورا، اصحاب شخصی را در تاریکی شب دیدند که خارهای بیابان را جمع می‌کند، وقتی نزدیک رفتند، دیدند که اباعبدالله (علیه السلام) است.

---

۱. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمود: قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده، همه زمین‌ها باید این نقشه را اجرا کنند و همه روزها غفلت نکنند. [صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۳]

۲. امالی الصدوق، ص ۱۱۶: وقتی امام مجتبی (علیه السلام) شدّت ناراحتی امام حسین (علیه السلام) از مسموم شدن ایشان را می‌بینند، خطاب به برادر خود می‌فرمایند: «ای اباعبدالله! هیچ روز تلخی، مانند روز شهادت تو نیست.»

علّت را که جویا شدند، ایشان فرمودند: فردا همه ما شهید می‌شویم و زنان و کودکان را به اسیری می‌برند، پاهای آنان طاقت خارهای بیابان را ندارد.


این گونه چیزها را لازم نیست بدانیم و همچنین لازم نیست رد کنیم.

## زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا

### ۷۹. چرا بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام تأکید زیادی شده است؟

ح امام حسین علیه السلام هرچه داشتند در راه خدا و دین خدا، ایثار کردند و وجود مقدس ایشان، علت مبقیه اسلام است؛ از این جهت، خصوصیتی دارند، از جمله این که زیارت ایشان برای حفظ دین و بقاء ولایت و تأیید تشیع، بهتر از همه زیارات است و در روایات، به خصوص در ایام و لیالی خاص مانند شب قدر، شب نیمه شعبان، روز عرفة، شب عید فطر و قربان، تأکید فراوانی بر زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام شده است.<sup>۱</sup>

---

۱. کتاب المنار، ص ۴۹ و ۵۰: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَلَيْلَةَ الْفِطْرِ وَلَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَلْفَ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَقَضَيْتَ لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» همچنین در برخی از روایات فرموده اند: زیارت قبر امام حسین علیه السلام مانند زیارت خداست: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ.» [کامل الزیارات، ص ۱۴۷] یا فرموده اند هر که امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند، ثوابی معادل هزارها حج و 

۸۰. اینکه در روایات فرموده‌اند کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند مانند

آن است که خداوند را در عرش زیارت کرده باشد،<sup>۱</sup> به چه معنایی است؟

ح نوعی تشبیه و کنایه است، در حقیقت عظمت و ارزش زیارت را نشان می‌دهد.

۸۱. در زیارت امام حسین علیه السلام چه خصوصیتی وجود دارد که این همه ثواب برای آن بیان می‌شود؟ مثلاً در روایات آمده «زیارت قبر امام حسین مانند زیارت خداست»<sup>۲</sup> یا فرموده‌اند کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند ثوابی معادل هزارها حج و عمره دارد<sup>۳</sup> و...؟

ح بیشتر این روایات ترغیب و تحریص به زیارت است. به تعبیر استاد بزرگوار ما حضرت امام خمینی ره دانه می‌ریزند تا کبوتر بگیرند. مردم با تشویق شدن به زیارت، به‌خصوص زیارت امام حسین علیه السلام، به‌سوی ولایت حرکت می‌کنند.

---

ح عمره دارد: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ حَتَّى يَظْلَ عِنْدَهُ بَاكِياً لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ أَلْفِ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ أَلْفَى أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ ثَوَابُ كُلِّ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ كَثُوبٍ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ غَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَعَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» [بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۰]

۱. ر.ک: کامل الزیارات، ص ۱۴۷ تا ۱۴۹.

۲. المزار الکبیر، ص ۳۲۵: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ - کسی که قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار شطّ فرات زیارت کند، مانند آن است که خدای سبحان را در بالای عرش زیارت کرده باشد.»

۳. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۰.

زیارت امام حسین علیه السلام هم مظهر توّلی است و هم تبرّی. همچنین زیارت ایشان و انس و ارتباط با آن حضرت، فضائل اخلاقی و صفات نیکوی انسانی مانند صبر، گذشت، ایثار و فداکاری را در وجود شیعیان، نهادینه می‌کند.

**۸۲. صفاتی که در برخی روایات یا زیارات، به یک امام مشخص نسبت داده شده است، آیا شامل همهٔ معصومین علیهم السلام می‌شود؟ مثلاً آیا زیارت وارث یا زیارت امین‌الله را می‌شود در زیارت همهٔ معصومین علیهم السلام خواند؟**

✍ کلیهٔ زیاراتی که برای ائمهٔ طاهرين علیهم السلام است، اشکال ندارد که برای دیگری خوانده شود، مانند زیارت امین‌الله و جامعه، مگر یک خصوصیتی در آن زیارت باشد که مختص به یکی از حضرات معصومین علیهم السلام باشد، نظیر زیارت عاشورا و زیارت وارث که مخصوص امام حسین علیه السلام است.

**۸۳. محدودهٔ حرم سیدالشهداء علیه السلام در زمان فعلی کجا است؟**

✍ حرم کلیهٔ ائمهٔ طاهرين علیهم السلام آنجاست که ابدان مطهر آنها دفن است و رواق‌های متصل به آنها و هر رواقی که به آن اضافه شود، جزو حرم نیست و احکام حرم را ندارد، ولی مربوط به آن امام علیه السلام است.

**۸۴. با اینکه خلفا و حکام ستمگر، طی دوران مختلف، چندین مرتبه حرم حضرت سیدالشهداء علیه السلام را با خاک یکسان کرده و به آب بستند،<sup>۱</sup> آیا مکان**

---

<sup>۱</sup>. متوکل عباسی به خاطر دشمنی و کینه‌توزی شدیدی که با اهل بیت علیهم السلام داشت، قبر امام حسین علیه السلام را به آب بست، آنجا را شخم زد و حتی دستور داد در آنجا کشت و کار و زراعت شود. [ر.ک: *أمالی الطوسی*، ص ۳۲۵؛ *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۶۴؛ 📖

حرم مطهر و قبر کنونی، جایگاه اصلی و مدفن حضرت امام حسین علیه السلام است؟  
از چه راهی این مطلب اثبات می شود؟

ح ائمه طاهرين عليهم السلام، قبور مطهر ائمه قبله را عملاً امضا فرموده و رفت و آمد در آن امکنه مبارکه داشته اند<sup>۱</sup> و این بهترین دلیل است.

---

بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۰۱؛ تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۱۸۵؛ مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۸؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۵۵؛ البدایه و النّهایه، ج ۱۰، ص ۳۴۷

<sup>۱</sup> گرچه از سوی دشمنان در طول تاریخ، جسارت های فراوانی به مزار شریف حضرت اباعبدالله علیه السلام شده است، اما همواره در پی هر تخریبی، تجدید بنایی صورت گرفته و همیشه زیارت امام حسین علیه السلام کم و بیش رواج داشته است. [ر.ک: تسلیه المجالس، ج ۲، ص ۴۷۳] پیش از تخریب بارگاه حسینی توسط امثال هارون یا متوکل، این مرقد نورانی دارای سقف و حصار بوده است و پس از آنان نیز به سرعت آن بیوت الهی، تجدید بنا می شدند. در برخی از روایات از حضرات معصومین علیهم السلام آمده است که وقتی به درب فلان رسیدید، این زیارت را بخوانید یا با پای راست وارد حائر شوید یا دعا تحت قبه مستجاب است و...، همه این موارد نشانگر وجود بارگاه و مقبره مشخص برای امام حسین علیه السلام است. علاوه بر این ها، امام هادی علیه السلام که در زمان متوکل و پس از او در قید حیات بودند، وقتی بیمار شدند، فردی را برای استشفاء، به سوی حائر حسینی علیه السلام روانه کردند تا برای شفای آن حضرت، نزد قبر امام حسین علیه السلام دعا کند. [الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷]. درباره قبر امیرالمؤمنین علیه السلام نیز شواهد فراوانی بر صحیح بودن محل قبر آن حضرت وجود دارد، از جمله زیارت امین الله که توسط امام سجّاد و امام باقر علیهم السلام نزد قبر آن حضرت خوانده می شده است. [کامل الزیارات، ص ۳۹؛ همچنین ر.ک: فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام؛ چنان که از نام این کتاب هویدا است، درباره تثبیت و تأیید مکان دفن امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف تألیف شده است.]

۸۵. بعضی می‌گویند: «قبل از اذان صبح در حرم امام حسین علیه السلام بوی سیب به

مشام می‌رسد» آیا این مطلب صحیح است؟

ح در برخی از روایات نظیر این مطلب آمده است،<sup>۱</sup> لکن این مسئله مربوط

۱. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۳۶۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۹۱: «أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ دَخَلَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرِئِلُ فَجَعَلَا يَدُورَانِ حَوْلَهُ يُشَبِّهَانِهِ بِرَحِيَةِ الْكَلْبِيِّ فَجَعَلَ جَبْرِئِلُ يَوْمِي بِيَدِهِ كَالْمُتَنَاوِلِ شَيْئًا فَإِذَا فِي يَدِهِ تَفَاحَةٌ وَ سَفْرَجَلَةٌ وَ رُمَانَةٌ فَتَنَاوَلَهُمَا وَ تَهَلَّلَ وَ جَهِاهُمَا وَ سَعَا إِلَى جَدِّهِمَا فَأَخَذَ مِنْهُمَا فَشَمَهُمَا ثُمَّ قَالَ صِيرَا إِلَيَّ أُمُكُمَا بِمَا مَعَكُمَا وَ ابْدِءَا بِأَبْيَكُمَا فَصَارَا كَمَا أَمَرَهُمَا فَلَمْ يَأْكُلُوا حَتَّى صَارَ النَّبِيُّ إِلَيْهِمْ فَأَكَلُوا جَمِيعًا فَلَمْ يَزَلْ كُلُّمَا أَكَلَ مِنْهُ عَادَ إِلَيَّ مَا كَانَ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَلَمْ يَلْحَقْهُ التَّغْيِيرُ وَ التَّفْصَانُ أَيَّامَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى تُوَفِّيَتْ فَلَمَّا تُوَفِّيَتْ فَقَدْنَا الرُّمَانَ وَ بَقِيَ التَّفَاحُ وَ السَّفْرَجَلُ أَيَّامَ أَبِي فَلَمَّا اسْتَشْهَدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَدَ السَّفْرَجَلُ وَ بَقِيَ التَّفَاحُ عَلَيَّ هَبَيْتِهِ عِنْدَ الْحَسَنِ حَتَّى مَاتَ فِي سُمِّهِ وَ بَقِيَ التَّفَاحَةُ إِلَيَّ الْوَقْتُ الَّذِي حُوصِرْتُ عَنِ الْمَاءِ فَكُنْتُ أَشْمُهَا إِذَا عَطِشْتُ فَيَسْكُنُ لَهَبُ عَطَشِي فَلَمَّا اشْتَدَّ عَلَيَّ الْعَطَشُ عَضَضْتُهَا وَ أَفْتَقْتُ بِالْفَنَاءِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَمِعْتُهُ يَقُولُ ذَلِكَ قَبْلَ مَقْتَلِهِ بِسَاعَةٍ فَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَجَدَ رِيحَهَا فِي مَصْرَعِهِ فَالْتَمَسَتْ وَ لَمْ يَرِ لَهَا أَثَرٌ فَبَقِيَ رِيحُهَا بَعْدَ الْحُسَيْنِ وَ لَقَدْ زُرْتُ قَبْرَهُ فَوَجَدْتُ رِيحَهَا تَفُوحُ مِنْ قَبْرِهِ فَكُنْ أَرَادَ ذَلِكَ مِنْ شَيْعَتِنَا الزَّائِرِينَ لِلْقَبْرِ فَيَلْتَمِسُ ذَلِكَ فِي أَوْقَاتِ السَّحَرِ فَإِنَّهُ يَجِدُهُ إِذَا كَانَ مُخْلِصًا - روزی امام حسن و امام حسین علیه السلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند، در حالی که جبرئیل هم نزد رسول خدا بود. آن‌ها، جبرئیل را به «دحیه کلبی» تشبیه کرده و دور او می‌چرخیدند. جبرئیل هم چیزی در دست داشت و اشاره می‌کرد. دیدند که در دست جبرئیل یک سیب، یک گلابی و یک انار است. آن‌ها را به «حسنین» داد. آن دو خوشحال شدند و با شتاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله دویدند. پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را گرفت و



به کسانی است که شامۀ آنها حسینی است و به واسطۀ اتّصال به ولایت، به مقاماتی رسیده و به درجاتی دست یافته باشند؛ همچنان که در همان روایات به این مطلب تصریح شده که: «فَإِنَّهُ يَجِدُهُ إِذَا كَانَ مُخْلِصًا».

۸۶. اگر انسان خود را در زیارتگاه‌های ائمه علیهم‌السلام به زمین بیندازد و همانند بعضی از مردم که صورت و سینه خود را بر زمین می‌مالند تا از آن خون جاری شود و به همان حالت وارد حرم می‌شوند، عمل کند، چه حکمی دارد؟  
 ✎ جایز نیست و مسلماً ائمه علیهم‌السلام به این گونه امور رضایت نمی‌دهند.

✎ بویید و فرمود: نزد پدر و مادران ببرید. آن دو نیز چنان کردند. میوه‌ها را نخوردند تا آنکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم نزد آنان رفت و همگی از آن‌ها خوردند، ولی هر چه می‌خوردند، میوه‌ها باز باقی بود. تا آنکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از دنیا رفت. امام حسین علیه‌السلام نقل می‌کنند که در ایام حیات مادران فاطمه علیها‌السلام تغییری در میوه‌ها پیش نیامد، تا آنکه فاطمه علیها‌السلام از دنیا رفت، انار ناپدید شد و سیب و گلابی مانده بود. با شهادت علی علیه‌السلام گلابی هم ناپدید شد و سیب به همان حالت باقی ماند. امام حسن علیه‌السلام مسموم و شهید شد و سیب همچنان باقی بود تا روزی که (در کربلا) آب را به روی ما بستند. من هرگاه تشنه می‌شدم آن را می‌بوییدم، سوز عطش من تسکین می‌یافت. چون تشنگی‌ام شدت یافت، بر آن دندان زدم و دیگر یقین به مرگ پیدا کرده بودم. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: این سخن را پدرم یک ساعت قبل از شهادتش فرمود. چون شهید شد، بوی سیب در قتلگاه به مشام می‌رسید. دنبال آن گشتیم و اثری از سیب نبود، ولی بوی آن پس از حسین علیه‌السلام باقی بود. قبر حسین علیه‌السلام را زیارت کردم و دیدم بوی آن سیب از قبر او به مشام می‌رسد. پس هر یک از شیعیان ما که زیارت می‌کنند، اگر بخواهند آن را حس کنند، هنگام سحر در پی زیارت بروند که اگر مخلص باشند، بوی آن سیب را استشمام می‌کنند.»

۸۷. در حکومت اسلامی گاهی اجازه قانونی تردد به کشور عراق داده نمی‌شود، اگر کسی برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام از طرق دیگر اقدام کرد، آیا عمل او مورد رضایت خداوند است؟

✍ مخالفت با قوانین جاری هر مملکتی، به خصوص نظام مقدس جمهوری اسلامی، حرام است.

۸۸. با توجه به وجود روایات صحیح درباره فریضه بودن و وجوب زیارت امام حسین علیه السلام، چرا فقهای فعلی، بر وجوب زیارت فتوا نداده‌اند؟ با چه دلایلی و با چه استنادی، روایات زیارت کربلا حمل بر استحباب می‌شود؟

✍ زیارت امام حسین علیه السلام از نظر مراجع و فقها، مستحب است، نه واجب؛ علاوه بر اینکه روایات فراوانی بر استحباب زیارت امام حسین علیه السلام هست.

سیره ائمه دین علیهم السلام و سیره مراجع و علمای بزرگ تشیع و سیره شیعه بر استحباب است، نه وجوب. بلکه در تشیع، استحباب زیارت، امری ضروری است و روایاتی که کلمه وجوب در آنها به کار رفته است، مراد استحباب مؤکد است و همه بزرگان دین، این جمع را پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۰۸ تا ۵۴۲.

## تربت کربلا

۸۹. آیا این مطلب که گفته می‌شود تربت کربلا، موجب شفای دردهاست، معتبر و مستند است؟

حـ      بله صحیح است و در روایات وارد شده است که آن تربت، شفای هر دردی است.<sup>۱</sup>

۹۰. تربتی که به عنوان استشفاء معرفی شده، خاک کربلا است یا خاک حرم حسینی؟

حـ      خاک کربلا، تربت است؛ لکن معلوم است که هرچه نزدیک‌تر به حرم مطهر حسینی علیه السلام باشد، بهتر است.

۹۱. استفاده از تربت امام حسین علیه السلام برای غیر استشفاء مانند قراردادادن در

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۹: «قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ - امام صادق علیه السلام فرمودند: در خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای هر درد است و آن دوی بزرگ‌تر است.»

خانه، ماشین، کفن و سجّاده، به عنوان تبرّک، چه حکمی دارد؟

ح خیلی خوب است و به تجربه اثبات گردیده که تأثیرات فراوانی دارد.

۹۲. آیا خاصیت تربت کربلا، فقط استشفاء است یا خواصّ دیگری هم دارد؟

ح در روایات، علاوه بر شفا، خواصّ دیگری هم برای تربت کربلا ذکر شده است؛ از جمله: محافظت از شرّ ظالم، برکت، برداشتن کام کودک تاره متولد شده برای حفظ و تبرّک او، قرار دادن در کفن میّت برای کمک به او و همراه داشتن برای کسب ثواب.<sup>۱</sup>

۱. راوی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: برای محافظت از شرّ ظالم چه کنم؟ حضرت فرمودند: «إِذَا خِفْتَ سُلْطَانًا أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا تَخْرُجْ مِنْ مَنَزِلِكَ إِلَّا وَ مَعَكَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام - هرگاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد، از منزلت بیرون میا مگر آنکه با تو مقداری از تربت قبر امام حسین علیه السلام باشد.» [کامل الزیارات، ص ۲۸۳]. شخصی به امام رضا علیه السلام عرض کرد من روز عید فطر را با خرما و تربت افطار کردم، حضرت فرمودند: «جَمَعْتَ السُّنَّةَ وَالْبِرَّكَ - با این کار، بین سنت و برکت را جمع کرده‌ای.» [تحف العقول، ص ۴۴۸]؛ همچنین دربارهٔ کودک تازه متولد شده، فرموده‌اند کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید: «حَنِّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ أَمَانٌ» [کامل الزیارات، ص ۲۷۸] و نیز از جمله آداب دفن میّت، آن است که برای نجات از سختی‌های قبر، مقداری از تربت حسینی علیه السلام را در کفن او قرار دهند: «وَيَجْعَلُ مَعَهُ شَيْءٌ مِنْ تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَدْ رَوَى أَنَّهُ أَمَانٌ.» [بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۵۱]. علاوه بر اینها، در روایت آمده است که اگر کسی تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام را همراه داشته باشد، بدون آنکه تسبیح بگوید، برای او ثواب تسبیح نوشته می‌شود: «وَمَنْ كَانَ مَعَهُ سُبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام كُتِبَ مَسْبُحًا وَإِنْ لَمْ يُسَبِّحْ بِهَا.» [من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۸] لازم <sup>۲</sup> به ذکر است که در روایات آمده است که سجده بر تربت قبر امام حسین علیه السلام، از نگاه عرفانی و سیر و سلوک نیز حائز اهمیت است و باعث نابودی حجاب‌های هفت گانه،

۹۳. آیا خاک سایر اماکن متبرّکه و سایر مشاهد مشرّفه مانند نجف اشرف، مشهد الرضا و بقیع، دارای تقدّس می باشد؟ آیا جهت استشفاء می توان آنها را خورد؟

ح این تقدّس خاص، مختص به تربت حسینی علیه السلام است.

۹۴. گفته می شود تربت کربلا در ظهر عاشورا خون آلود می شود، آیا این مطلب صحیح است؟ اگر صحیح است، آیا این خون پاک می باشد؟

ح این گونه امور بعید نیست و جای استبعاد هم ندارد، لکن مشاهده و بلکه شهود این امور مختص به اولیاء الهی است و آنان همان گونه که تسبیح موجودات را می شنوند، آن خون مطهر را هم می بینند و شهود می کنند؛ و آن خون در صورت مشاهده، از نظر فقهی پاک است.

---

می شود: «السُّجُودُ عَلَى ثُرْبَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَحْرِقُ الْحُجُبَ السَّعَ». [مصابح المتهجّد، ج ۲، ص ۷۳۴]

## زیارت عاشورا

۹۵. از زیارات امام حسین علیه السلام کدامیک معتبرتر و از نظر مفاهیم عمیق‌تر است؟

ح در میان زیارات مشترکه و جامعه،<sup>۱</sup> دو زیارت از اهمیت ویژه برخوردار است: یکی «زیارت جامعه کبیره» و دیگری «زیارت امین‌الله» که هر دو بسیار عمیق و پرمحتوا و سرشار از معارف نبوی، علوی، فاطمی و حسینی است و از نظر سند هم دارای اعتبار بسیار است؛ به‌خصوص زیارت امین‌الله که از حیث سند، اعتبار بالایی دارد؛ لکن مضمون هر دو زیارت به‌خوبی حکایت از آن دارد که صادره از معصوم علیه السلام است و لاغیر.<sup>۲</sup> در میان زیارات مخصوصه، «زیارت مقدسه

---

<sup>۱</sup>. زیارات مشترکه، زیاراتی است که برای همه ائمه اطهار علیهم السلام خوانده می‌شود و به یک امام اختصاص ندارد. زیارت جامعه، زیارتی است که با آن هر امام را به تنهایی یا همه ائمه را با هم می‌توان زیارت کرد.

<sup>۲</sup>. زیارت جامعه کبیره، به تعبیر علامه مجلسی رحمه الله، از بهترین و نیز عالی‌ترین زیارت‌ها و معتبرترین آنها از نظر سند، فصاحت و بلاغت و معناست. [بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۴۴] برخی از منابع این زیارت شریف عبارتند از: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۵؛ المزار الکبیر، ص ۵۲۳؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۷۹. همچنین علامه مجلسی رحمه الله زیارت امین‌الله را از جهت سند، یکی از بهترین و صحیح‌ترین صحیح

عاشورا» است که از قدسیّات (احادیث قدسی) و صادره از حق جلّ و علا می‌باشد<sup>۱</sup> و نزد اهل عرفان و ولایت، دارای مرتبه ویژه و مخصوصی است و مداومت بر آن، ولو با یک لعن و یک سلام، اثرات عمیقی در نفس و روح انسان دارد و اهل سیر و سلوک، نوعاً مداومت بر این زیارت دارند.

## ۹۶. آیا زیارت عاشورا معتبر و سنددار است؟ منبع آن چیست؟

سند زیارت عاشورا معتبر است<sup>۲</sup> و بزرگان دین همیشه آن را از زیارات معتبر دانسته‌اند و با همان عباراتی که در مفاتیح و در کتب ادعیه نظیر زادالمعاد،

زیارت‌ها معرفی می‌کنند. [بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۶۹] برخی از منابع این زیارت عبارت است از: کامل الزیارات، ص ۳۹؛ مصباح المتجهّد، ج ۲، ص ۷۳۸؛ المزار الکبیر، ص ۲۸۲؛ فرحة الغری، ص ۴۰ و ۴۳.

درباره هر دو زیارت، تأییدات و تأکیداتی از جانب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده است. [ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۳؛ نجم الثاقب، ج ۲، ص ۵۸۰]

۱. مصباح المتجهّد، ج ۲، ص ۷۸۱؛ المزار الکبیر، ص ۲۱۴.

۲. زیارت عاشورا دست کم از چهار طریق نقل شده است که سه طریق آن به امام باقر علیه السلام و یک طریق به امام صادق علیه السلام می‌رسد:

۲،۱ «مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ» از «صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ» از «مَالِكِ الْجُهَنِيِّ» از امام باقر علیه السلام [کامل الزیارات، ص ۱۷۴]؛

۲،۲ «مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ» از «صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ» از «پدرش»، از امام باقر علیه السلام [مصباح المتجهّد، ج ۲، ص ۷۷۲]؛

۲،۳ «عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضَرَمِيِّ» از امام باقر علیه السلام [مصباح المتجهّد، ج ۲، ص ۷۷۳]؛

۴،۲ «سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ» از «صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ» از امام صادق علیه السلام همراه با دعای پس از زیارت [مصباح المتجهّد، ج ۲، ص ۷۷۷].

مصباح کفعمی، مصباح المهتجد و کامل الزیارات آمده،<sup>۱</sup> صحیح است و این زیارت از اوّل تا آخر، نزد بزرگان تشیع معتبر است و از امتیازات این زیارت آن است که دو رکن تشیع، تولی و تبری را دارد.

۹۷. سلام نمودن بر امام حسین (علیه السلام) در زیارات ایشان به خصوص زیارت

عاشورا، به چه معنایی است؟ آیا ایشان پاسخ سلام را می‌دهند؟

سلام در زیارات، به معنای اظهار ارادت خاضعانه به پیشگاه منور حضرات معصومین (علیهم السلام) است؛ چنان که در زیارت‌ها وارد شده است که: «إِنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَرُدُّ سَلَامِي»<sup>۲</sup> یا در اذن دخول مشاهد مشرفه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَغْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُتَاجَاتِهِمْ»<sup>۳</sup> و البته کسانی هم هستند از اولیاء الهی که جواب و پاسخ سلام را از ائمه هدی (علیهم السلام) می‌شوند. فیهنئاً لهم.

۱. زاد المعاد، ص ۲۳۴؛ المصباح الکفعمی، ص ۴۸۲؛ مصباح المهتجد، ج ۲، ص ۷۷۲؛ کامل الزیارات، ص ۱۷۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۹۵. همچنین در یکی از زیارت‌ها، خطاب به حضرات معصومین (علیهم السلام) می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكُمْ تَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ تَرَوْنَ مَقَامِي وَ تَعْرِفُونَ مَكَانِي وَ تَرُدُّونَ سَلَامِي.» [المنار الکبیر، ص ۲۵۱]

۳. المصباح الکفعمی، ص ۴۷۲.



۹۸. حقیقت معنی «ثار الله» که در زیارت امام حسین علیه السلام آمده چیست؟

ح یعنی خون حضرت سیدالشهداء علیه السلام، از خداوند تعالی است و حضرت حق متعال، ولی آن دم (خون) مطهر است،<sup>۱</sup> چنان که خدای سبحان، این مقام ولایت دم و طلب ثار را به حضرت بقیة الله درجۃ الشرف هم عطا فرموده است.<sup>۲</sup>

۹۹. در زیارت عاشورا می‌خوانیم «وَعَظَمْتَ مُصِيبَتَكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ»، منظور از اهل سماوات چه کسانی هستند؟

ح به حسب ظاهر، مراد ملائکه آسمانی است، لکن اگر کسانی از این مطلب استفاده کنند که منظور، مخلوقات دیگر کرات آسمانی هستند، شاید اشتباه نکرده باشند.

۱۰۰. در زیارت عاشورا می‌خوانیم «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» آیا این جمله را در غیر روز عاشورا هم می‌توان گفت؟

ح در غیر از روز عاشورا گفته می‌شود: «إِنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ».<sup>۳</sup>

---

۱. در یکی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «وَأَتَكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَالدَّمُ الَّذِي لَا يُدْرِكُ ثَارَهُ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَلَا يُدْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ - تو خون خدا در زمین هستی، تو خونی هستی که احدی از اهل زمین نمی‌تواند آن را تقاص کند و کسی غیر از خداوند متعال قادر بر خونخواهی آن نیست.» [کامل‌الزیارات، ص ۲۱۶]

۲. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که خداوند متعال پس از معرفی چهارده نور مقدس، درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «يَا مُحَمَّدُ! هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ وَهُوَ النَّائِرُ مِنْ عِثْرَتِكَ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنَّهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي، وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي.» [مقتضب‌الانوار، ص ۱۱]

۳. بحار‌الانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۲.

۱۰۱. در این عبارت از زیارت عاشورا: «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ»، منظور از «عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ» چه کسی است؟ امام سجاد علیه السلام یا حضرت علی اکبر علیه السلام؟

ح مراد حضرت علی اکبر علیه السلام است.

۱۰۲. اینکه در زیارت عاشورا، با عبارت «وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةَ قَاطِبَةً» همه فرزندان امیه را لعن می‌کنیم یا با عباراتی نظیر «وَالْعَنُ ... آلَ أَبِي سَفْيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» همه فرزندان آن افراد را تا روز قیامت لعن می‌کنیم، آیا شامل فرزندانی از آنان که صالح باشند نیز می‌شود؟ ضمن آنکه فرزندان زمان‌های بعد، نقشی در ظلم به اهل بیت علیهم السلام در آن برهه تاریخی نداشته‌اند!

ح معلوم است که شامل نیکوکاران و صالحان نمی‌شود؛ بلکه منظور، فرزندانی هستند که از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند؛ چنان که در برخی روایات، بر این موضوع تصریح شده است.<sup>۱</sup> به‌طور کلی، هر کس

---

۱. راوی از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا اینکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است امام زمان علیه السلام فرزندان قاتلین کربلا را نیز به عقوبت می‌رساند، صحیح است؟ حضرت تأیید کردند. سپس راوی سؤال می‌کند: چرا این گونه است؟ مگر خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (اسراء، ۱۵) حضرت فرمودند: «صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنْ ذَرَارَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ يَرْضَوْنَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنْمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ - خداوند در تمام گفتارهایش درست گفته است، لکن فرزندان قاتلان حسین علیه السلام»

از کاری راضی باشد، چه آن کار، خوب و نیکو باشد و چه زشت و ناپسند، در آن شریک است.<sup>۱</sup> علاوه بر این، متابعت از هر گروهی، انسان را در شمار همان گروه قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> چنان که قرآن کریم از قول حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»<sup>۳</sup>؛ هر که از من متابعت کند، از من است.

### ۱۰۳. در زیارت عاشورا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ

☞ از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از کاری راضی باشد، مثل کسی است که آن را انجام داده است. اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود؛ به همین علت، قائم علیه السلام در هنگام قیام خود، به خاطر رضایتشان از کردار پدران، ایشان را خواهد کشت. «علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۹]

۱. در اینجا بیان این نکته نیز لازم است که به همین دلیل معمولاً در زیارات حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌خوانیم: «فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ - ای کاش من نیز با شما بودم تا با شما به سعادت و رستگاری می‌رسیدم». [المزار الکبیر، ص ۴۶۵]

۲. الاختصاص، ص ۸۵: فردی از فرزندان عبدالعزیز بن مروان خدمت امام باقر علیه السلام رسید و به شدت گریه می‌کرد. حضرت علت گریه او را پرسیدند. او گفت: چگونه گریان نباشم در حالی که من از خانواده‌ای هستم که در قرآن شجره ملعونه خوانده شده‌اند؟! حضرت فرمودند: «لَسْتَ مِنْهُمْ أَنتَ أُمَوِيٌّ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ أَمْ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَحْكِي عَنْ إِبْرَاهِيمَ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي - تو از آنان نیستی، تو گرچه اموی‌زاده‌ای، اما به علت پیروی از ما، جزو ما خاندان اهل بیت به شمار می‌روی؛ مگر سخن خداوند متعال از قول حضرت ابراهیم علیه السلام را نشنیده‌ای که فرمود: هر که از من متابعت کند، از من است؟»

۳. ابرهیم، ۳۶.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقِي»، منظور از شکر بر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام

چیست؟

ح مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام که از اعظم مصائب است، از الطاف خفیه خداوند تعالی است؛ لذا در حالی که برای آن عزاداری می‌کنیم، همانند حضرت زینب علیه السلام که در اسارت، شاکرانه، رنج مصائب را تحمّل می‌کردند،<sup>۱</sup> شکر لطف خفیه حق را هم به جای می‌آوریم؛ چنان که خود سیدالشهداء علیه السلام هم در قتلگاه، شکر حق را به جای می‌آوردند.<sup>۲</sup>

۱. حضرت زینب علیه السلام در عین حالی که عزادار واقعه کربلا بودند، در موقعیت‌های مختلف، حمد و سپاس الهی را نیز به جای می‌آوردند. مثلاً در کوفه در پاسخ به ابن زیاد که گفته بود خدا را شکر که شما را گشت، فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَطَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيراً وَإِنَّمَا يَنْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» [الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۵] سپس نگاه خود به واقعه عاشورا را چنین توصیف کردند: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَيَّ مَضَاجِعِهِمْ» پس از آن با شجاعت هر چه تمام‌تر، خطاب به ابن زیاد فرمودند: «تَكَلَّشَكَ أُمُّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ» [الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۱۶] همچنین در خطبه خود در برابر یزید، فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَكَمَ لَأَوْلِيَائِهِ بِالسَّعَادَةِ وَحَتَمَ لِأَصْفِيَائِهِ بِالشَّهَادَةِ» [الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۰]

۲. امام حسین علیه السلام در قتلگاه هنگام شهادت، در حالی که روی زمین افتاده و به خون مبارک خود آغشته بودند، می‌فرمودند: «يَا إِلَهِي صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ وَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» [ينابيع المودة، ج ۳، ص ۸۲] راوی در بیان حالت و ظاهر امام علیه السلام در آن لحظات، می‌گوید: «فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ قَطُّ قَتِيلًا مُضْمَخًا بِدَمِهِ أَحْسَنَ مِنْهُ وَلَا أُنُورَ ۞ وَجْهًا وَلَقَدْ شَعَلْنِي نُورُ وَجْهِهِ وَجَمَالُ هَيْئَتِهِ عَنِ الْفِكْرَةِ فِي قَتْلِهِ - به خدا قسم که من کشته خون آلودی را ندیدم که زیباتر از وی یا چهره‌ای نورانی‌تر از او داشته باشد،

۱۰۴. آیا این گفته صحیح است که هر کس چهل روز زیارت عاشورا بخواند،

به زیارت امام حسین علیه السلام نائل می‌شود؟

ح اگر اتصال به مقام ولایت، محکم باشد، حتی یکی از چهل زیارت عاشورا، کار خود را می‌کند؛ لکن صرف قرائت این زیارت، مخصوصاً در چهل روز، مجرب و در مسائل مختلف، مؤثر است.

۱۰۵. نماز زیارتی که همراه زیارت عاشوراست، قبل از خواندن متن زیارت

باید انجام شود یا بعد از خواندن زیارت‌نامه؟

ح اگر بعد از زیارت بخواند، بهتر است.


## ارتباط امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام

۱۰۶. چرا امام عصر علیه السلام به «طلب کننده خون امام حسین علیه السلام»<sup>۱</sup> ملقب

شده‌اند؟ آیا امام عصر علیه السلام طالب خون سایر ائمه هدی علیهم السلام نمی‌باشند؟

ح کار امام حسین علیه السلام در میان همه حضرات ائمه علیهم السلام، دارای ویژگی‌ها و نیز دارای امتیازات خاص است و از جمله این امتیازها، آن است که خدای تعالی مقرر فرموده است فرزند ایشان، یعنی حضرت مهدی علیه السلام، ولی خون مطهر ایشان باشند؛<sup>۲</sup> چنان که گفته شده خود خدای متعال، ولی خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام

۱. در برخی از روایات، امام زمان علیه السلام با لقب «ثائرُ الحُسَین» [من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۵] خوانده شده‌اند. در دعای ندبه نیز آن حضرت را با صفت «الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» [مزار الکبیر، ص ۵۷۹] می‌خوانیم.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۵: «لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَيَّ اللَّهُ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيٍّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ علیه السلام وَقَالَ بِهِذَا أُنْتَقِمُ لَهُذَا - امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند، فرشتگان شیون نمودند و عرض کردند: پروردگارا! این حسین علیه السلام برگزیده تو و پسر برگزیده تو و پسر پیامبر توست. خداوند سایه و شکل حضرت قائم علیه السلام 

است.<sup>۱</sup>

## ۱۰۷. آیا قاتلین امام حسین علیه السلام در زمان رجعت به دست امام زمان علیه السلام □ عجل الله تعالی فرجه الشریف

قصاص می شوند؟

ح رجعت برخی از خوبان و برخی از بدان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدلول برخی از روایات است،<sup>۲</sup> لکن خصوصیات آن معلوم نیست و ما،

☞ را به آنها نشان داد و فرمود: به دست این مرد، برای حسین علیه السلام از دشمنانش انتقام می گیرم.» همچنین در روایت در تفسیر آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۹) آمده است که این آیه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است وقتی که قیام می کنند و خون امام حسین علیه السلام را طلب نموده و می فرمایند: «نَحْنُ أَوْلِيَاءُ الدِّمِّ وَطُلَّابُ الدِّيَةِ - ما اولیای خون و طالبان دیه امام حسین علیه السلام هستیم.» [تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۴]

۱. این معنا در لقب «نارالله» نهفته است و در روایت نیز آمده است: «إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا رَبُّ إِنَّ أَخِي هَارُونَ مَاتَ فَأَغْفِرْ لَهُ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَوْ سَأَلْتَنِي فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَأَجَبْتُكَ مَا حَلَا قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَإِنِّي أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ قَاتِلِهِ - موسی بن عمران علیه السلام از پروردگار متعال خواست که هارون را بیامرزد. پس خدای سبحان فرمود: اگر درباره اولین و آخرین از من چیزی بخواهی، اجابت می کنم به جز قاتل حسین بن علی که من از قاتل او انتقام خواهم گرفت.» [عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۷]

۲. اصل رجعت جزء اعتقادات شیعیان به شمار می رود، همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ» [من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۴] و در روایات فرموده اند کسی که رجعت را قبول ندارد، شیعه نیست. [ر.ک: ☞]

تنها دورنمایی از آن را در اختیار داریم که اثبات خصوصیات آن ممکن نیست و لازم هم نیست.

۱۰۸. آیا در زمان حکومت امام عصر علیه السلام عزاداری برای امام حسین علیه السلام برگزار می‌شود؟

ح قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تُبْرَدُ أَبَدًا»<sup>۱</sup> عزاداری برای آن وجود مقدس از افضل اعمال است و تعطیل بردار نیست؛ چنان که حرارت حسینی در قلوب مؤمنین برای ابد، هیچ‌گاه سرد و خاموش نخواهد شد.

---

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸؛ المسائل السرویه، ص ۳۰؛ صفات الشیعه، ص ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۷؛ الإیقاظ من الهجعة، ص ۶۰]. درباره کسانیکه رجعت می‌کنند، گاهی بحث، به صورت کلی مطرح شده است، مثلاً امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ بَلْ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشَّرْكَ مَحْضًا - رجعت عمومی نیست بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی باز می‌گردند که ایمان خالص یا شرک محض باشند.» [مختصر البصائر، ص ۱۰۷] گاهی نیز در روایات، به رجعت افراد خاصی اشاره شده است: «أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَيَّ الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام - نخستین کسی که به دنیا رجعت می‌کند، امام حسین علیه السلام است.» [مختصر البصائر، ص ۱۲۰. همچنین ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹ تا ۴۱] علاوه بر این، در برخی از روایات، بحث از انتقام از قاتلین کربلا به میان آمده است [ر.ک: کامل الزیارات، ص ۵۷؛ الکافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۹؛ المزار الکبیر، ص ۱۰۷] ولی خصوصیات این امور معلوم نیست و تنها دورنمایی وجود دارد.

<sup>۱</sup>. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.



۱۰۹. آیا این مطلب صحیح است که می‌گویند: وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور فرمایند، جهت قبله را به سوی کربلا و قبر امام حسین علیه السلام تغییر می‌دهند؟

✍ گفتن این گونه حرف‌ها بدعت است و گناه آن خیلی بزرگ است.

#### ۱۱۰. رجعت امام حسین علیه السلام به چه صورتی خواهد بود؟

✍ درباره قضیه رجعت، دورنمایی بیشتر نداریم، اما آنچه از روایات شریفه بر می‌آید، آن است که بعد از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، حکومت اهل بیت علیهم السلام تشکیل می‌شود و ائمه اطهار علیهم السلام، از جمله مثل امام حسین علیه السلام سال‌های طولانی حکومت جهانی دارند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> مختصر البصائر، ص ۱۲۰: «أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَمْلِكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ - أولین کسی که به دنیا رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام است. ایشان آن قدر حکومت می‌کند که در اثر پیری، ابروهایشان روی چشم‌هایشان می‌آید.»

### گریه بر امام حسین علیه السلام

۱۱۱. در بعضی روایات، اخباری مبنی بر گریهٔ انبیاء پیشین بر امام حسین علیه السلام آمده است،<sup>۱</sup> حکمت آن گریه‌ها چیست؟

ح چون مصائب وارده بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام برای آنان از سوی خدای تعالی یا جبرئیل امین بیان گردیده و بیان این مصائب، تحریک عواطف مقدسهٔ آنان و تلاطم دل‌های مبارک آنان و جاری شدن اشک‌های منور آنان را به همراه داشته است.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳ تا ۲۵۰.

۲. هنگام توبهٔ حضرت آدم علیه السلام، جبرئیل اسامی پنج تن را به ایشان تلقین کرد تا برای توبه به آنان متمسک شود. حضرت آدم علیه السلام نیز نام آنان را برد و فرمود: «يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، يَا عَلِيُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ» وقتی حضرت آدم علیه السلام نام امام حسین علیه السلام را بر زبان آورد، اشک او جاری و قلبش خاشع شد و به جبرئیل گفت: وقتی نام پنجمی آنها را می‌برم، دلم می‌شکند و اشکم جاری می‌شود. جبرئیل امین، از قضیهٔ شهادت و تشنگی امام حسین علیه السلام و

۱۱۲. روایاتی که بیانگر دگرگونی آسمان و زمین، خون باریدن آسمان و نظایر آن موقع شهادت سیدالشهداء علیه السلام است، به چه معناست؟ آیا بیان واقع است یا مجازگویی؟

ح گرچه این روایات<sup>۱</sup> را کنایه گرفتن و به واسطه آن عظمت مصیبت را

اسارت خانواده آن حضرت، برای حضرت آدم علیه السلام گفت و هردو مانند زن فرزند مرده، به شدت گریستند. [بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵]

پس از آزمایش حضرت ابراهیم علیه السلام در داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل علیه السلام، خداوند سبحان از واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام به آن حضرت خبر داد و حضرت ابراهیم علیه السلام برای این مصیبت، جزع و فزع کرد و قلبش سوخت و شروع به گریه نمود. [الخصال، ج ۱، ص ۵۸ و ۵۹]

روایت شده است که حضرت موسی بن عمران علیه السلام پس از مناجات با خداوند، درخواست کرد که یکی از گناهکاران بنی اسرائیل را بیمارزد، خداوند متعال فرمود: هر کسی که از من طلب مغفرت کند او را عفو می‌نمایم، غیر از قاتل حسین. حضرت موسی علیه السلام از احوال امام حسین علیه السلام جويا شد و خداوند، ماجرای عطش و شهادت و مصائب آن حضرت در روز عاشورا را بیان کرد و سپس از قضیه تشنگی فرزندان و اسارت خانواده امام حسین علیه السلام برای موسی علیه السلام شرح داد و حضرت موسی علیه السلام گریست و از دشمنان آن حضرت بیزاری جست. [بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۰۸] همچنین ر.ک: کامل الزیارات، ص ۶۷؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۳.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۰: «يَا ابْنَ شَيْبٍ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ علیه السلام أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَ تُرَابًا أَحْمَرَ - ای پسر شیب! پدرم از پدرش از جدش برایم نقل کرده‌اند که وقتی جدم حسین علیه السلام کشته شد، از آسمان خون و خاک قرمز بارید.» همچنین ر.ک: کامل الزیارات، ص ۸۸ تا ۹۳؛ دلائل الإمامة، ص ۱۷۹؛ اعلام الوری، ص ۲۲۰؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۵۴؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۰۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۷؛ إمتاع الأسماع، ج ۱۲، ص ۲۴۱ و...

بیان کردن، اشکال ندارد، لکن اگر به واسطه تَهذیب نفس و تزکیه روح و ریاضت‌های دینی و شرعی و اتصال به مقام ولایت، دل و چشم و گوش حقیقی حاصل گردد، بسیاری از این گونه امور را می‌توان شهود کرد و در آن صورت این گونه امور، حقایق خود را نمایان خواهد کرد.

۱۱۳. چرا امام زمان علیه السلام هر صبح و عصر، بنا بر زیارت ناحیه مقدسه، بر امام حسین علیه السلام گریه می‌کنند؟ اینکه در آن زیارت می‌فرمایند: «بَدَلِ الدُّمُوعِ دَمًا» یعنی چه؟


زیرا این مصیبت و پیام‌های این حادثه مصیبت‌بار، هیچ‌گاه نباید فراموش گردد و خون گریستن<sup>۱</sup> هم کنایه از شدت حزن و عزا است.

۱۱۴. آیا گریه و عزاداری ملائکه برای امام حسین علیه السلام صحّت دارد و حال آنکه ملائکه موجودات غیرمادی هستند؟ دلیل آن چیست؟

در برخی از روایات<sup>۲</sup> و از جمله در زیارت ناحیه،<sup>۳</sup> این موضوع ذکر شده و

۱. *المزار الکبیر*، ص ۵۰۱: «فَلَا تُدْبِتُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا تُكَيِّنَنَّ عَلَيْكَ بَدَلِ الدُّمُوعِ دَمًا - صبح شام بر تو ندبه و گریه می‌کنم (و اگر اشک چشمم تمام شود) به جای اشک، بر تو خون خواهم گریست.»

۲. *الکافی*، ج ۴، ص ۵۸۲: «إِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شَعْتُ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مَضُورٌ فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا يُودِعُهُ مُودِعٌ إِلَّا شَيْعُوهُ وَ لَا مَرِضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا يَمُوتُ إِلَّا صَلَّوْا عَلَى جَنَازَتِهِ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.»

۳. در زیارت ناحیه مقدسه می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ - سلام بر  کسی که ملائکه آسمان‌ها بر او گریسته‌اند.» [مزار الکبیر، ص ۴۹۸]. درباره

پذیرفتن اصل مسئله، محلّ اشکال نیست؛ اگرچه خصوصیات این گونه امور و حقایق لطیف آن را نتوانیم درک کنیم.

#### ۱۱۵. آیا گریه و نوحهٔ اجنه بر امام حسین علیه السلام صحت دارد؟

ح این مطلب در برخی از روایات شریفه<sup>۱</sup> آمده است و پذیرفتن آن اشکال ندارد؛ گرچه حقیقت آن را نتوانیم درک کنیم.



۱۱۶. در سخنان بعضی از بزرگان، دیده می‌شود که گفته‌اند حیوانات، پرندگان و حتی جمادات (درخت یا سنگ) برای امام حسین علیه السلام اندوهگین می‌شوند، گریه می‌کنند و گاه خون آلوده می‌شوند. آیا حقیقت دارد و این مطلب چه طور ممکن است؟

ح این مطلب در بعضی از روایات شریفه<sup>۲</sup> و از جمله در زیارت ناحیهٔ مقدسه

---

آگاهی از گریهٔ ملائکه بر امام حسین علیه السلام در مجامع روایی ر.ک: *الکافی*، ج ۱، ص ۲۸۴؛ *کامل الزیارات*، ص ۸۳ تا ۸۸؛ *بحار الأنوار*، ج ۴۵، ص ۲۲۰ تا ۲۲۹ و...

۱. امام سجّاد علیه السلام در خطبهٔ خود در شام فرمودند: «أَنَا ابْنُ مَنْ نَاحَتْ عَلَيْهِ الْجَنُّ فِي الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ - من فرزند کسی هستم که جنیان در زمین و پرندگان در آسمان برای او ناله و گریه کرده‌اند.» [مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۱۶۸]. همچنین ر.ک: *کامل الزیارات*، ص ۹۳ تا ۹۸؛ *منیر الأحزان*، ص ۱۰۷؛ *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱۴، ص ۲۴۰ تا ۲۴۲؛ *تذکره الخواص*، ص ۲۴۱؛ *شرف المصطفی*، ج ۵، ص ۳۸۵ و ۳۸۶ و...

۲. *کامل الزیارات*، ص ۷۹: «بَكَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حَتَّى ذَرَفَتْ دُمُوعُهَا - انس و جن، پرنده و وحوش بر حسین بن علی علیه السلام   گریستند، به نحوی که اشک‌هایشان جاری گشت.» همچنین ر.ک: *امالی الصدوق*، ص

وارد شده<sup>۱</sup> و پذیرفتن آن محلّ اشکال نیست؛ گرچه عقل، نتواند حقیقت این معنای لطیف را درک نماید، چنان که عقول ناقص ما اموری نظیر تسبیح موجودات را که در آیات فراوانی بدان تصریح شده، درک نمی‌کند.

قال الله تعالى: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»<sup>۲</sup>

## ۱۱۷. اینکه در روایات گفته شده شرکت در جلسه عزای امام حسین (علیه السلام) و

---

۱۱۶ و ۱۲۷؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۱، ص ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۱ تا ۲۱۹

و...

۱. المزار الكبير؛ ص ۵۰۶: «وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَآتِمُ فِي أُغْلَى عَلِيِّنَ، وَلَطَمْتَ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسَكَّأَتْهَا، وَالْجَنَانُ وَخُرَّأَتْهَا، وَالْهَضَبُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْأَرْضُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبَحَارُ وَحَيْثَانُهَا، وَمَكَّةُ وَبُنْيَانُهَا، وَالْجَنَانُ وَلِدَانُهَا، وَالتَّبِيتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْجَلُّ وَالْإِحْرَامُ - برای تو، در اعلیٰ علیین اقامه ماتم کردند و حورالعین در عزای تو، بر خود سیلی زدند و آسمانها و ارکان آن، بهشت و نگهبانان آن، کوههای بلند و سرزمینهای مختلف، دریاها و ماهیهای بزرگ در آن، مکه و کعبه و بهشتیان و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و میقاتها، همگی بر تو گریستند.» همچنین در قسمت دیگری از زیارت ناحیه می‌خوانیم: «وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا، وَإِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا، مُحْمَجِمًا بَاكِيًا - اسب تو با شتاب به سوی خیمه‌ها آمد، در حال که شیهه می‌زد و گریان بود.»

۲. اسراء، ۴۴: «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید.»

گریه و عزاداری، گناهان انسان را محو می‌کند یا اینکه می‌فرمایند: اگر کسی حتّی به اندازهٔ بال مگسی بر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام گریه کند، بهشت بر او واجب می‌شود،<sup>۱</sup> چگونه توجیه و تحلیل می‌شود؟ به عبارت روشن‌تر، چگونه فردی می‌تواند عمری گناه کند و با شرکت در یک جلسهٔ عزاداری یا با قطره‌ای اشک، بهشتی شود؟

ح این گونه روایات به اندازهٔ تواتر است و مورد تشکیک نیست و معنای همهٔ آنها این است که هر کس در این مجالس، رابطهٔ عاطفی و رابطهٔ عملی با ولایت پیدا کرد و نظیر حضرت حرّ بن یزید ریاحی، حسینی شد و پشیمان از گناهان خود گردید، بهشت بر او واجب می‌شود؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید جهنّم او مبدّل به بهشت می‌شود: «يُكْدَلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»؛<sup>۲</sup>

پروندهٔ تاریک او نابود می‌شود و پروندهٔ درخشانی که صفحهٔ اوّل آن توبه و ثواب آن است و از هر ثوابی بالاتر است، باز می‌شود.

بلی، اگر در این گونه مجالس، فقط رابطهٔ عاطفی باشد، ثواب آن از هر حج و عمره‌ای بالاتر است و این گونه ثواب‌ها، تفضّلی است نه استحقاقی و برای ترغیب مردم برای رابطهٔ عاطفی با امام حسین علیه‌السلام است، که علّت مبقّیه برای تشیّع است و به قول استاد بزرگوار ما حضرت امام خمینی ره: دانه می‌ریزند تا کبوتر بگیرند.

۱۱۸. هدف از گریه کردن بر اهل بیت علیهم‌السلام و تباکی (خود را به گریه واداشتن) و معنی گریهٔ ما بر امام حسین علیه‌السلام چیست؟

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰۰ تا ۱۰۴.

۲. «خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدّل می‌کند.»

ح گریه و تباکی از بارزترین مصادیق عزاداری است و هدف از گریه کردن بر مصائب حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به خصوص امام حسین علیه السلام، همان هدف از عزاداری است و آن زنده نگاه داشتن تشیع و احیاء روحیهٔ ایثار، گذشت، فداکاری و شهادت طلبی برای دین خداست؛ از این جهت هم، افضل اعمال و قُرَبات است. علاوه بر این، معنا ندارد که انسان عاطفی، مصائب حسینی را بشنود و ناراحت نشود و دل او نسوزد و گریه نکند و لا اقل تباکی نداشته باشد.

#### ۱۱۹. چه کنیم در جلسات عزاداری اشکمان جاری شود و دلمان بسوزد؟

ح در روایات وارد شده است که خشکی چشم در اثر قساوت دل است و قساوت دل در اثر گناه و معصیت است؛<sup>۱</sup> بنابراین هر چه گناهمان کمتر شود، دل هایمان صاف تر خواهد شد و هر چه دل هایمان صاف تر شود، اشک هایمان جاری تر خواهد بود.

#### ۱۲۰. رابطهٔ گریه بر امام حسین علیه السلام و سیر و سلوک الی الله چیست؟

ح گریه، عزاداری، توسل و زیارت، آثار فراوانی دارد که از اهم آن امداد به انسان برای رسیدن به مقام لقاء و فناء است و در حقیقت، بهترین امداد برای شخص سالک در طی نمودن منازل هفت گانهٔ سیر و سلوک، همین است.

---

<sup>۱</sup> *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۸۱: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لَفَسْوَةِ الْقُلُوبِ

وَمَا قَسَتْ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ - اشک چشم ها خشک نمی گردد، مگر به واسطهٔ قساوت قلب و کسی قسّی القلب نمی شود مگر از زیادی گناهان.»



## عزاداری و سیاه‌پوشی

### ۱۲۱. حکمت عزاداری برای ائمه هدی علیهم‌السلام، خصوصاً امام حسین علیه‌السلام چیست؟

ح اقامه عزا برای ائمه هدی علیهم‌السلام و مخصوصاً حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، استمرار حرکت بزرگی است که شهادت آن بزرگواران و نیز جریان غم‌انگیز اسارت آل‌الله علیهم‌السلام هم، در همان روند بوده و آن حرکت عبارت است از عدالت‌خواهی و قیام برای اقامه قسط و اجرای دستورات الهی و فریاد علیه ظلم و تعدی به حدود الهی؛ بدین جهت عزاداری که ادامه شهادت و اسارت است، شعار تشیع و یکی از نمادهای بزرگ شیعه‌گری است که همراه با شعور و عبرت و درس‌آموزی است.

### ۱۲۲. هدف از تشکیل هیئت، دسته‌های عزاداری، سیاه‌پوش کردن شهر و

#### برقراری جلسات نوحه‌سرایی و مدّاحی چیست؟

ح کلیه این موارد، مصادیق ضروری عزاداری است و از این جهت از افضل اعمال و حتی واجب کفایی است و چنان که گفته شد، شعار تشیع و رمز حیات و استمرار شیعه است. حضرت امام حسین علیه‌السلام موجی را در کربلا ایجاد کردند و عیال امام حسین علیه‌السلام آن موج را سرتاسری کردند و تأکید بر عزاداری، برای ابقای آن موج است؛ بنابراین برای بقای تشیع، عزاداری، نوحه‌سرایی و مدّاحی، بهترین چیزها است.

۱۲۳. آیا اصل عزاداری و سوگواری برای ائمه هدی علیهم السلام و امام حسین علیه السلام مورد تأیید شرع مقدّس می باشد یا خیر؟ آیا اهل بیت علیهم السلام خود به عزاداری اهتمام داشته اند یا عزاداری در قرون بعد، وارد تشیع شده است؟

ح عزاداری برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام از افضل اعمال و قربات الهی است، بلکه واجب کفایی است و مورد تأکید نبی اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه هدی علیهم السلام بوده است و اساساً اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، عزاداری را به شیعیان آموخته اند. خود آن بزرگواران بر برپایی جلسات عزا برای شهدای کربلا و گریه و ندبه برای آنان، اهتمام و تأکید داشته اند.<sup>۱</sup>

۱. در روایات بسیاری، حضرات معصومین علیهم السلام بر عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام تأکید فرموده و خود به آن اقدام می کردند. از آن جمله:

حضرت زهرا علیها السلام: امام صادق علیه السلام به ابابصیر فرمودند: «يَا أَبَا بَصِيرٍ إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام لَتَبْكِيهِ وَ تَشْهَقُ فَتَزْفِرُ جَهَنَّمَ زَفْرَةً ... فَلَا تَسْكُنُ حَتَّى يَسْكُنَ صَوْتُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ - ای ابو بصیر! فاطمه علیها السلام بر آن حضرت گریست و زجه زده و به دنبال آن جهنم فریادی کشید و... در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی شود مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد.» [کامل الزیارات، ص ۸۲]

امام سجّاد علیه السلام: امام صادق علیه السلام در وصف حضرت امام سجّاد علیه السلام به زراره فرمودند: «وَكَانَ جَدِّي إِذَا ذَكَرَهُ بَكَيَ حَتَّى تَمْلَأَ عَيْنَاهُ لِحَيْتَهُ وَ حَتَّى يَبْكِيَ لِبُكَائِهِ رَحْمَةً لَهُ مِنْ رَأَى - جدّم هرگاه امام حسین علیه السلام را به یاد می آورد، آن قدر اشک می ریخت که محاسن شریفش پر از اشک می شد و حاضران از گریه او به گریه می افتادند.» [کامل الزیارات، ص ۸۱]

همچنین ر.ک: منیر الاحزان، ص ۱۱۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۱، ص ۳۸۶. ➡

➡ امام باقر علیه السلام: در یکی از مجالس عزا، وقتی کمیت شاعر، شعر خود را برای امام باقر علیه السلام خواند، حضرت گریستند و فرمودند: «يَا كَمِيتُ، لَوْ كَانَ عِنْدَنَا مَالٌ لَأَعْطَيْنَاكَ، وَ لَكِنْ لَكَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِحَسَنَ بْنِ ثَابِتٍ: لَا زِلْتَ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا ذُبَّتْ

عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ - ای کمیت! اگر سرمایه‌ای داشتیم در پاداش این شجرت به تو می‌بخشیدیم؛ اما پاداش تو همان دعایی است که پیامبر ﷺ دربارهٔ حَسَّان بن ثابت فرمودند که همواره به روح القدس تأیید شده‌ای تا وقتی که از ما اهل بیت دفاع می‌کنی. [مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۲۹] همچنین آن حضرت برای عزاداری روز عاشورا خطاب به علقمه فرمودند: «يَا عَلْقَمَةُ وَانْدَبُوا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَابْكُوهُ وَلْيَأْمُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَلْيَقُمْ عَلَيْهِ فِي دَارِهِ الْمُصِيبَةِ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ وَتَلَاقُوا يَوْمَئِذٍ بِالْبُكَاءِ بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ فِي الْبُيُوتِ وَحَيْثُ تَلَقَّيْتُمْ وَلْيَعِزَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - ای علقمه! برای امام حسین ﷺ ندبه و گریه کنید و هر کدام از شما، به کسانی که در خانه او هستند، امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه‌اش اقامهٔ مصیبت نماید و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین ﷺ تسلیت دهند.» [مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۶]

امام صادق علیه السلام در جلسهٔ عزاداری که برای امام حسین ﷺ برپا کرده بودند، به یکی از اصحاب خود به نام اباهارون فرمودند: دربارهٔ امام حسین ﷺ برایم شعری بخوان. اباهارون برای آن حضرت شعری خواند. حضرت فرمودند: نه، آن طور که در جمع خودتان می‌خوانی و به همان نحو که در کنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسین ﷺ) مرثیه می‌خوانی، بخوان. ابو هارون می‌گوید: پس شعر ذیل را [که از سید حمیری است] برای آن حضرت خواندم:

«امُرُّ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ»

(بر سر قبر امام حسین ﷺ مرور کن و به استخوان‌های پاک و پاکیزه‌اش بگو) ﴿فَلَمَّا بَكَى، أَمْسَكَتُ أَنَا، فَقَالَ: مَرَّ فَمَرَرْتُ، قَالَ ثُمَّ قَالَ: زِدْنِي، زِدْنِي. قَالَ فَأَشَدَّتْهُ: يَا مَرْيَمُ قُومِي فَأَنْدَبِي مَوْلَاكَ وَعَلَى الْحُسَيْنِ فَأَسْعِدِي بَيْتَكَ قَالَ فَبَكَى وَتَهَاجَسَ النَّسَاءُ قَالَ فَلَمَّا أَنْ سَكَنَ قَالَ لِي يَا بَا هَارُونَ مَنْ أَشَدَّ فِي

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَبْكِي عَشْرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ - فَقَالَ مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبْكِي وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ قَالَ مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكِّي فَلَهُ الْجَنَّةُ - ابوهارون می گوید: وقتی حضرت گریستند، من خودداری کرده و خواندن را متوقف نمودم؛ پس حضرت فرمودند: مابقی اشعار را بگو. وقتی مابقی اشعار را گفتم، فرمودند: بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان. ابو هارون می گوید: پس این بیت را خواندم:

(ای مریم بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حسین علیه السلام و با این زاری و گریه خود، او را نصرت و یاری نما)

ابو هارون می گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریستند و زنان پشت پرده نیز شیون و زاری کردند. وی می گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند، حضرت به من فرمودند: ای ابا هارون! کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است سپس حضرت نفرات گریه کنندگان را یکی یکی کاهش داده تا به «یک نفر» رسیدند و فرمودند: کسی که در رثاء حضرت حسین علیه السلام شعر خوانده و یک نفر را بگریاند، بهشت برای اوست. سپس فرمودند: کسی که یاد امام حسین علیه السلام نموده و برای آن حضرت بگرید، بهشت برای او است. [کامل الزیارات، ص ۱۰۵ و ۱۰۶]

همچنین آن حضرت می فرمودند: «كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» - هر گریه و ناله ای ناپسند است به جز گریه و شیون برای امام حسین علیه السلام. [المالی الطوسی، ص ۱۶۲] خودشان نیز در روز عاشورا، به شدت گریه و عزرداری می کردند: «دَخَلْتُ عَلَيَّ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ وَ دُمُوعُهُ تَنْحَدِرُ عَلَيَّ حَدِيثُهُ كَاللُّوْلُو» [بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۰۹]

امام رضا علیه السلام: دعبل خزاعی نقل می کند: «دَخَلْتُ عَلَيَّ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جَلِيسَةَ الْحَزِينِ الْكَتِيبِ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ حَوْلِهِ ... ثُمَّ إِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهَضَ وَ ضَرَبَ سِتْرًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ حُرْمِهِ وَ اجْلَسَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ لِيَبْكُوا عَلَيَّ مُصَابِ جَدِّهِمُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ التَفْتُ إِلَيْهِ وَ قَالَ لِي يَا دِعْبِلُ

ارثِ الْحُسَيْنِ فَأُتِيَ نَاصِرًا وَ مَادِحُنًا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تَقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ قَالَ  
دَعِيلٌ فَاسْتَعْبِرْتُ وَ سَأَلْتُ عَبْرَتِي وَ أَنشَأْتُ أَقُولُ:

أَ فَاطِمُ لَوْ خِلْتُ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا      وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِشَطِّ فُرَاتٍ...

در چنین ایامی خدمت سید و مولای خود علی بن موسی الرضا علیه السلام رسیدم، دیدم اندوهناک و غمگین نشسته و اصحابش گرد اویند، ... سپس برخاست، پرده میان ما و زنان حرم کشید و خانواده خود را پس پرده نشانید تا در مصیبت جدشان حسین علیه السلام گریه کنند. سپس به من رو کرد و فرمود: ای دعبل، برای حسین علیه السلام نوحه سرائی کن، تو تا زنده هستی یار و مداح ما باش و تا توانی از یاری ما کوتاهی مکن، دعبل گوید: اشکم روان شد و سرودم:

«أَ فَاطِمُ لَوْ خِلْتُ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا      وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِشَطِّ فُرَاتٍ»

(ای فاطمه آیا دیدی آغشته به خون فرزند، بر شط فرات عطشان، او را به ستم کشتند؟) [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۷]

امام رضا علیه السلام خطاب به ابن شیب فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام» ای پسر شیب! اگر می خواهی بر چیزی گریه کنی، بر حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام گریه کن [عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹] همچنین آن حضرت فرمودند: «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ - هر کس مصیبت های ما را به یاد آورد و برای ظلم هایی که به ما شده، بگرید یا دیگران را بگریاند، در قیامت با ما خواهد بود و کسی که برای مصائب ما گریان شود، در روزی که تمام چشم ها  گریان است، چشمش گریان نخواهد بود و هر کس در مجلسی بنشیند و در آنجا امر ما را زنده کند، قلبش در روزی که قلب ها می میرد، نخواهد مرد.» [امالی الصدوق، ص ۷۳] و نیز فرمودند: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ - بر مانند امام حسین علیه السلام،

## ۱۲۴. چه فوائد و اثراتی بر عزاداری امام حسین (علیه السلام) و زیارت ایشان مترتب

است؟

ح عزاداری‌ها، رمز بقاء تشیع است. اگر در طول تاریخ عزاداری‌ها نبود، الان تشیع نبود. علاوه بر اثر مهم احیای تشیع، فواید دیگری نیز در روایات برای گریه و عزاداری بیان شده است از جمله: آمرزش گناهان، ثواب فراوان، عاقبت به‌خیری، استجابت دعا، ایمنی از عذاب و سختی‌های قیامت و...<sup>۱</sup>

## ۱۲۵. چگونه می‌توان منہیات نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) از گریه کردن بر میت، داد و

فریاد، پاره کردن لباس، خراشیدن صورت و لطمه زدن را با عزاداری امام حسین (علیه السلام) که در آن برخی بلندبلند گریه می‌کنند یا یقه خود را پاره می‌کنند یا به صورت خود لطمه می‌زنند، جمع کرد؟

ح عزاداری برای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) شعار شیعه و از افضل اعمال و قربات الهی است که در روایات فراوانی، بر آن تأکید شده است. البته از کارهای غیرمتعارف و از کارهایی که مورد تأیید شرع مقدس نیست و موجب وهن تشیع و عزاداری است، مانند خراشیدن صورت، ضرر و لطمه رساندن به بدن و نظایر آنها، باید پرهیز کرد.

---

گریه کنندگان باید بگریند. [امالی الصدوق، ص ۱۲۸]

خود امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ - من کشته اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر آنکه با یاد من، گریه می‌کند.» [امالی الصدوق،

ص ۱۳۷]

۱. ر.ک: کامل‌الزیارات، ص ۱۰۰ تا ۱۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۷۳ تا ۲۹۶.

## ۱۲۶. عزاداری و سوگواری در فرهنگ اسلامی تا چه اندازه و به چه کیفیتی

مجاز شمرده شده است؟

✍ باید عرفاً مصداق عزاداری باشد و علاوه بر شرع‌پسند بودن، عرف‌پسند هم باشد و لذاست که می‌گوییم: «عزاداری به شکل متعارف»، چنان که حضرت امام خمینی علیه السلام هم تأکید می‌فرمودند: «عزاداری به شیوه سنتی».<sup>۱</sup>

## ۱۲۷. با توجه به اینکه پوشیدن لباس مشکی مکروه است، سیاه‌پوشی برای

عزای اهل بیت علیهم السلام به خصوص امام حسین علیه السلام چه حکمی دارد و از چه زمانی

مرسوم شده است؟

✍ سیاه‌پوشی در عزای اهل بیت علیهم السلام مکروه نیست، بلکه مصداق بارز عزاداری است و از افضل اعمال می‌باشد و از صدر اسلام تا کنون مرسوم بوده است. ائمه طاهرین علیهم السلام نیز با قول و فعل خود، سیاه‌پوشی در عزاداری را تأیید فرموده و خود به آن عمل می‌کرده‌اند.<sup>۲</sup>

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۹۸: «... آن روضه‌های سنتی را سر جای خودش نگه دارید.»

۲. پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، امام مجتبی علیه السلام با لباس سیاه میان مردم حاضر شدند و برای آنان خطبه خواندند. [شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲] وقتی ام سلمه از خبر شهادت امام حسین علیه السلام آگاه گردید، لباس سیاه پوشید و خیمه سیاهی برای عزاداری آن حضرت در کنار قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برپا نمود. [عیون الأخبار و فنون الآثار، ص ۱۰۹] ✍

✍ هنگامی که اسراء در شام حضور داشتند و یزید برای ظاهرسازی اجازه عزاداری به اهل بیت علیهم السلام داد، همه اسیران برای امام حسین علیه السلام سیاه پوشیدند و مجالس عزاداری و نوحه برپا کردند: «...وَلَمْ تَبْقَ هَاشِمِيَّةٌ وَلَا قُرَشِيَّةٌ إِلَّا وَلَبِسَتْ السَّوَادَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَ نَدَبُوهُ عَلَيَّ مَا ثَقُلَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ.» [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۹۶]

۱۲۸. چرا عزاداری برای حضرات معصومین علیهم السلام به گستردگی عزاداری برای

امام حسین علیه السلام نیست؟

ح زیرا حرکت عدالت خواهانه و ظلم ستیزانه آن حضرت نیز گسترده بوده است<sup>۱</sup> و بدین جهت شخص نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همه حضرات معصومین علیهم السلام، به اقامه عزا برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام اهمیت ویژه و خاص داده اند؛<sup>۲</sup> چرا که در جریان نهضت آن بزرگوار، تحریک عواطف و تنویر عقول به نحو آتم و اکمل وجود دارد و شور و شعوری که در حماسه بی همتا و تمام نشدنی کربلا و عاشورا وجود دارد، موجب احیاء و تقویت روح عدالت خواهی و ظلم ستیزی است و به همین دلیل، سیر بقاء تشیع و ادامه حیات پر برکت آن در اقامه عزاداری حسینی است و به همین دلیل هم دشمنان تشیع، همیشه به دنبال برچیدن این برنامه عظیم یا کم رنگ کردن آن یا آمیختن آن به خرافات و اباطیل بوده اند؛ لکن بحمدالله هیچ گاه

---

همچنین در روایت آمده است: «لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام كَبَسْنَ نِسَاءَ بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادَ وَالْمُسُوحَ وَكُنَّ لَا يَسْتَتِكِينَ مِنْ حَرٍّ وَلَا بَرْدٍ وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَاءِ - وقتی حسین بن علی علیه السلام کشته شد زنان بنی هاشم لباس مشکی پوشیدند. از گرما و سرما شکایتی نداشتند. حضرت علی بن الحسین علیه السلام به علت اینکه

آنان ماتم زده بودند، برای ایشان غذا درست می کرد.» [المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰]

۱. امام مجتبی علیه السلام درباره عظمت وقایع عاشورا در برابر مسمومیت و شهادت خود، خطاب به امام حسین علیه السلام فرمودند: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - ای اباعبدالله! هیچ روز تلخی،

مانند روز شهادت تو نیست.» [امالی الصدوق، ص ۱۱۶]

۲. ر.ک: کامل الزیارات، ص ۷۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۱۰۴؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۱۸؛ اللهوف، ص

۲۰۹؛ رجال الکشی، ص ۲۸۹؛ امالی الصدوق، ص ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۷؛

ج ۹۸، ص ۳۲۰.



موفق نشده‌اند و هیچ‌گاه هم موفق نخواهند شد.<sup>۱</sup> انشاءالله.

۱. برای تکمیل بحث، اشاره به این روایت از امام صادق علیه السلام نیز خالی از لطف نیست که راوی از حضرت پرسید: چرا روز عاشورا روز مصیبت و غم و اندوه و گریه شدید است، ولی روز رحلت پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام و روز شهادت امیر المؤمنین علیه السلام و روز شهادت امام حسن علیه السلام این گونه شدید نیست؟! حضرت فرمودند: «إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَعْظَمُ مُصِيبَةً مِنْ جَمِيعِ سَائِرِ الْأَيَّامِ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكِسَاءِ الَّذِينَ كَانُوا أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى كَانُوا خُمْسَةً فَلَمَّا مَضَى عَنْهُمْ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم بَقِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ علیهم السلام فَكَانَ فِيهِمْ لِلنَّاسِ عَزَاءٌ وَ سَلْوَةٌ فَلَمَّا مَضَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام كَانَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ لِلنَّاسِ عَزَاءٌ وَ سَلْوَةٌ فَلَمَّا مَضَى مِنْهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام كَانَ لِلنَّاسِ فِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَزَاءٌ وَ سَلْوَةٌ فَلَمَّا مَضَى الْحَسَنُ علیه السلام كَانَ لِلنَّاسِ فِي الْحُسَيْنِ عَزَاءٌ وَ سَلْوَةٌ فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام لَمْ يَكُنْ بَقِيَ مِنْ أَهْلِ الْكِسَاءِ أَحَدٌ لِلنَّاسِ فِيهِ بَعْدَهُ عَزَاءٌ وَ سَلْوَةٌ فَكَانَ ذَهَابُهُ كَذَهَابِ جَمِيعِهِمْ كَمَا كَانَ بَقَاؤُهُ كَبَقَاءِ جَمِيعِهِمْ فَلِذَلِكَ صَارَ يَوْمُهُ أَعْظَمَ مُصِيبَةً - روز شهادت و مصیبت امام حسین علیه السلام از سایر روزها بزرگ‌تر است؛ زیرا اصحاب کساء که گرامی‌ترین خلق خدا به‌شمار می‌رفتند پنج نفر بودند. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از میان ایشان رفت، حضرت امیر با فاطمه زهراء و حسن و حسین علیهم السلام باقی ماندند. دل مردم از دیدن ایشان تسلی و تسکین پیدا می‌کرد. موقعی که حضرت زهراء علیها السلام را شهید کردند قلب مردم به وسیله دیدار حضرت امیر و حسن و حسین علیهم السلام تسلی می‌یافت. وقتی حضرت امیر علیه السلام را شهید نمودند، دل مردم به دیدن حضرت حسنین علیهم السلام خوش بود. موقعی که امام حسن علیه السلام را شهید کردند، چشم مردم به حضرت امام حسین علیه السلام باز می‌شد؛ اما هنگامی که امام حسین علیه السلام را شهید نمودند، کسی از اصحاب کساء باقی نمانده بود که مردم به وی دل خوش کنند. پس شهید شدن امام حسین علیه السلام مثل این بود که عموم اصحاب کساء علیهم السلام شهید شده باشند، همچنان که باقی بودن آن

## ۱۲۹. آیا عزاداری برای امام حسین علیه السلام به شکل امروزی را سلسلهٔ صفویه به وجود آورده‌اند؟

ح اصل موضوع عزاداری برای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام مسئلهٔ تازه پدیدآمده و حادثی نیست؛ اوّل کسی که برای سیّدالشّهداء علیه السلام عزاداری نموده است خود خداوند تبارک و تعالی است که برای انبیاء عظام الهی عزای حسین بن علی علیه السلام را بیان فرموده است و سپس جبرئیل امین<sup>۱</sup> و بعد از آنها نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و سپس ائمهٔ هدی علیهم السلام از هر فرصتی برای برپایی مراسم عزای سیّدالشّهداء علیه السلام بهره‌برداری می‌فرمودند و این سنت بزرگ را به شیعیان خود

---

حضرت نظیر این بود که جمیع ایشان باقی باشند. بدین لحاظ است که مصیبت روز عاشورا از مصیبت کلیّهٔ روزها بزرگ‌تر است.» [علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۵]

۱. خداوند متعال و جبرئیل، برای برخی از انبیاء عظام علیهم السلام، واقعهٔ کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام را شرح داده‌اند و آنان بر آن حضرت گریسته و بر دشمنان ایشان، لعن کرده‌اند. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

حضرت آدم علیه السلام: بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲ و ۲۴۵؛ حضرت نوح علیه السلام: نوادر المعجزات، ص ۱۶۳؛ الدرّ النظیم، ص ۷۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳؛ حضرت ابراهیم علیه السلام: کامل الزیارات، ص ۶۷؛ الخصال، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳؛ حضرت اسماعیل علیه السلام: کامل الزیارات، ص ۶۴؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۸؛ حضرت خضر علیه السلام: الدرّ النظیم، ص ۵۴۰؛ حضرت موسی علیه السلام: بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴؛ حضرت داوود علیه السلام: کامل الزیارات، ص ۶۷؛ حضرت سلیمان علیه السلام: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴؛ حضرت زکریا علیه السلام: کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۱؛ حضرت عیسی علیه السلام: الخرائج والمجرائع، ج ۲، ص ۹۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴.

منتقل فرمودند و این مسائل در روایات مختلف آمده است که به محل آن باید رجوع کرد.<sup>۱</sup> لکن در اینکه در زمان صفویه، به واسطه تدبیر و کوشش علمای بزرگ شیعه و در مرکز حکومت قرار گرفتن عالمانی مانند علامه مجلسی رحمته الله و شیخ بهایی رحمته الله، معارف شیعی احیاء گردیده و عزاداری‌ها به صورت رسمی و گسترده در ایران و سایر مناطق برگزار گردید و شکل عام‌تری پیدا کرد و از این جهت کار بزرگی انجام گرفته است، جای تردید نیست.<sup>۲</sup>

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر حضرات معصومین علیهم السلام در موقعیت‌های مختلف، به جریان شهادت امام حسین علیه السلام اشاره فرموده و به خاطر این مصیبت عظیم، گریسته و عزاداری کرده‌اند. برای آگاهی از عزاداری و گریه اصحاب کساء علیهم السلام، ر.ک: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۱؛ /علام الوری، ج ۱، ص ۴۲۸؛ ذخائر العقبی، ص ۱۴۷؛ الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۴۲۳ تا ۴۳۱؛ مقتل الحسین علیه السلام (الخوازمی)، ج ۱، ص ۲۳۱ تا ۲۳۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۸۷ تا ۱۹۸؛ امیر المؤمنین علیه السلام: آمالی الصدوق، ص ۵۹۷؛ الفضائل، ص ۱۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲۹۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۸۷؛ حضرت زهرا علیه السلام: کامل الزیارات، ص ۵۷ و ۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۶۴ و ۲۹۳؛ امام مجتبی علیه السلام: مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۸۶ پس از واقعه شهادت امام حسین علیه السلام نیز، حضرت زینب علیه السلام اولین عزادار آن حضرت است. ایشان هنگام گذر از قتلگاه روضه خوانی کردند که در اثر آن، دوست و دشمن، به گریه افتادند. [أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۰۶؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۸]

۲. البته پیش از صفویه نیز حکومت‌های شیعی در ایران، به احیای عزاداری می پرداختند. مثلاً در اواسط قرن چهارم (۳۵۲ قمری) در حکومت آل بویه، عزاداری‌ها علنی و سراسری شد و روز عاشورا، تعطیلی رسمی کشور گردید. در روز عاشورا، بازارها تعطیل شدند و مردم به سوگواری برای شهادت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نشستند. [تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۳۹۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۵۴۹؛ المنتظم، ج ۱۴، ص ۱۵۰؛

۱۳۰. آیا همهٔ ائمهٔ طاهرين عليه السلام بعد از عاشورا برای امام حسين عليه السلام عزاداری

۲ اهتمام به عزاداری حضرات معصومین علیهم السلام، از امام چهارم تا امام هشتم علیهم السلام در تاریخ و روایات ثبت شده است،<sup>۱</sup> اما در خصوص امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام باید گفت که این سه بزرگوار، به علت موقعیت ویژه، مانند تحت نظر بودن امام جواد علیه السلام، حضور امام هادی و امام عسکری علیهم السلام در حصر شدید و وجود حاکمانی چون متوکل عباسی در زمان آنان که حتی اقدام به تخریب کامل بارگاه حسینی کردند،<sup>۲</sup> در کتب تاریخی و سیره، کمتر به عزاداری آنان اشاره شده است و آنان به خاطر شرایط، بیشتر از طریق نوآب و وکلای خود، با شیعیان در ارتباط بودند؛ با این حال، برخی از زیارت‌ها و روایات‌های نقل شده از آنان درباره امام حسین علیه السلام، حائز اهمیت است.<sup>۳</sup> امام زمان علیه السلام نیز به عزاداری

البداية والنهاية، ج ١١، ص ٢٧٦]

٢. ر.ك: الكامل في التاريخ، ج ٧، ص ٥٥؛ تاريخ الطبري، ج ٩، ص ١٨٥؛ البداية والنهاية، ج ١٠، ص ٣٤٧.

برای جدّ بزرگوارشان امام حسین (علیه السلام) می‌پردازند که مضامین زیارت ناحیه مقدسه،<sup>۱</sup> حاکی از آن است و خود، نمونه‌ای از این عزاداری‌هاست.

### ۱۳۱. راه‌های صحیح و شرعی عزاداری برای اهل بیت (علیهم السلام) چه چیزهایی است؟

ح راه صحیح و مشروع عزاداری، راهی است که در آن، افراط و تفریط وجود نداشته باشد، بلکه به شکل متعارف باشد و به تعبیر سیدنا الاستاد حضرت امام خمینی (ره)، به شیوه «ستّی» باشد که از سابق به ما رسیده است.<sup>۲</sup>

### ۱۳۲. آیا شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان که ملاقات خداوند و عروج به

سعادت ابدی است، باعث حزن و اندوه ماست یا عامل شادی ما می‌باشد؟  
ح از دیدگاه عقلی، عروج به سعادت ابدی برای آن حضرات و لقاء حق تعالی

---

شدید [الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷]؛ مقلّم دانستن زیارت امام حسین (علیه السلام) توسط امام هادی (علیه السلام) [الکافی، ج ۴، ص ۵۸۴]؛ تأکید امام عسکری (علیه السلام) بر زیارت اربعین [تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲] و صدور دعای روز سوّم شعبان به مناسبت میلاد امام حسین (علیه السلام) [مصباح المتّهجد، ج ۲، ص ۸۲۶].

۱. ر.ک: المزار الکبیر، ص ۵۰۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۱ و ۳۳۰: «... باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) که با ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) زنده مانده است این مذهب تا حالا؛ با همان وضع ستّی، با همان وضع مرثیه سرایی و روضه خوانی... ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتند، [باشیم]... و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان‌طور که سابق می‌خواندند و مرثیه را همان‌طور که سابق می‌خواندند، بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری.»

که منتهای مسئلت آنان بوده، موجب شادی و سرور عقل است و لیکن از حیث عواطف و احساسات بشری، موجب حزن و گریه و عزا است و توجه به هر دو جهت عقل و عاطفه، برای همگان به خصوص نسل جوان، ضروری است؛ زیرا در پرتو همین عواطف و شعارهاست که عقل و شعور انسان به تکامل می‌رسد و عبرت‌ها و درس‌های عاشورا در درون آدمی، رسوخ می‌کند.

### ۱۳۳. آیا کثرت جمعیت در عزاداری امام حسین علیه السلام مهم است؟ آیا جمعیت زیاد نشانهٔ عنایت و بزرگوارانیت اهل بیت علیهم السلام است یا خیر؟

✍ کثرت جمعیت چون دشمن شکن و موجد اُتیه است، بسیار خوب است؛ باید همهٔ مجالس اهل بیت علیهم السلام چنین باشد، لکن اهل بیت علیهم السلام به همهٔ مجالس، چه کوچک و چه بزرگ، عنایت دارند.

### ۱۳۴. آیا به‌طور کلی اهل سنت نیز عزاداری می‌کنند؟ برای امام حسین علیه السلام چگونه؟

✍ اهل سنت نیز برای بزرگان خود، در طول تاریخ عزاداری کرده‌اند.<sup>۱</sup> برای

---

<sup>۱</sup>. عزاداری برای عثمان (متوفی ۳۵ ق) [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۶۲؛ المنتظم، ج ۵، ص ۷۷؛ البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۲۲۷ و ۲۲۹]؛ عزاداری برای جونی (متوفی ۴۷۸ ق) [المنتظم، ج ۱۶، ص ۲۴۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۴۷۶]؛ عزاداری برای احمد بن سلطان ملک شاه (متوفی ۴۸۱ ق) [البدایة و النهایة، ج ۱۲، ص ۱۳۵]؛ عزاداری برای المسترشد عباسی (متوفی ۵۲۹) [تاریخ الاسلام، ج ۳۶، ص ۵۲]؛ عزاداری برای ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ ق) [سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۳۸۰]؛ عزاداری برای ابن تیمیّه (متوفی ۷۲۸ ق) [البدایة و النهایة، ج ۱۴، ص ۱۳۶] و...

امام حسین (علیه السلام) نیز در برخی از مناطق سنی نشین، عزاداری می‌شود؛<sup>۱</sup> گرچه مثل سلفی‌ها و افراطیون، مخالف عزاداری‌های عاشورا هستند.

### ۱۳۵. آیا دربارهٔ برگزاری یک دهه روضه، سوّم، هفتم، چهلم، روضه هفتگی

و... برای امام حسین (علیه السلام) یا سایر ائمه (علیهم السلام) مستنداتی در روایات وجود دارد؟

در بارهٔ تاسوعا و عاشورا و اربعین روایاتی وارد شده است؛<sup>۲</sup> لکن بقیهٔ موارد،

۱. عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) در سیرهٔ بزرگان از اهل سنت نیز مشاهده می‌شود، چنان‌که نقل شده است در یک روز عاشورا، از سبط بن جوزی خواستند که به منبر برود و دربارهٔ شهادت امام حسین (علیه السلام) سخن بگوید. او با اینکه سخنور توانایی بود، وقتی به منبر رفت، ساکت ماند و نتوانست در مصیبت و مرثیهٔ امام حسین (علیه السلام) صحبت کند؛ سپس در عزای آن حضرت به شدت و بلند گریست و در حالت گریه، این شعر را خواند:

ویل لمن شفاؤه خصماؤه      و الصور فی نشر الخلائق ینفخ  
لا بد أن ترد القيامة فاطم      و قميصها بدم الحسين ملطخ

پس از آن، از منبر پایین آمد. [البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵]

۲. روز تاسوعا (روز نهم محرم): امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ روز تاسوعا فرمودند: «تاسوعاء یومٌ

حُصِرَ فِيهِ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) وَ أَصْحَابُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ بِكَرْبَلَاءَ وَ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَيْلُ أَهْلِ الشَّامِ وَ أَنَاخُوا عَلَيْهِ وَ فَرِحَ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ بِتَوَافُرِ الْخَيْلِ وَ كَثَرَتِهَا وَ اسْتَضَعُّوا فِيهِ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَصْحَابَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ يَقُولُوا أَنْ لَا يَأْتِيَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) نَاصِرٌ وَ لَا يُمِدُّهُ أَهْلُ الْعِرَاقِ بِأَبِي الْمُسْتَضَعَّفِ الْعَرِيبِ - تاسوعا روزی است که امام حسین (علیه السلام) و یارانش در کربلا محاصره شدند و اهل شام در اطراف آنان اجتماع نمودند. ابن مرجانه و ابن سعد از کثرت لشکر خود خوشحال شدند و امام حسین (علیه السلام) و یاران او را در آن روز ضعیف شمردند یقین کردند که برای حسین (علیه السلام)

یاوری نخواهد آمد و اهل عراق آن حضرت را امداد نخواهند کرد. پدرم فدای آن

حسینی که ضعیف شمرده شد و غریب بود.» [الکافی، ج ۴، ص ۱۴۷]

**روز عاشورا:** زیارت عاشورا از جمله زیارت‌های مؤکّد در این روز است و امام باقر علیه السلام

درباره عزاداری این روز برای کسانی که امکان زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک را

ندارند، فرمودند: «... ثُمَّ لِيَتَذُبَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَيَبْكِيهِ وَيَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ

يُقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِأَظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَيَتَلَقَّوْنَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِي الْبُيُوتِ وَ

لِيَعَزَّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ علیه السلام... - برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به

کسانی که در خانه می‌باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع

و فزع بر آن حضرت، در خانه‌اش اقامه مصیبت نماید و هرگاه اهل خانه یکدیگر را

ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به

مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام تسلیت دهند.» [کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

همچنین ر.ک: علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۵؛ مسار الشیعه، ص ۴۴؛ امام رضا علیه السلام ☞

☞ نیز می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ

جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَحِهِ وَسُرُورِهِ - هر که روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه و گریه

قرار دهد، خداوند متعال روز قیامت را برای وی روز شادی و سرور قرار خواهد

داد.» [امالی الصدوق، ص ۱۲۹]

**روز اربعین:** برای این روز زیارت خاصی وارد شده است که امام حسن عسکری علیه السلام

خواندن آن را از علائم مؤمن برشمرده و فرمودند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ

الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّنُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - علامت‌های مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز،

زیارت اربعین، انگشت کردن در دست راست، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن

«بسم الله» در نماز.» [کتاب المزار، ص ۵۳]

البته برای مطلق عزاداری در ماه محرم به خصوص دهه اول، از امام رضا علیه السلام نقل شده



یک امر مرسوم میان شیعه است و قالبی برای عزاداری و عرض ارادت و توسل است و از افضل اعمال، عزاداری برای ائمه هدی علیهم السلام مخصوصاً حضرت سیدالشهدا علیه السلام است.

۱۳۶. مرسوم است دهه اول محرم، عزاداری‌ها صورت می‌گیرد، اما از ظهر عاشورا خیلی از مراسم‌ها تعطیل می‌شود، حال آنکه عزای واقعی از روز عاشورا آغاز می‌گردد، حضرتعالی چه توصیه‌ای به هیئت‌های محترم

---

است که فرمودند: «إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرُ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتُحِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَهَيْتِكَ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَسَبَى فِيهِ ذَرَارِيَّتُنَا وَنِسَاؤُنَا وَأُضْرِمَتِ النَّيِّرَانُ فِي مَضَارِينَا وَانْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ تَقْلِيلِنَا وَلَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ حُرْمَتُهُ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونِنَا وَاسْتَبَلَّ دُمُوعُنَا وَأَدْلَّ عَزِيزَنَا بَارِضُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ وَأَوْرَثَنَا الْكَرْبَ وَالْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِقْضَاءِ فَعَلِيَ مِثْلَ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعَظَامَ ثُمَّ قَالَ عليه السلام كَانَ أَبِي عليه السلام إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمَ لَا يُرَى ضَاحِكاً وَكَانَتِ الْكِتَابَةُ تُغْلَبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام - محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می‌دانستند، ولی خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و کودکان و زنان ما را اسیر کردند و آتش به‌خیمه‌های ما زدند و آنچه داشتند، چپاول کردند و حرمت ما را رعایت نکردند. روز شهادت حسین علیه السلام چشم ما را ریش کرد و اشک ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد و گرفتاری و بلا به‌ما دچار  ساخت. تا روز قیامت بر مانند حسین علیه السلام باید گریست این گریه گناهان بزرگ را محو می‌کند. سپس فرمود: پدرم را شیوه این بود که چون محرم می‌شد، خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم؛ روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود در این روز حسین علیه السلام کشته شد.» *[امالی الصدوق، ص ۱۲۸]*

## عزاداری دارید؟

ح اصل مهم، زنده بودن عزاداری‌ها و توسّلات به ساحت مقدّس حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام است؛ که در همه اوقات مناسب است و اگر در عصر عاشورا و شب یازدهم با همان شور روز عاشورا باشد، بسیار به جاست.

## ۱۳۷. در مراسم‌ها، آیا نماز جماعت اوّل وقت مهم‌تر است یا ادامه عزاداری

امام حسین علیه السلام؟

ح اقامه نماز اوّل وقت، به خصوص نماز جماعت، از هر عملی، حتّی عزاداری، مهم‌تر و افضل است و نباید از آن تخلّف شود؛ چنان‌که خود امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا و در بحبوحه جنگ، نماز را به جماعت اقامه کردند<sup>۱</sup> و در زیارت ایشان نیز می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ».<sup>۲</sup>

۱۳۸. چند سالی است بسیاری از هیئت‌های مذهبی ظهر تاسوعا و عاشورا، به اقامه نماز ظهر می‌پردازند و به سیره حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام اقتدا می‌کنند. از آنجایی که هنوز برخی هیئت‌ها به این مهم بی‌توجّه هستند، توصیه حضرت تعالی در این رابطه چیست؟

ح باید به این امر مهم حیاتی که بحمدالله در میان عزاداران حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام رونق خوبی گرفته، اهمیّت بدهند و این مهم را حتماً رعایت نمایند.

## ۱۳۹. آیا مصادیق گوناگون عزاداری، مانند زنجیرزنی و سینه‌زنی در شهرها

و کشورهای مختلف، مورد تأیید شرع مقدّس می‌باشد؟

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱؛ مقتل الحسین علیه السلام (الخوارزمی)، ج ۲، ص ۲۰.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۴: «شهادت می‌دهم که تو نماز را اقامه و برپا کردی.»

ح هرچه مصداق عزاداری به شکل متعارف باشد، مورد تأیید شرع مقدّس است و از افضل اعمال است.

۱۴۰. نظر جنابعالی در رابطه با کیفیت مطلوب نحوه برگزاری مجلس عزاداری برای اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟

ح عزاداری‌های متعارف بهترین ثواب را دارد و شعار شیعه است؛ بلکه علت مبقیه تشیع است و باید باشد، ولی باید متعارف بوده و بدآموزی نداشته باشد و بهانه دست دشمنان شیعه داده نشود.

۱۴۱. آیا جلسات عزاداری به شکل کنونی و راه انداختن دسته‌های عزاداری و امثال آن، بدعت در دین رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیست؟

ح خیر، بدعت نیست؛ عزاداری به شکل متعارف و به تعبیر مرحوم استاد بزرگوار و عظیم الشان ما، حضرت امام (علیه السلام) عزاداری به شیوه سنتی، از افضل اعمال و قربات الهی و مورد تأکید اکید پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) و حضرات ائمه هدی (علیهم السلام) می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱۴۲. با توجه به اینکه امروزه برخی از مجالس عزاداری، تنها به مدّاحی و سینه‌زنی اختصاص پیدا کرده و کمتر معارف ناب شیعه و درس‌های عاشورا در آن جلسات بیان می‌گردد، نظر حضرت‌عالی درباره محتوای لازم برای جلسات عزاداری، چیست؟

ح زنده نگه داشتن جلسات عزاداری و شرکت با سوز و گداز در آن جلسات،

---

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲ تا ۲۸۵؛ ج ۴۵، ص ۲۵۷.

موجب استمرار نهضت امام حسین علیه السلام است و تشیع را زنده نگه می‌دارد؛ اما باید دانست که نهضت امام حسین علیه السلام درس‌های اخلاقی فراوانی نیز دارد و در حالی که باید عزاداری کنیم و آثار و برکات این رویداد عظیم را زنده نگه‌داریم، به آن درس‌ها هم باید توجه و عمل نماییم.

عاشورا، معلّم اخلاق است و درس‌های اخلاقی آموزنده‌ای نظیر صبر، ایثار، فداکاری و شهادت‌طلبی را به ما می‌آموزد؛ لذا شرکت‌کنندگان در جلسات عزاداری باید از مصائبی که راجع به شهدای گرانقدر کربلا و اسارت آل الله بیان می‌شود، سرمشق‌های اخلاقی بگیرند و در زندگی به آنها عمل کنند تا رستگار شوند.

بانیان و مجریان این جلسات نیز باید در نظر داشته باشند که عزاداری همراه با معرفت و شناخت، باعث ارتقای معنویت و اخلاق و تکامل مخاطبان، به‌خصوص نسل جوانان می‌شود و استفاده از سخنرانی خوب برای بیان معارف اسلامی در زمینه اعتقادات، احکام و اخلاق لازم است.

### ۱۴۳. نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته‌های عزاداری در

شب‌های محرم تا نصف شب، همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

حاصل عزاداری خوب است؛ لکن نباید موجب مزاحمت باشد و استفاده از آلات موسیقی مثل نی هم جایز نیست.

### ۱۴۴. آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن چادر و لباس مناسب که

بدن آنها را بپوشاند، به‌دنبال دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی حرکت کنند؟

حاصل جایز، بلکه خوب است.

۱۴۵. در حسینه‌ها و مساجد بیشتر مناطق، به خصوص روستا، مراسم شبیه‌خوانی به اعتبار اینکه از سنت‌های قدیمی است برگزار می‌شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد، این مراسم چه حکمی دارند؟  
 ح این گونه کارها با تنزه عزاداری و عظمت اهل بیت (علیهم‌السلام) سازگار نیست.

۱۴۶. در ایام محرم، زنان به دنبال هیئت‌های عزاداری به راه می‌افتند و بعضاً با حجاب نامناسب و وضع زننده موجب جلب توجه نامحرمان می‌شود؛ لذا برخی خواهران در این ایام یا به مناسبت‌های دیگر، دست به تشکیل جلسات مخصوص خواهران در تکایا و حسینه‌ها زدند تا خواهران مستقلاً به روضه‌خوانی و عزاداری بپردازند و از عوارض منفی حضور آنان در منظر نامحرمان بکاهند، آیا حضرت‌عالی این روش را تأیید می‌فرمایید؟  
 ح چنانچه در عزاداری‌ها، اختلاط زن و مرد نباشد و مراعات حجاب بشود و موجب توجه نامحرم نگردد، شرکت زنان محترمه در عزاداری با مردان مانعی ندارد؛ چنان که عزاداری اختصاصی هم خوب است.

۱۴۷. بعضی از حسینه‌ها و مساجد مراسم عزاداری را فقط در مکان خود انجام می‌دهند و به خیابان‌ها نمی‌روند، با توجه به اینکه عزای امام حسین (علیه‌السلام) همیشه باید در جامعه جاری باشد تا تأثیر بهتری بگذارد، اگر عذر شرعی مانند شیوع بیماری‌های همگانی و نظایر آن در کار نباشد، این کار چه حکمی دارد؟

ح به خیابان‌ها آمدن جایز است، چنان که در حسینه‌ها عزاداری شود جایز است و هرطور صلاح بدانند عمل کنند، اشکال ندارد؛ ولی در مثل تاسوعا و عاشورا، اگر یک جمعیت دشمن‌شکنی در خیابان‌ها و حسینه‌ها باشد، خیلی خوب

است و مصداق کامل «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup> است.

۱۴۸. چرا برای زنده نگه داشتن عاشورا و راه امام حسین (علیه السلام) به جلسات سخنرانی، همایش و گفتگو، اکتفاء نمی شود و روضه، گریه، سیاه پوشی و عزاداری بر گزار می شود؟

ح عزاداری به شور ویژه و مخصوص خود نیاز دارد؛ البته شور همراه با شعور و در چهارچوب شرع. شور و شعور و شرع در عزای حسینی به هم آمیخته است و به همین دلیل هم از افضل اعمال و قربات الهی است. وقتی شاعری در حضور امام صادق (علیه السلام) مرثیه خوانی کرد، حضرتش به وی فرمود: «همان طوری که در مجالس خود با حالت شور و عزا می خوانید، بخوان»<sup>۲</sup>. در عزاداری ها، باید آخر سخنرانی، ذکر مصیبت باشد و آن نظیر نمک در غذاست و مراعات این امر شعار شیعه است و نباید به فراموشی سپرده شود و نباید تضعیف گردد.

۱۴۹. مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) چگونه می تواند باعث تهذیب نفس و ارتقای کمالات اخلاقی در انسان شود؟ به عبارت دیگر چگونه می توانیم

---

۱. حج، ۳۲: «و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، این کار نشانه پاکی دل هاست.»

۲. کامل الزیارات، ص ۱۰۴ و ۱۰۵: «يَا أَبَا هَارُونَ أَتُشِدُّنِي فِي الْحُسَيْنِ (علیه السلام). قَالَ فَأَشَدُّنُهُ فَبَكَي، فَقَالَ أَتُشِدُّنِي كَمَا تُشِدُّونَ يَعْنِي بِالرَّقَّةِ - ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین (علیه السلام) برایم می خوانی؟ ابا هارون می گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن حضرت گریستند. سپس فرمودند: همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می خوانید برایم بخوان؛ یعنی با رقت و شور.»

## ضمن شرکت در عزاداری و گریه کردن و سینه زدن، از نظر اخلاقی هم پیشرفت کنیم؟

۲۸ راهکار آن، تفکر و تأمل در روش زندگانی اهل بیت علیهم السلام و سرمشق قراردادن سیره آن بزرگواران در زندگی است. مثلاً عزاداران، ضمن شرکت در مجالس عزاداری، باید توجه کنند که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، در آن بحبوحه جنگ، نماز جماعت خواندند، پس شیعه ایشان هم باید به نماز اهمیت بدهد. در عزاداری ها می فهمیم که امام حسین علیه السلام به خاطر دین، همه هستی خود، حتی بچه شیرخوار را در راه خدا فدا کردند، پس ما نیز باید درباره دین، از هیچ کوششی دریغ نکنیم و لااقل در حفظ دین خود و اطرافیان کوشا باشیم. ایثار شهدای کربلا را ببینیم و در رابطه با دیگران، ایثار و گذشت و فداکاری داشته باشیم. بنابراین، حتی در یک شبانه روز یا یک جلسه عزاء، انسان می تواند جداً خود را اصلاح کند و با برقراری رابطه عاطفی با امام حسین علیه السلام، از نظر اخلاق و سیروسلوک پیشرفت نماید و خود را مهذب سازد.

## آسیب‌شناسی عزاداری

۱۵۰. خرافات موجود در عزاداری‌های مذهبی، در حال حاضر کدام است؟  
 ✍ تشریفات، گریه‌های افراطی، مداحی‌های دروغ، نی‌زدن، به کاربردن آلات موسیقی و مانند این‌ها، خرافات است.

۱۵۱. آیا بستن نخ، زنجیر، قفل و نظایر آن به درخت، ضریح یا پنجره‌های اماکن مذهبی و مشاهد مشرفه در ایران، عراق یا حجاز صحیح است؟  
 ✍ این نوع کارها عوامانه است و موجب بدآموزی است؛ به ویژه اینکه شیعه را متهم به خرافات می‌کنند و از این جهت، باید ترک شود.

۱۵۲. آیا گفتن داستان‌ها و روضه‌هایی که از امام حسین (علیه السلام) چهره‌ای ناتوان و خوار می‌سازد، صحیح است؟  
 ✍ در فرض مذکور حرام است و باید جلسات عزاداری و عرض توسل به محضر ائمه طاهرين (علیهم السلام) هیچ‌گونه بدآموزی و وهن تشبیح یا وهن مقدسات در آن نباشد.



۱۵۳. وظیفهٔ بانیان و شرکت‌کنندگان، در مقابل مدّاحانی که بدون سند

معتبر روضه می‌خوانند یا به صورت غنائی می‌خوانند، چیست؟

✍ اگر می‌توانند باید نهی از منکر کنند یا در آن جلسه شرکت نکنند و باید توجه داشت که غالب مُنکراتی که در مجالس عزاداری پیدا می‌شود، تقصیر آن بانیان و بلکه عزاداران نیز می‌باشد.

۱۵۴. خواندن روضه‌های دروغ و غیرمعتبر که بعضاً موجب تمسخر و هتک

می‌گردد، چه صورت دارد؟

✍ معلوم است که جایز نیست.

۱۵۵. در بعضی از هیئت‌های مذهبی، مصیبت‌هایی خوانده می‌شود که

مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده

است و هنگامی که از مدّاح دربارهٔ منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهد که

اهل بیت علیهم‌السلام این گونه به ما فهمانده‌اند یا ما را راهنمایی کرده‌اند و واقعهٔ

کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط گفته‌های علما نمی‌باشد،

بلکه گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه

مکشوف می‌شود؛ سؤال این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح

است یا خیر؟ در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

✍ اگر آنچه می‌گوید، دروغ آشکار نباشد و مخالف با تنزه اهل بیت علیهم‌السلام نباشد

و در بیان خود، احتمال وقوع آن را بدهد، جایز است.

۱۵۶. برخی از ذاکرین در مدایح اهل بیت علیهم السلام تعبیراتی مانند «مست مستمن من، هرچه بادا باد، علی پَرستم من، همچو زهرا مادرت از همه خوشگل تری، حسین اللّهی ام، سگ حسینم و...» را به کار می‌برند که به نظر می‌رسد با شأن اهل بیت علیهم السلام و حتّی عقاید شیعه، منافات دارد. به کار بردن این الفاظ چه صورت دارد و حکم شرکت در این مجالس چیست؟

این گونه کلمات نه تنها جایز نیست، بلکه اشبه به کلمات شیطانی است، در حالی که در مراسم توسّل و عزاداری که از افضل قربات است، باید با کلمات رحمانی سخن گفت. از برخی از این تعابیر، برداشت شرک‌آلود می‌شود و گفتن کلمات نامناسب که مربوط به افراد خاص است، در حقّ ائمّه طاهرین علیهم السلام، حرام است و مورد غضب حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

عزاداری، باید متعارف و به شکل سنتی باشد و سوژه و بهانه دست بدخواهان تشیع ندهد. شرکت در این گونه جلسات نیز خوب نیست و اگر تأیید کار آنها شمرده شود، جایز نیست.

۱۵۷. خواندن مرثیه و مدیحه‌هایی که شنوندگان را در جشن‌های میلاد ائمّه علیهم السلام و عید مبعث و غدیر به گریه بیندازد چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد، ولی در روایات معصومین علیهم السلام آمده است که در شادی ما شادی کنید و در عزای ما غمناک باشید و عزاداری کنید.<sup>۱</sup>

۱. *المخصال*، ج ۲، ص ۶۳۵: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاحْتَارَآا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا - به راستی که خداوند متعال توجهی بر زمین کرد و ما را برگزید و برای ما شیعه‌ای برگزید که ما را یاری کنند و در شادی ما شاد و در غم و اندوه ما اندوهگین گردند.»

۱۵۸. استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ و پیانو و نی، در مراسم عزاداری

چه صورت دارد؟

✍ استفاده از آلات موسیقی به خصوص در عزاداری، جایز نیست.

۱۵۹. خواندن شعر و موسیقی با سبک غربی یا با ترانه، با مضمون‌های اخلاقی

یا با مضمون شهادت و عاشورا و انقلاب و نظایر آن، چه حکمی دارد؟ آیا

می‌توان به آنها گوش داد؟

✍ خواندن و گوش دادن حرام است.

۱۶۰. افرادی که فقط در مجلس سخنرانی شرکت می‌کنند و در مراسم

روضه و مرثیه شرکت نمی‌کنند یا برعکس، آیا کار آنها صحیح است؟

✍ هر دو کار، صحیح نیست؛ زیرا هدف از برگزاری مجالس عزاداری، هم

بیان و آموزش معارف دین، اعتقادات، احکام و اخلاق شریعت مقدّسه است که به

وسیله سخنرانی انجام می‌گیرد، هم توسّل و ذکر مصیبت ائمه هدی علیهم‌السلام و

بالأخص حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام که به وسیله روضه‌خوانی انجام می‌شود و

لذا بی‌اعتنایی به هر کدام، درست نیست و اگر صورت اعراض یا وهن پیدا کند،

جایز نمی‌باشد.

۱۶۱. معیار شرعی ضرر، اعمّ از جسمی یا روحی چیست؟

✍ یک معنای عرفی و موکول به فهم عرف است و همین مقدار که عرف

مردم بگویند ضرر است، باید اجتناب شود.

۱۶۲. در برخی مجالس عزاداری، مداحان با الفاظ نامناسب به ائمه علیهم السلام خطاب می‌کنند یا عزاداران، به‌عنوان عزاداری، به صورت خود چنگ انداخته یا زنجیر خاردار می‌زنند و بر بدن و لباس آنان خون جاری شده و لباس و بدن و منزل دیگران را نجس می‌کنند، از آنجایی که این گونه روش‌ها در حال ترویج بوده و مجالس را از وزانت و معنویت تهی ساخته، چه بسا موجب وهن مقدّسات می‌شود، تکلیف ما را در این رابطه روشن فرمایید؟

✍ این گونه حرف‌ها و روش‌ها نباید باشد و به‌طور کلی باید متروک شود و شأن عزاداری‌ها که از بهترین عبادات است، محفوظ بماند.

۱۶۳. قمه زنی برای ابا عبدالله الحسین علیه السلام یا سایر ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

✍ حرام است؛ علاوه بر این، در این زمان وهن برای تشیع است و همچنین هرچه نظیر قمه‌زنی است، مانند زنجیر تیغ‌دار. ضمن آنکه مراعات قوانین هر مملکتی، مخصوصاً قوانین جمهوری اسلامی، واجب است.

۱۶۴. آیا قمه زدن به‌طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف حضرت‌عالی عمومیت دارد؟

✍ جایز نیست.

۱۶۵. اگر قمه زدن در عزاداری ائمه علیهم السلام موجب مرگ شخص شود، آیا این عمل خودکشی محسوب می‌شود؟

✍ اصل قمه‌زدن جایز نیست؛ ولی در فرض مذکور، خودکشی نیست.

۱۶۶. در روز عاشورا مراسمی مانند قمه زنی و پابرهنه وارد آتش و ذغال روشن شدن، برگزار می شود که علاوه بر بدنام کردن مذهب شیعه در انظار علما و پیروان مذاهب اسلامی و مردم جهان، ضررهای جسمی و روحی هم به این اشخاص وارد می کند و همچنین موجب توهین به مذهب می گردد، نظر شریف حضرتعالی در این باره چیست؟

ح این گونه کارها جایز نیست، به ویژه آنکه موجب وهن تشیع می شود و مخالف با قوانین جمهوری اسلامی است و مراعات قوانین هر مملکتی برای اشخاصی که در آن مملکت زندگی می کنند، واجب است.

۱۶۷. لطمه زدن به خود به صورت های متفاوت چه حکمی دارد؟ (روی کندن و سینه زدن به صورتی که زخم یا کبود شود و...)

ح این گونه اعمال با تنزه عزاداری ها سازگاری ندارد و امید است با تذکر و تنبه به طور کامل متروک شود.

۱۶۸. برهنه شدن مردان در هنگام عزاداری چه حکمی دارد؟ اگر زنان نامحرم حضور داشته باشند، چه حکمی دارد؟

ح اگر در حضور نامحرم باشد و یا به طور کلی احتمال مفسده وجود داشته باشد، جایز نیست و چنان که گفته شد عزاداری ها باید به صورت متعارف برگزار شود.

۱۶۹. در برخی رسانه ها بیان می شود که بعضی مراجع تقلید، به خصوص در زمان گذشته، قمه زنی را جایز می دانسته اند. از طرفی می دانیم که مراجع تقلید فعلی و از جمله حضرتعالی، این گونه کارها را جایز نمی دانند. آیا این

اختلاف فتوا از اختلاف مبنای فقهی و اصولی مراجع سرچشمه گرفته است؟ آیا با توجه به اینکه امروزه دشمنان تشیع از این عمل نهایت سوء استفاده را بر علیه اصل تشیع و شیعیان می کنند، افراد می توانند با استناد به یک فتوا، مبادرت به قمه زنی و نظایر آن داشته باشند؟ آیا به خاطر پایان دادن به شبهات در این باب، راهی برای اتفاق نظر وجود ندارد؟

✍ مراجع معظم تقلید در این زمینه اختلاف مبنایی ندارند و همه آن بزرگواران در خصوص عملی که موجب وهن اسلام و تشیع بشود، فتوا به حرمت داده اند؛ اما متأسفانه برخی رسانه ها به آتش اختلاف دامن می زنند و این گونه کارها را ترویج می کنند و به تشیع ضربه می زنند که گناه آنان بزرگ است.

۱۷۰. درباره قمه زنی، بعضی پا را فراتر می گذارند و می گویند: «این کار نزاع عقل و عشق است» یا «این امور در محدوده فقه نیست»، لطفاً در این باره توضیح فرمایید؟

✍ این گونه بیان ها که نظیر آن را هم اینجانب سال ها قبل، در کتاب «جهاد با نفس» نقل کرده ام،<sup>۱</sup> فرار از جواب است و چون مسئله، یک مسئله فقهی است، باید طبق نظر فقها عمل شود و به نظر اینجانب، در وضع فعلی قمه زدن جایز نیست.

۱۷۱. آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) گوشت بدن خود را سوراخ کرده، قفل و سنگ به آن آویزان می کنند، جایز است؟

✍ جایز نیست و این گونه امور باید متروک شود.

---

۱. جهاد با نفس، ج ۳، ص ۳۷.

۱۷۲. در بعضی از مساجد، در ایام عزاداری از عَلم‌های متعدّدی استفاده می‌شود که دارای تزئینات زیاد و گران‌بایی است و گاهی موجب سؤال متدبّین از اصل فلسفه آنها می‌گردد و در برنامه‌های تبلیغی خللی ایجاد می‌کند و حتّی با اهداف مقدّس مسجد تعارض دارد، حکم شرعی در این رابطه چیست؟

✍ اشکال ندارد، ولی نبود آن بهتر است.

۱۷۳. بالا و پایین پریدن در هنگام عزاداری و سینه زنی که به هروله معروف شده است، چه حکمی دارد؟

✍ عزاداری‌ها باید به شکل متعارف باشد و انجام اعمال و حرکات غیرمتعارف، موجب وهن و نیز سبب بدآموزی است.

۱۷۴. اگر بعضی از واجبات، به سبب شرکت در مجالس عزاداری، از مکلف فوت شود؛ مثلاً نماز صبح او قضا شود، آیا بهتر است پس از این، در این گونه مجالس شرکت نکند یا اینکه شرکت نکردن او باعث دوری از اهل بیت علیهم‌السلام می‌گردد؟

✍ باید در مجلس عزاداری شرکت بکند؛ لکن به گونه‌ای عمل کند که نماز او قضاء نشود.

۱۷۵. بسیار دیده شده، مردم برای گرفتن یک ظرف غذا، در محلّ عزاداری امام حسین علیه‌السلام صف‌های طولانی می‌بندند، آیا غذا، چایی و سایر خوردنی‌ها که در جلسات عزاداری توزیع می‌شود، خاصیت ویژه‌ای دارد و آیا این کار صحیح است؟

ح بنابر آنچه ذکر شده، به دلیل آنکه مربوط به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) است، خاصیت ویژه دارد، لکن این کار خوب نیست، زیرا موجب بدآموزی است و نباید عزاداران و شیعیان کاری کنند که انگشت نما شوند و بهانه به دست بدخواهان بدهند و اگر موجب ضربه خوردن به شخصیت آنها باشد، جایز نیست.

۱۷۶. در بعضی از مناطق، زنان، مراسمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل (علیه السلام) یا برنامه‌هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه (علیه السلام) برگزار می‌کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می‌زنند و سپس شروع به رقص می‌کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟

ح رقص به هر عنوان که باشد و کف‌زدن که شبیه به رقص است، در شأن انسان نیست و حرام است؛ بلکه مطلق کف‌زدن در عزاداری‌ها و جشن‌های مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) و در مکان‌های مقدس نظیر مساجد و حسینیه‌ها، اشکال دارد.

۱۷۷. آیا صحیح است که بگوییم: چون مجالس اهل بیت (علیهم السلام) اهمیت فراوانی دارد، پس هر کس به نام ایشان هر کاری بکند درست است؟

ح مجالس اهل بیت (علیهم السلام) اعم از مجالس جشن و سرور یا عزاداری‌ها و توسل‌ها، به منظور ترویج دین مبین و مبانی حیات بخش دینی و معنوی است، چنان که شهادت آن بزرگواران هم، مثل سایر اعمال آنان در همین جهت و مسیر بوده است:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ



## المُنْكَر...»<sup>۱</sup>

بنابر این آمیختن آن مجالس به معصیت، گناه، خلاف شرع و بلکه انجام هرگونه عملی که باعث وهن آن مجالس و بی‌حرمتی باشد، از گناهان بزرگ به شمار می‌آید و موجب قهر و ناراحتی قلوب مبارک آن حضرات است؛ چنان‌که اهل دل و شهود نیز فراوان نقل کرده‌اند که وجود منکرات در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام باعث قهر و نگرانی آن بزرگواران است<sup>۲</sup> و به جد باید از آن پرهیز نمود.

### ۱۷۸. وظیفه شیعیان در برابر تحریف‌ها و بدعت‌های عاشورا چیست؟

ح به آنها دامن نزنند و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکنند و به اندازه ممکن، حقیقت‌ها را بگویند.

۱۷۹. از ساختمان حسینیّه صدای قرائت قرآن و مجالس عزاداری پخش می‌شود، به‌طوری که صدای بلند آن بیرون از حسینیّه هم شنیده می‌شود و این امر موجب سلب آسایش همسایگان شده است و مسئولین و سخنرانان حسینیّه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟

---

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۰۳.

۲. طبق آنچه معظم‌له در یکی از جلسات درس اخلاق نقل فرمودند: یکی از بزرگان پس از نیمه شعبان، امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کردند. ولی دیدند صورت حضرت سیاه شده بود. آن عالم از حضرت پرسید: آقا چه شده که صورت شما سیاه شده است؟ حضرت فرمودند: در جشن‌های نیمه شعبان، برای تشکر از شرکت‌کنندگان و بانیان به جلسات جشن سری زدم، اما از بس مردم در آن گناه می‌کردند، در حقیقت به صورتم سیلی زدند و صورتم بر اثر آن، سیاه شده است.

ح باید صدای عزاداری و قرائت قرآن موجب مزاحمت نباشد؛ مخصوصاً در ساعات دیر وقت.

## سؤالات فقهی

۱۸۰. آیا تکایا، حسینیه‌ها و حرم امامان، مشمول احکام مسجد هستند؟

حرم‌های ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) حکم مسجد را دارد، ولی رواق‌ها، صحن‌ها، حسینیه‌ها، تکایا و سایر اماکن مذهبی، گرچه حکم مسجد را ندارند؛ اما باید حرمت آن مکان‌ها حفظ شود.

۱۸۱. برداشتن اشیاء گوناگون مانند خاک، سنگ، پرچم و گلدان از مشاهد

مشرّفه و اماکن مذهبی و جلسات عزاداری، برای تبرّک، چه حکمی دارد؟ از چه

کسی باید اجازه گرفت؟

برداشتن بدون اجازه جایز نیست و باید از مسئولین مربوط، مثل مُتولّی یا نظیر

او، اجازه گرفت، مگر مثل خاک که ارزش مادی خاصی ندارد؛ البته آن هم اگر از جایی

مثل بقیع باشد که وهن تشییع محسوب می‌شود، جایز نیست.

**۱۸۲. گاهی در مجالس عزاداری بانوان، صدای آنان با بلندگو به گوش مردان رهگذر می‌رسد، آیا این عمل اشکال دارد؟**

✍ بلی، اشکال دارد و نباید انجام شود. به‌طور کلی صدای بلندگوهای مجالس عزاداری، چه در مساجد و تکایا و چه در منازل و امکنة دیگر هم نباید از حدّ مجلس فراتر رود، به‌ویژه در اوقات استراحت دیگران.

**۱۸۳. آیا در ماه محرم و صفر و روزهای سوگواری اهل بیت (علیهم‌السلام)، آرایش نمودن خانم‌ها و رنگ کردن موها، اشکال دارد؟**

✍ حفظ حرمت و احترام این ایام لازم است و تخلّف از آن وجهی ندارد؛ به ویژه در مجالس رسمی و عمومی بانوان.

**۱۸۴. در جلسات عزاداری، سخنرانی افراد غیر روحانی یا غیر معمم، البته با دانش کافی، چه حکمی دارد؟ استفاده از منبر برای ایشان چه حکمی دارد؟**

✍ روی منبر نشستن برای افراد غیرمعمّم سزاوار نیست؛ لکن سخنرانی کردن آنان در فرض مذکور مناسب است؛ مشروط بر اینکه مخالفان یا معاندان نخواهند از این راه، تضعیف روحانیّت نمایند، چنان‌که امام‌جماعت شدن اشخاص غیرمعمّم نیز به همین ترتیب می‌باشد.

**۱۸۵. برپایی مجالس عقد یا عروسی در ایّام و لیالی شهادت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و راه‌اندازی کاروان‌های شادی که موجب هتک حرمت این ایّام و مناسبت‌ها می‌شود، چه حکمی دارد؟**

✍ جایز نیست و مبارک نخواهد بود.

**۱۸۶. آیا برگزاری جلسات ویژه برای اقشار و گروه‌های سنی مختلف نظیر جوانان، دخترها، بانوان و... و بیان معارف در سطح هر گروه مفید و مورد تأیید**

است؟

✍ جایز است؛ بلکه کار مناسب و خوبی است؛ مشروط بر اینکه موجب تفرقه میان مؤمنین نشود و وحدت در مجالس عزا محفوظ باشد؛ زیرا مخالفان و معاندان در صدد هستند که به هر وسیله‌ای وحدت اجتماعی و اسلامی ما را مخدوش نمایند و لذا باید این جهت را مواظبت نمود.

۱۸۷. آیا خوانندگی زن در مجالس عزاداری با علم به اینکه مردان نامحرم صدای او را می‌شنوند، جایز است؟

✍ جایز نیست.

۱۸۸. آیا خانمی که عادت ماهیانه است، می‌تواند زیارت عاشورا را موقعی که پاک نیست بخواند و سجده برود؟

✍ جایز است.

۱۸۹. بعضی وسایل هست که فقط جهت مراسم محرم استفاده می‌شود، مانند دیگ، طبل، عَلم، فرش و پارچه، آیا این، نوعی اسراف نیست و آیا از این وسایل و اماکن، نباید استفاده دیگری نمود؟

✍ اسراف نیست؛ لکن مسلم است که از این امکنه و وسایل باید حداکثر بهره‌برداری فرهنگی، به نفع دین و تشییع صورت پذیرد و امیدواریم با توجه متولیان، این نقیصه مرتفع شود و بدانند که رضایت حضرت حسین بن علی (علیه السلام) هم در همین است که برای ترویج دین، از هر مکان و وسیله‌ای استفاده همیشگی شود.

۱۹۰. اگر شخصی عَلمی را برای عزاداری سیدالشهداء (علیه السلام) نذر کرده باشد، آیا جایز است مسئولین حسینیّه از قبول آن خودداری کنند؟

✍ اگر وجه عقلایی داشته باشد، می‌توانند منع کنند و نذر او هم واجب‌الوفاء نیست.

۱۹۱. باقیماندهٔ اموالی که به عنوان هزینه‌های مراسم عاشورای امام حسین علیه السلام جمع آوری می‌شود، در چه موردی باید خرج شود؟  
✍ در عزاداری‌های ائمهٔ اطهار علیهم السلام مصرف شود.

۱۹۲. آیا جایز است در ایام محرم از افراد خیر اموالی را جمع آوری کرد و با تقسیم آنها به سهم‌های مختلف، قسمتی را به قاری قرآن و مرثیه‌خوان و سخنران داد و باقیمانده را برای برگزاری مجالس مصرف کرد؟  
✍ جایز است.

۱۹۳. تصویربرداری از مراسم عزاداری که مردها در آن برهنه شده‌اند، چه حکمی دارد؟ اگر تصویربرداری شده و تصاویر مستقیماً در مجلس خانم‌ها پخش شود، چه حکمی دارد؟  
✍ خوب نیست، ولی در هر صورت، نگاه نامحرم به آنها، ولو تصویری، جایز نیست.

۱۹۴. آیا حرکت با دسته‌های عزاداری به صورت پا برهنه جایز است؟  
✍ مانعی ندارد.

۱۹۵. در برخی از مجالس عزاداری ابا عبدالله علیه السلام بر اساس شمایی منسوب به ایشان عزاداری صورت می‌گیرد فتوای حضرتعالی در این رابطه چیست؟  
✍ جایز نیست.

۱۹۶. ذبح گوسفند یا گاو نذری جلوی دسته‌های عزاداری و در خیابان چه حکمی

دارد؟

✍ اشکال ندارد.

۱۹۷. در ایام ماه محرم بعد از سخنرانی، در نظر است که فیلم‌هایی را با موضوعات ذیل پخش نماییم، لذا خواهشمندیم بفرمایید:

الف. پخش فیلم در مسجد که جهت روشنگری درباره قیام امام حسین علیه السلام باشد، چه حکمی دارد؟

ب. پخش فیلم‌هایی که بیانگر بدعت‌ها در قیام امام حسین علیه السلام است، چه حکمی دارد؟

✍ اگر در فیلم‌ها بدآموزی نباشد و موسیقی در آن نباشد و صد درصد اسلامی باشد، جایز است؛ ولی چیزی که خیلی مهم است، آنکه با تقدس مسجد منافات نداشته باشد.

۱۹۸. اگر کسی بدهکار باشد و طلبکار از او راضی نباشد، می‌تواند به زیارت کربلا برود؟ زیارت او چه حکمی دارد؟

✍ اگر می‌تواند بدهی خود را بدهد و نمی‌دهد، اعمال او گرچه ممکن است صحیح باشد، ولی مقبول درگاه پروردگار متعال نیست.

۱۹۹. آیا این مطلب که بعضی از افراد می‌گویند: «ریا کردن در مجلس اباعبدالله الحسین علیه السلام جایز است» صحیح است؟

✍ ریا، در هر امری جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری و گریه کردن و سینه‌زدن و نظائر آن، ریا محسوب نمی‌شود.

۲۰۰. در برخی از روایات آمده است که یک رکعت نماز در مسجد الحرام، برابر

با یک میلیون رکعت نماز در جاهای دیگر است<sup>۱</sup> و بر این اساس، برخی از متدینین، زیارت امام حسین علیه السلام و عتبات عالیات را ترک می‌کنند تا به سفر عمره بروند. از برخی اهل علم هم شنیده‌ام زیارت امام حسین علیه السلام اعمال خاصی ندارد و حج و عمره اعمال مشخص و مناسک خاصی دارد که اجر و ثواب بسیاری برای زائر به همراه دارد و اگر پول و هزینه‌ای فراهم شد، بهتر است انسان به عمره برود تا به کربلا، آیا مناسک و اعمال خاص و اجر و ثواب، دلیل مناسبی برای ترک زیارت کربلای معلی است؟

هر دو فضیلت دارد و دائرمدار تکلیف است؛ یعنی انسان در هر موقعیتی باید وظیفه خود را بشناسد و به آن عمل کند؛ اما منع دیگران از رفتن به کربلا هم بسیار بد است، ضمن اینکه ثواب زیارت امام حسین علیه السلام، اگر بیشتر از عمره نباشد، کمتر نیست.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۸: «الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تُعَدُّ أَلْفَ

صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي - نمازی که در مسجد من (مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم) خوانده شود، مانند هزار نماز است که در مسجد دیگری خوانده شود، مگر در مسجد الحرام. همانا یک نماز در مسجد الحرام، معادل هزار نماز در مسجد من است.»



## منابع و مصادر تحقيق

١. قرآن الكريم.
٢. إثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي، قم، انصاريان، چاپ سوّم، ١٤٢٦ ق.
٣. الإحتجاج علي أهل اللجاج، أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي، مشهد، نشر مرتضي، ١٤٠٣ ق.
٤. إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قاضي نور الله بن السيد شريف الشوشتري، با تعليقات سيد شهاب الدين مرعشي نجفي، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ١٤٠٩ ق.
٥. احياء علوم الدين، ابو حامد محمد بن محمد غزالي، بيروت، دار الكتاب العربي، [بي تا].
٦. الاخبار الطوال، أحمد بن داود الدينوري، قم، شريف رضى، ١٣٧٣ ش.
٧. الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، قم، كنز جهماني شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
٨. اختيار معرفة الرجال (رجال كشي)، ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي، تحقيق: حسن مصطفوي، مشهد، دانشگاه مشهد، ١٣٤٨ ش.
٩. إرشاد القلوب، ابو محمد حسن بن ابى الحسن الديلمي، قم، شريف رضى، ١٤١٢ ق.
١٠. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، قم، كنز جهماني شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
١١. أسد الغابة في معرفة الصحابة، عز الدين بن الأثير أبو الحسن علي بن محمد الجزري، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ ق.
١٢. الإصابه في تمييز الصحابة، احمد بن علي بن حجر العسقلاني، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق.
١٣. إعراب القرآن، احمد بن محمد بن اسماعيل بن يونس مرادي، ابن نحاس، بيروت، منشورات محمد علي بيضون، ١٤٢١ ق.
١٤. إعلام الوری بأعلام الهدی، ابو علي فضل بن حسن بن فضل الطبرسي، تهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثالثة، [بي تا].

١٥. أعيان الشيعة، سيد محسن امين عاملي، بيروت، دار التعارف، ١٤٠٣ ق.
١٦. الأمل، ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي، قم، دار الثقافة، ١٤١٤ ق.
١٧. الأمل، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، شيخ صدوق، قم، كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٢ ش.
١٨. الأمل، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شيخ مفيد، قم، انتشارات كنگره جهاني شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
١٩. الإمامة و السياسة، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، تحقيق: طه محمد الزيني، بيروت، مؤسسة الحلبي و شركاه للنشر و التوزيع، [بى تا].
٢٠. إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تقي الدين أحمد بن علي المقرئ، تحقيق محمد عبد الحميد النميسي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ ق.
٢١. انساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٧ ق.
٢٢. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، محمد بن حسن بن علي بن محمد، شيخ حرّ عاملي، تهران، نويد، ١٣٦٢ ش.
٢٣. مجار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي بن مقصود علي مجلسي، علامه مجلسي، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ ق.
٢٤. البداية و النهاية، أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ ق.
٢٥. البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بحراني، تهران، بنياد بعثت، ١٤١٦ ق.
٢٦. بشارة المصطفى، ابو جعفر محمد بن ابى القاسم طبري، عماد الدين طبري، نجف، كتابخانه حيدريه، ١٣٨٣ ق.
٢٧. بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ صفار، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، ١٤٠٤ ق.
٢٨. البلد الأمين، شيخ تقي الدين، ابراهيم بن علي عاملي كفعمي، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤١٨ ق.
٢٩. تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، شمس الدين محمد بن احمد الذهبي، تحقيق عمر عبد السلام تدمري، بيروت، دار الكتاب العربى، الطبعة الثانية، ١٤١٣ ق.

٣٠. تاريخ الأمم و الملوك (تاريخ الطبري)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري، تحقيق: نخبة من العلماء الأجلاء، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، [بي تا].
٣١. التاريخ الكبير، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم البخاري، تركيه، المكتبة الاسلاميه، [بي تا].
٣٢. تاريخ اليعقوبي، احمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب، اليعقوبي، بيروت، دارصادر، [بي تا].
٣٣. تاريخ مدينة دمشق، ابو القاسم علي بن حسن بن هبة الله شافعي دمشقي، ابن عساکر، تحقيق: علي شيري، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ ق.
٣٤. تأويل الآيات الظاهرة، سيد شرف الدين حسيني استرآبادي، قم، جامعه مدرسينحوزه علميه قم، ١٤٠٩ ق.
٣٥. التبيان في تفسير القرآن، ابى جعفر محمد بن حسن الطوسي، بيروت، دار احياء التراث العربى، [بي تا]
٣٦. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابو محمد حسن بن علي بن حسين بن شعبه حرّاني، قم، جامعه مدرسين، چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.
٣٧. تذكرة الخواص، يوسف ابن حسام الدين قز اوغلى بن عبد الله تركي، سبط ابن جوزي، قم، منشورات الشريف الرضى، ١٤١٨ ق.
٣٨. ترجمة الإمام الحسين عليه السلام، ابو القاسم كمال الدين عمر بن احمد حلبى، ابن عديم، قم، دليل ما، ١٤٢٣ ق.
٣٩. تسلية المجالس و زينة المجالس، سيد محمد كركي حائري، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٨ ق.
٤٠. تفسير العياشى (كتاب التفسير)، محمد بن مسعود بن محمد بن عياشى، تهران، چاپخانه علميه تهران، ١٣٨٠ ق.
٤١. تفسير القمي، ابو الحسن علي بن ابراهيم بن هاشم قمي، قم، دارالكتاب، ١٤٠٤ ق.
٤٢. تفسير فرات الكوفي، ابو القاسم فرات بن ابراهيم بن فرات كوفي، تهران، سازمان چاپ و نشر، ١٤١٠ ق.
٤٣. تفسير نور الثقلين، عبد علي بن جمعه عروسي حويزي، قم، اسماعيليان، ١٤١٥ ق.

٤٤. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن بن علي بن محمد، به شيخ حرّ عاملي، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٩ ق.
٤٥. تهذيب الأحكام، ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي، تحقيق: سيد حسن الموسوي الخرسان، تهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الرابعة، ١٤٠٧ ق.
٤٦. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، سيّد رضي الدين علي بن موسي بن جعفر بن طاووس، قم، دار الرضي، ١٣٣٠ ق.
٤٧. الجمل، محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، قم، كنز جهاى شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
٤٨. جهاد با نفس، آية الله العظمى حسين مظاهري، قم، انجمن اسلامى فرهنگيان، ١٣٧٧ ش.
٤٩. جواهر المطالب، شمس الدين، محمد بن احمد بن ناصر بن خليفه باعوى، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ١٤١٥ ق.
٥٠. الخرائج والجرائح، سعيد بن هبة الله، قطب الدين راوندی، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، ١٤٠٩ ق.
٥١. الحصال، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ ق.
٥٢. الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهايم، يوسف بن حاتم شامى، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٢٠ ق.
٥٣. دلائل الإمامة، ابو جعفر محمد بن جرير بن رستم طبري آملی مازندرانی قم، دار الذخائر للمطبوعات، [بی تا].
٥٤. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، ابو بكر احمد بن الحسين البيهقي، تحقيق عبد المعطي قلعي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ ق.
٥٥. ذخائر العقبى، احمد بن عبد الله الطبرى، تهران، جهان، ١٣٥٦ ش.
٥٦. الرحلة (تحفة النظر في غرائب الامصار و عجائب الاسفار)، ابو عبدالله محمد بن ابراهيم، معروف به ابن بطوطه، بيروت، دارالكتب اللبنانى و دارالكتب العالمى، ١٩٩١ م.
٥٧. الرحلة (رسالة اعتبار الناسك في ذكر الآثار الكريمة و المناسك)، ابى الحسن محمد بن

- احمد، معروف به ابن جبير اندلسي، بيروت، دار مكتبة الهلال، ١٩٨٦ م.
٥٨. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، محمد بن حسن فتال نيشابوري، تحقيق: محمد مهدي سيد حسن خراسان، قم، رضي، [بى تا].
٥٩. زاد المعاد، رحمته، محمد باقر بن محمد تقى بن مقصود علي مجلسي، علامه مجلسي، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٩٢٣ ق.
٦٠. زيارات الشام، عثمان بن احمد السويدي الدمشقي، معروف به ابن حوراني، دمشق، مكتبه الغزالي، ١٩٨١ م.
٦١. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)، محمد بن احمد ابن ادريس، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم، ١٩١٠ ق.
٦٢. السقيفة و فدك، أبى بكر أحمد بن عبد العزيز الجوهرى البصرى البغدادى، تقديم و جمع و تحقيق: الشيخ محمد هادى الأمينى، تهران، مكتبة نينوى الحديثة، [بى تا].
٦٣. سنن الترمذى (الجامع الصحيح)، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذى، تحقيق: أحمد محمد شاکر، بيروت، دار إحياء التراث، [بى تا].
٦٤. سير أعلام النبلاء، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة التاسعة، ١٩١٣ ق
٦٥. شرح نهج البلاغة، ابو حامد عبد الحميد بن هبة الله بن ابى الحديد المعتزلى، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، ١٤٠٤ ق.
٦٦. شرف المصطفى، ابو سعيد خرگوشي نيشابوري، مکه، دار البشائر الإسلامية، ١٩٢٤ ق.
٦٧. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى الآيات النازلة فى أهل البيت، عبيد الله بن عبد الله بن حسان القرشي العامري، تحقيق: محمد باقر محمودي، تهران، مؤسسه چاپ و نشر، ١٩١١ ق.
٦٨. صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيشابوري، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، القاهرة، دار الحديث، ١٩١٢ ق.
٦٩. صحيفه امام، امام روح الله الموسوى الخميني، تهران، تدوين و تنظيم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى رحمته، چاپ چهارم، ١٣٨٦ ش.

٧٠. صفات الشيعة، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، شيخ صدوق، قم، انتشارات اعلمى، ١٣٦٢ ش.
٧١. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع الهاشمي البصري، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٠ ق.
٧٢. العقد الفريد، شهاب الدين ابوعمر و احمد بن محمد، ابن عبد ربه، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٤ ق.
٧٣. علل الشرائع، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، شيخ صدوق، قم، مكتبة الداوري، [بى تا].
٧٤. عمدة الطالب، احمد بن علي بن الحسين بن علي بن مهنا بن عنبه، قم، انصاريان، ١٤١٧ ق.
٧٥. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، يحيى بن حسن بن حسين اسدي حلّي، ابن بطريق حلّي، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٧ ق.
٧٦. عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، شيخ صدوق، تحقيق: سيد مهدي حسيني لاجوردى، تهران، جهان، ١٣٧٨ ق.
٧٧. عيون الأخبار و فنون الآثار، ادريس عماد الدين قرشي، بيروت، دار الاندلس، [بى تا].
٧٨. الغيبة، ابو عبد الله محمد بن ابراهيم بن جعفر الكاتب النعماني، تهران، مكتبة الصدوق، ١٣٩٧ ق.
٧٩. الفتوح، ابو محمد احمد بن علي اعثم كوفي الكندي، بيروت، دار الاضواء، ١٤١١ ق.
٨٠. فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين، ابراهيم بن سعد الدين محمد بن ابوبكر بن محمد بن حمويه بن محمد جويني (ابو عبدالله حموي)، تحقيق: شيخ محمد باقر محمودى، بيروت، مؤسسة المحمودى، ١٣٩٨ ق.
٨١. فرحة الغرى في تعيين قبر اميرالمومنين على بن ابى طالب عليه السلام، عبدالكريم بن احمد بن موسي بن طاووس حلّي، قم، منشورات الرضى، [بى تا].
٨٢. الفصول المهمة في معرفة الأئمة، على بن محمد بن أحمد المالكي المكي، ابن الصباغ، تحقيق: سامي الغريرى، قم، دار الحديث للطباعة والنشر، ١٤٢٢ ق.

۸۳. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ ش.
۸۴. قرب الإسناد، ابو العباس عبد الله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حَمیری قمی، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۸۵. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۸۶. کامل الزیارات، شیخ ابو القاسم، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی، نجف اشرف، مرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۸۷. کامل بهائی، عماد الدین حسن بن علی طهری، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳ ش.
۸۸. الکامل فی التاریخ، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی الکرم، ابن الأثیر، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۸۹. کتاب سلیم بن قیس الهلالی (اسرار آل محمد عليه السلام)، شیخ ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی، تحقیق: شیخ محمد باقر انصاری زنجانی، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۰۵ ق.
۹۰. کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۴۱۱ ق.
۹۱. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، شیخ صدوق، قم، دار الکتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ ق.
۹۲. کتاب المزار، محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹۳. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة عليه السلام، ابو الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح إربلی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، چاپ مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۹۴. کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر عليه السلام، ابو القاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی، تحقیق: سید عبد اللطیف حسینی کوهکمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۹۵. کفاية الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب عليه السلام، محمد بن یوسف بن محمد القرشی الكنجدی الشافعی، تحقیق: محمد هادی الأمینی، تهران، دار إحياء تراث أهل البيت، ۱۴۰۴ ق.
۹۶. لباب الانساب و الألقاب و الأعقاب، أبی الحسن علی بن زید بن محمد، معروف به ابن فندق بیهقی، قم، منشورات مکتبه آية الله المرعشی، ۱۴۱۰ ق.
۹۷. اللهوف علی قتلی الطفوف، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، تهران،

جهان، ١٣٤٨ ش.

٩٨. مثير الاحزان، جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله بن غياثي، قم، مدرسة الإمام

المهدي عليه السلام، چاپ سوم، ١٤٠٦ ق.

٩٩. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدين علي بن ابوبكر هيتمي، بيروت، دار الكتاب العربي، الطبعة الثالثة، ١٤٠٢ ق.

١٠٠. المحاسن، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد برقي، قم، دارالكتب الإسلامية، ١٣٧١ ق.

١٠١. مختصر البصائر، حسن بن سليمان بن محمد حلي، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٢١ ق.

١٠٢. مروج الذهب و معادن الجوهر، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي، تحقيق: اسعد داغر، قم، دار الهجرة، الطبعة الثانية، ١٤٠٩ ق.

١٠٣. المزار الكبير، الشيخ أبو عبد الله محمد بن جعفر المشهدي، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٩ ق.

١٠٤. المسائل السرويه، محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، قم، كنز جفاني شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.

١٠٥. مسار الشيعة، محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، قم، كنز جفاني شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.

١٠٦. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري مشهور به محدث نوري، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٨ ق.

١٠٧. المستدرک علی الصحيحين، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيشابوري، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ ق.

١٠٨. مسند أحمد بن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني، تحقيق: عبد الله محمد الدرويش، بيروت، دارالفكر، الطبعة الثانية، ١٤١٤ ق.

١٠٩. مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، رجب بن محمد بن رجب الحافظ، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٢٢ ق.

١١٠. مصباح المتجهد، ابو جعفر محمد بن حسن بن علي بن حسن طوسي، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة، ١٤١١ ق.

١١١. المصباح، شيخ تقي الدين، ابراهيم بن علي عاملي كفعمي، قم، انتشارات رضي، ١٤٠٥ ق.



١١٢. مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، كمال الدين محمد بن طلحة الشافعي، بيروت، البلاغ، ١٤١٩ ق.
١١٣. معجم البلدان، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله الحموي، بيروت، دار صادر، الطبعة الثانية، ١٩٩٥ م.
١١٤. مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد بن مفضل، تحقيق: صفوان عدنان داودي، دمشق، الدار الشامية، ١٤١٢ ق.
١١٥. مقاتل الطالبين، ابو الفرج علي بن الحسين الأصفهاني، تحقيق: سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفة، [بي تا].
١١٦. مقتضب الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر، أحمد بن عبيد الله بن عياش الجوهري، قم، مكتبة الطبائبي، [بي تا].
١١٧. مقتل الإمام الحسين عليه السلام، الموفق بن احمد بن محمد المكي الخوارزمي، معروف به أخطب خوارزم، تحقيق: الشيخ محمد السماوي، قم، مكتبة المفيد. [بي تا].
١١٨. المقتعة، محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، قم، كنز جيهاني شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
١١٩. منتخب التواريخ، حاج ميرزا هاشم خراساني، تهران، چاپ و انتشارات علميه اسلاميه، [بي تا].
١٢٠. المنتخب للطريحي في جمع المراثي و الخطب المشتهر بالفخرى، فخر الدين طريحي نجفي، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤١٢ ق.
١٢١. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، شيخ صدوق، تحقيق: علي أكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين، الطبعة الثالثة، ١٤١٣ ق.
١٢٢. مناقب آل أبي طالب، رشيد الدين محمد بن شهر آشوب مازندراني، تحقيق: شيخ محمد حسين دانش آشتياني و سيد هاشم رسولي محلاتي، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ١٣٧٩ ق.
١٢٣. مناقب الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، ابى الحسن علي بن محمد الشافعي معروف به ابن مغازلي، بيروت، دار الأضواء، چاپ سوم، ١٤٢٤ ق.
١٢٤. المناقب و المثالب، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حيون تميمي مغربي، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٢٣ ق.

١٢٥. المنتظم في تاريخ الأمم و الملوك، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد ابن الجوزي، تحقيق محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٢ ق.
١٢٦. موسوعة الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، عبد الحسين أحمد الأميني النجفي، قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه الإسلامي، الطبعة الرابعة، ١٤٢٧ ق.
١٢٧. نجم الثاقب، ميرزا حسين نوري، قم، مسجد جمكران، چاپ دهم، ١٣٨٤ ش.
١٢٨. نزهة الأنام فى محاسن الشام، ابي البقاء عبدالله بدرى، بيروت، دار الرائد، ١٩٨٠ م.
١٢٩. نظم درر السّمطين فى فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين، محمد بن يوسف بن الحسن بن محمد الزرندى الحنفى، نجف، مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، ١٣٧٧ ق.
١٣٠. نوادر المعجزات فى مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام، محمد بن جرير بن رستم طبري، قم، دليل ما، ١٤٢٧ ق.
١٣١. الهداية الكبرى، الحسين بن حمدان الحصى، بيروت، مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر و التوزيع، الطبعة الرابعة، ١٤١١ ق.
١٣٢. وقعة صفين، نصر بن مزاحم المنقري، تحقيق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، قم، منشورات مكتبة المرعشي النجفي (افست)، ١٤٠٤ ق.
١٣٣. ينابيع المودة لذوى القربى، سليمان بن إبراهيم القندوزى الحنفى، تحقيق: على جمال أشرف الحسينى، تهران، دار الأسوة، ١٤١٦ ق.